

انجمن مدیران صنایع

کارآفرین

ماهنامه

شماره ۱۶۰ - تیر ۱۴۰۳ - ۶۰ صفحه

شرکت رنگسازی سیکلمه (پارت فام)

اولین شرکت دانش بنیان تولید کننده

رنگ های الکترو دیجیتال ED در ایران

تولید کننده رنگ های مستر ساختنی، حفاظتی، تزئینی

پودری، حرارتی، آبجاس، نتر، وسیله ضد رطوبت و ضد نم



Tel: 051-3550

051-35410458-63

www.siklameh.com



پزشکیان و مردم در آرزوی زندگی عادی

متغیرهای مهم
اقتصاد ایران
در شرایط امروز

گزارش کارشناسی انجمن مدیران صنایع

بررسی و تحلیل قانون
«تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها»
از نگاه بخش خصوصی

پیشنهاداتی

برای رییس دولت چهاردهم
در حوزه فضای کسب و کار

رنگ و بوی ضدغربی سازمان پررنگ تر شد

منافع پیمان شانگهای
از عضویت ایران





OTCE

شرکت تجهیزات توربو کمپرسور نفت

Empowered Knowledge | Sustainable Services



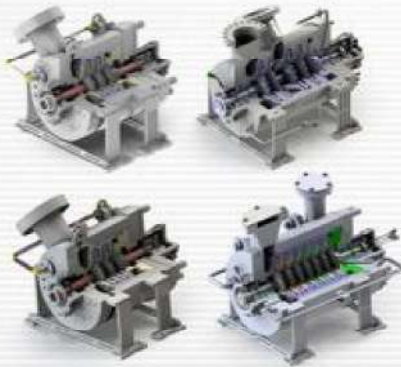
تامین قطعات



اجرا و راه اندازی



طراحی مهندسی



■ طراحی، ساخت و تامین انواع کمپرسورهای سانتریفیوژ جهت استفاده در ایستگاه های اکسپورت، خطوط انتقال گاز، واحدهای Crack-Gas و بازیابی اتان.

■ طراحی، ساخت و تامین انواع الکترو کمپرسورهای سانتریفیوژ فرآیندی، گازهای اسیدی، مبرد و اتیلین API617

■ قابلیت انجام تست عملکردی و مکانیکال انواع کمپرسور سانتریفیوژ رفت و برگشتی و اسکرو تا سطح توان 100MW بر مبنای استاندارد API617 و ASME PTC10

■ قابلیت انجام Complete unit test با محرک های الکتریکی (تمامی سطوح ولتاژ MV و LV)، توربین بخار و توربین گاز بر مبنای استاندارد API615

طراحی، ساخت و تامین

انواع کمپرسورهای سانتریفیوژ رفت و برگشتی



office@otce-co.com

021-88604735-36-38

021-88604739

تھلپیں

حال خوب زندگی

صنایع الکتریکی ناسیونال ایران (سہامی خاص)

National Electric Industrial Co.,(IRAN)Ltd.





tulip

Ideas for Happiness

www.nelco-electric.com



سپناکراج...

۳ دهه در کنار شما

MAKARON

www.takmakaron.com

☎ 1648

واحد برتر صنایع غذایی کشور از نظر سلامت، کیفیت
و ایمنی در سال 1402 منتخب سازمان غذا و دارو



یک نام و هزار لبخند

شرکت صنایع غذایی سحر

تلفن: ۰۹۰-۲۲۶۶۹۲۳۶-۲۲۶۶۹۲۴۰ و ۰۲۱-۲۲۶۶۹۲۴۰-۲۲۶۶۹۲۴۰

WWW.SAHARFOOD.COM



لیزینگ اقتصادنوین

ENLEASING



حامی یک خرید خوب

متفاوت در خدمات

تهران، خیابان قائم مقام فرامانی، جنب بیمارستان تهران کلینیک، کوچه آزادگان، پلاک ۱۵



۱۵۸۶۷۴۷۸۱۱



۰۲۱-۸۸۷۰۰۷۷۶



www.enleasing.com





بانکداری از شرکت

Open Banking



بانک خاورمیانه
Middle East Bank

www.middleeastbank.ir
info@middleeastbank.ir

لناوری‌های جدید بانکی، مشتریان را از حضور در شعبه‌ها بی‌نیاز کرده است. بانکداری باز (Open Banking) خدمتی است که به شرکت‌ها امکان می‌دهد خدمات بانکی را توسط پستو ترمز افزاری خودشان (از جمله سامانه‌های مالی و حسابداری) در هر ساعت از شبانه‌روز، انجام دهند.

- انتقال وجه (داخلی، ساتنا، پایا و پل) به صورت تکی، گروهی و ترکیبی
- استعلام چک صیادی
- تعقیب کد ملی یا شماره حساب یا شبا
- مشاهده لیست چک‌های واگذار شده به حساب
- مشاهده جزئیات دیواری و پرداخت آنها
- خدمات مربوط به اعتبارسنجی

مجمع عمومی انجمن مدیران صنایع برگزار شد



مجمع عمومی عادی سالانه - دوشنبه ۱۱ تیر ۱۴۰۳

سروران و یاران عزیز جهان این روزها درگیر بحران‌های بزرگی است، از رویارویی قدرت‌های بزرگ در منازعه اوکراین و نبرد میهنی این مردم تا حوادث بس دردناک غزه و مرگ زنان و کودکان و تلاش نهادهای بین‌المللی و نمایندگان وجدان بشری برای ممانعت از این همه نابخردی و تباهی و ویرانی. از قدرت‌گیری نظام‌های اقتدارگرا و جریان‌های راست افراطی و ضدصلح و ثبات و حقوق بی‌پناهان تا تلاش آزادیخواهان و حامیان حقوق بشر برای ارتقا احترام و کرامت انسان‌ها. از ارتقا دانش بشری و تحولات باورنکردنی عرصه فناوری و ابرداده‌ها و هوش مصنوعی تا ابرچالش‌های محیط‌زیستی و فقر و نابرابری و... در میهن عزیزمان ایران نیز با بحران‌ها و کشمکش‌های مختلفی مواجه‌ایم؛ از گفتارها و جریان‌های بسته و محدودنگری که میانه خوشی با تفاهم و صلح و آشتی در داخل و خارج ندارند و به واسطه مخالفت با دانش و خرد اقتصادی، این سرزمین را علی‌رغم وجود ظرفیت‌های عظیم مادی و فکری و تاکیدات قانونی به مسیر توسعه-نیافتگی و اقتصادی کوچک و معیشتی سوق داده‌اند، و گفتارها و جریان‌هایی که رویکردی باز و مداراجو و دانش دوستانه دارند و خواهان تعامل با جهان و توسعه‌ای پایدار و اقتصادی آزاد و عادلانه‌اند.

این خدمتگزار صنعت و اقتصاد ملی، بر مبنای تجارب چند ده ساله، باورمند به پیروزی و موفقیت نگرشی است که صلح و همزیستی انسان‌ها و حفظ حقوق و کرامت آنان را هدف قرار داده و آزادی و رقابت را پاس داشته و توسعه‌ای مبتنی بر خلاقیت کارآفرینان و تلاش عالمانه فعالان اقتصادی و صنعتگران و زحمت کارگران زحمتکش را سامان داده است. نگرشی که

مجمع عمومی انجمن روز دوشنبه ۱۱ تیر ماه ۱۴۰۳ با حضور اکثریت اعضای واجد شرایط، مسوولان و هیات مدیره انجمن و نمایندگان اتاق بازرگانی ایران در محل مرکز همایش‌های سازمان مدیریت صنعتی برگزار شد. در این جلسه گزارش فعالیت‌های سال ۱۴۰۲، برنامه و بودجه پیشنهادی سال ۱۴۰۳، صورت‌های مالی منتهی به ۲۹ اسفند سال ۱۴۰۲، گزارش بازرسی و خزانه‌دار ارائه و به تصویب رسید. همچنین با رای اعضا «روزنامه اطلاعات» مجدداً به‌عنوان روزنامه رسمی انجمن انتخاب شد. همچنین در این مجمع مبلغ ورودیه انجمن از ۱۵ میلیون تومان به ۲۰ میلیون تومان و میزان حق عضویت نیز از ۱۵ میلیون تومان به ۲۰ میلیون تومان افزایش یافت. در جلسه مجمع عمومی آقای علی پناهی به عنوان بازرسی اصلی و آقای بیژن محبی به عنوان بازرسی علی‌البدل انتخاب شدند و با پیشنهاد هیات مدیره انجمن، اخذ ۱۰ درصد از محل حق عضویت شعب و دفاتر انجمن منتفی اعلام شد. علاوه بر این مقرر شد هیات مدیره انجمن نسبت به بازرگری آیین‌نامه و مقررات اداره شعب و دفاتر انجمن اقدام نماید. گفتنی است شرکت رینگ‌سازی مشهد، تجهیزات توربوکمپرسور نفت، شرکت بازرسی فنی پویا پرتو تبریز، لیزینگ اقتصاد نوین و بانک کارآفرین از حامیان مجمع انجمن بودند که از ایشان تقدیر به عمل آمد. پیام مهندس محسن خلیلی به مجمع عمومی انجمن مدیران صنایع ۱۱ تیر ماه ۱۴۰۳ که توسط آقای ستوده دبیرکل انجمن قرائت شد. ستایش پروردگار متعال را که بار دیگر در نیمه نهمین دهه زندگی توفیق حضور در جمع شما یاران و سروران عزیز و گرامی را فراهم آورد تا ضمن دیدار و عرض ارادت خدمت یکایک شما بزرگوران نکاتی را به اختصار عرض نمایم.



فون میزس) «یگانه راه برای رهیدن از ایده‌های بد، چیزی جز تلاش برای جایگزینی آن‌ها با ایده‌های خوب نیست.»
 به سهم خود این زحمات و تلاش‌های صادقانه و عالمانه را می‌ستایم و از درگاه ایزد متعال، سلامتی و موفقیت همه عزیزان و اعضای محترم هیات مدیره و کارشناسان و کارکنان فرهیخته این نهاد معظم را در پرتو سربلندی ایران عزیز و جهانی بهتر و انسانی‌تر آرزومندم.
موفق و پیروز و مستدام باشید / محسن خلیلی

ناممکن‌ها را ممکن و آرامش و رفاه و دوستی را برای جوامع بشری به ارمغان آورده است. به اعتقاد، انجمن ما «انجمن مدیران صنایع» رهرو همین مسیر بوده و هست و یقیناً خواهد بود. نهادی که بر اساس عشق و دوستی صادقانه و صمیمانه به آرمان‌های انسانی و توسعه و پیشرفت میهن عزیزمان سامان یافت و در طی چند دهه فعالیت خود هرچه کرد در این سمت و سو و تنومندی و پایداری جامعه ایرانی در پیوند با جهان آزاد و پیشرفته و توسعه صنعتی بوده است. چنانکه به قول یکی از عالمان اقتصادی (لودویگ



چه کسی مسئول چالش‌های صنعت برق است؟



مهدی مسائلی، دبیر سندیکای صنعت برق ایران

حدود ۴۰ میلیون مشترک زمانی بیشتر نمود پیدا می‌کند. حدود ۴۴ درصد برق کشور در صنایع مصرف می‌شود، در حالی که میزان مصرف خانگی ۲۷ درصد است.

در ادامه نظر الگوی مصرف خانگی در شهر تهران که معادل ۳۰۰ کیلووات ساعت در ماه است (یعنی کمتر از ۵ تا لامپ ۱۰۰ وات در روز) به شرح زیر ارائه می‌شود:

تعرفه مصرف برق به صورت ماهیانه در بازه زمانی صفر تا ۱۰۰ کیلووات ساعت ۷۷,۷ تومان، ۱۰۰ تا ۲۰۰ کیلووات ساعت ۹۰,۸ تومان، ۲۰۰ تا ۳۰۰ کیلووات ساعت ۱۹۴,۳ تومان است. تعرفه مصرف برق بین ۳۰۰ تا ۴۵۰ کیلووات ساعت در بازه مصرفی صفر تا ۳۰۰ کیلووات ساعت، ۱۶۹,۶ تومان و بین ۳۰۰ تا ۴۵۰ کیلووات ساعت ۸۲۰,۸ تومان است.

همانطور که ملاحظه می‌شود سهم سیستم‌های سرمایه‌گذاری در قبض برق خانگی بیش از ۶۰ درصد است که می‌توان از آن به عنوان هزینه رفاه یاد کرد.

نرخ‌های برق در دولت سیزدهم به لطف قانون مانع‌زدایی از توسعه صنعت برق واقعی‌تر شده است و این امر می‌تواند زمینه‌ساز امید برای رفع ناترازی اقتصادی این صنعت طی چند سال آینده باشد. تعرفه و مکانیزم انشعابات با ظرفیت اتصال بالای یک مگاوات هم از آبان سال ۱۴۰۲ تغییر کرده است که خود بر اقتصاد برق موثر خواهد بود.

مشکلات و چالش‌های صنعت برق در بعد کلان تابع مستقیم شرایط اقتصادی کشور و مسائل بین‌المللی حاکم بر آن است. صنعت برق در مربع مشکلات کمبود سوخت و آب، ناترازی مالی و فنی قرار دارد و ناترازی حدود ۱۸۰۰۰ مگاواتی در سال ۱۴۰۳ و ۱۲۰۰۰ مگاواتی در سال ۱۴۰۲ محصول نامعادله چهار مجهولی فوق است که به توان سوء مدیریت‌ها و فقدان هماهنگی حاکمیتی در کشور، چنین شرایط سختی را برای صنایع و مردم رقم زده است. اما باید توجه شود که مقصر وضع موجود صرفاً وزارت نیرو نیست.

ناترازی محصول کمینگی تولید و بیشینه شدن مصرف و یا به طور خیلی ساده بیشتر شدن مصرف نسبت به تولید است. تغییرات اقلیمی، تغییر وضعیت اجتماعی و خانواده، مکانیزه شدن تولیدات صنعتی، همه و همه به همراه پایین بودن قیمت انرژی ناترازی امروز را به دنبال داشته که البته در بخش اول یادداشت هم به عوامل موثر دیگری در این باره اشاره شد. قطعاً این وضعیت را در کوتاه مدت نمی‌شود با افزایش تولید جبران کرد، چرا که هم ناترازی بالاست و هم منابع مالی بسیار زیادی لازم است. لذا تنها راهکار کوتاه مدت کنترل بار (مدیریت خاموشی‌ها) و به لحاظ فرهنگی و اقتصادی، کنترل مصرف توسط مصرف‌کنندگان است که آن را به نام بهینه‌سازی مصرف می‌شناسیم.

حدود ۴۰۰ مصرف‌کننده بزرگ در کشور داریم (کارخانجات بزرگ مانند مس، فولاد، آلومینیوم و ...) که سهمشان در برابر

انتقال و فوق توزیع ۱۳۳۸۲۱ کیلومتر مدار، طول خطوط فشار متوسط و ضعیف ۸۴۵ هزار کیلومتر، کل تعداد مشترکین ۴۰۷۲۱ هزار مشترک، مجموع ظرفیت پست برق ۴۲۴۱۹۶ مگاوات آمپر و متوسط راندمان نیروگاه‌های حرارتی ۳۹,۳۴ درصد است.

چهار سیاست مهم صنعت برق

توسعه صنعت برق نیازمند اجرای سیاست‌های حاکم بر صنعت برق در چارچوب اسناد بالادستی است. این سیاست‌ها در چهار محور «اصلاح اقتصادی و مالی»، «اصلاح حکمرانی و ساختار نهادی»، «توسعه زیرساخت‌ها» و «توسعه زنجیره تامین» مورد انتظار است. اصلاح اقتصاد صنعت برق و فراهم کردن شرایط سرمایه‌گذاری از مهم‌ترین محورهای توسعه‌ای صنعت برق است. برای اصلاح اقتصاد برق در چارچوب اسناد بالادستی قانون برنامه هفتم و قانون مانع‌زدایی، پیشنهاد می‌شود بازار برق به دو بخش بازار برق دولتی - خانگی و بازار برق آزاد (تجاری و صنعتی) دسته‌بندی شود. اجرای این سیاست تنها زمانی اثر توسعه بر صنعت خواهد داشت که وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه از تجارت برق آزاد به تدریج خارج شوند و تامین برق با ساز و کار بازار برق بین عرضه و تقاضا صورت پذیرد. اجرای سیاست‌های توسعه‌ای صنعت برق بدون تغییر ساختار حکمرانی و ساختار نهادی برق، نمی‌تواند محقق شود. در واقع ساختار فعلی اجرای این اصلاحات را علیرغم تکالیف قانونی به تاخیر انداخته است. لذا لازم است در دو محور اصلی، ساختار حکمرانی و نهادی صنعت برق اصلاح شود. در راستای اجرای قانون برنامه هفتم پیشرفت «اصلاح ساختار مالکیت - مدیریت و رابطه شرکت‌های تابعه وزارت نیرو با دولت»

پیگیری مطالبات از طریق کانال‌های مختلف

یکی از اولویت‌های اصلی سندیکا در پیگیری مشکلات اعضا مربوط به مطالبات است که همیشه در دستور کار سندیکا قرار داشته است. سندیکا در همه ادوار خود به خصوص در دوره هشتم هیات مدیره این موضوع را از طریق کانال‌های مختلف از جمله توانیر، مجلس شورای اسلامی، سازمان بازرسی کل کشور و ... پیگیری کرده است که اخیراً براساس گزارش‌های دریافتی از توانیر اعلام شده است تاکنون بالغ بر ۳۴۷۰ میلیارد تومان (حدود ۳۰ درصد از مطالبات) اوراق به ۶۴۰ شرکت تامین‌کننده و پیمانکار تخصیص داده شده است.

ابلاغ قرارداد تیب خرید کالای تخصصی شرکت‌های توزیع که اخیراً توسط مدیرعامل توانیر انجام شده، از دستاوردهای مهم و حاصل پیگیری‌های بیش از یک دهه‌ای سندیکای صنعت برق ایران است. این قرارداد که از اول شهریور سال جاری اجرایی خواهد شد، مجهز به ابزارهای مختلف قراردادی از جمله تعدیل، تعلیق، خاتمه پیمان از طرف فروشنده، فرمول تمدید و خسارت تاخیر در پرداخت‌هاست و این امکان را برای بخش خصوصی فراهم کرده است تا در صورت مواجهه با مشکلات مالی بتواند از معرض تهدید تاخیرات غیرمجاز در امان بماند و خود را از قراردادی که او را به لحاظ اقتصادی با مشکل مواجه کرده است، خارج کند.

صنعت برق در چه شرایطی تحویل دولت جدید شد؟

صنعت برق امروز در شرایطی تحویل دولت مسعود پزشکیان شده است که کل ظرفیت نامی نیروگاهی ۹۳۳۱۶ مگاوات، مجموع ظرفیت نیروگاه بادی و خورشیدی ۸۹۶,۲ مگاوات، طول خطوط



صاحب امتیاز: انجمن مدیران صنایع

مدیرمسئول: دکتر رمضانعلی رویایی

سرمدبیر: محمدرضا صدیق جنان صفت

اعضای تحریریه: فریدون اسعدی

شیرما ستوده - احسان جنان صفت

مدیر اجرایی و صفحه‌آرایی:

علی صانعی

ویراستار:

فاطمه ابراهیمیان

محرورفچین:

محمدرضا خدابخش

نشانی: تهران، خیابان استلامطهری، روبه روی خیابان میرعماد

پلاک ۲۶۴، طبقه سوم و چهارم

نمابر: ۸۸۸۳۹۶۴۱

نقل مندرجات این نشریه با ذکر مآخذ آزاد است

نظر نویسندگان و شرکت کنندگان در میزگردها و مسابقاتها

ازوماً نظر این نشریه نیست

مسئولیت مطالب بر عهده نویسنده آن است

نشریه در انتخاب و ویرایش متون آزاد است

مقالات و نظرات به دفتر تحریریه ارسال شود

مقالات رسیده پس داده نخواهد شد

متن اصلی مقالات ترجمه شده به پوست ارسال شود

مقالات روی بک‌کف برگ A4 نوشته بخامنه بین سطرها رعایت شود

برای مرور فهرست مقالات

به آدرس www.amsiran.com مراجعه کنید

چاپخانه:

پیمان نوآیندیش

اندیشه‌های



متغیرهای مهم اقتصاد ایران در شرایط امروز



ابتدای دهه ۹۰ شمسی را با بحران سال‌های ۹۱ و ۹۲ و دوره‌ی تحریم آغاز کردیم همزمان با سر کار آمدن دولت یازدهم روند جدیدی آغاز و نرخ تورم با کاهش همراه شد و اقتصاد کشور حتی تورم زیر ۱۰ درصد را تجربه کرد اما مجدداً شرایط باعث شد که تورم به نرخ بالا برگردد و نرخ بالا تداوم یابد؛ به گونه‌ای که طی پنج سال گذشته نرخ تورم در کشور به علت نوسانات بالا و بحران‌های متعدد ارزی همین دوره از متوسط ۲۰ درصد به متوسط ۴۰ درصد رسیده است. هرچند در نیمه اول دهه ۹۰ رشد پایه پولی تا حدودی کنترل شده بود اما تداوم رشد نقدینگی بالا و نیز بالا ماندن نرخ بهره‌ی پرداختی به سپرده‌گذاران سبب شد تا منابع در بانک‌ها انباشته شود و بانک‌ها نرخ‌های بهره‌ی بالا را بدون کسب درآمد کافی بپردازند این تحولات زنگ خطر تداوم بحران بانکی را طی سال‌های ۹۵ تا ۹۶ به صدا درآورد...

◀ صفحه ۷

بررسی و تحلیل قانون «تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها» از نگاه بخش خصوصی



این طرح با هدف تأمین مالی و جهش تولید در بخش‌های تولیدی و زیربنایی و همچنین هدایت نقدینگی به بخش‌های تولیدی در مجلس به تصویب رسیده است. نمایندگان پیش‌تر طرح تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها را ۲۹ مرداد پارسال به تصویب رسانده بودند که شورای نگهبان به آن ایراد گرفته بود. حالا این طرح پس از ۳ مرحله اصلاح در مجلس و بررسی در شورای نگهبان به تأیید رسیده و به قانون تبدیل شده است. قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها نهایی و ابلاغ شد بر اساس این قانون شورای ملی تأمین مالی به ریاست وزیر اقتصاد تشکیل می‌شود. قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها که هفته گذشته به تأیید شورای نگهبان رسیده بود و در مورخ ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۳ قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها را جهت اجرا به رئیس‌جمهور ابلاغ کرد...

◀ صفحه ۲۵

ایران، روسیه و چین؛ سه قدرت مهم و مستقل در مقابل توسعه‌طلبی آمریکا و غرب



در هفته‌ای که گذشت رؤسای جمهور روسیه و ترکیه با رهبر انقلاب اسلامی دیدار و گفت‌وگو کردند. این دیدارها همزمان با اجلاس سه‌جانبه‌ی موسوم به آستانه برگزار شد و محتوای آن بازتاب مختلفی در رسانه‌های بین‌المللی و افکار عمومی داشت. رسانه **KHAMENEI** در گفت‌وگویی تفصیلی با آقای دکتر علی‌اکبر ولایتی مشاور رهبر انقلاب اسلامی در امور بین‌الملل، به بررسی محورهای مهم و متنوع که در این دیدارها درباره آن‌ها بحث و تبادل نظر شد، پرداخته است. * با توجه به سفر اخیر مقامات دو کشور روسیه و ترکیه به ایران و برگزاری نشست سه‌جانبه، در ابتدا می‌خواهیم منطق ارتباط با شرق و شکل‌گیری نگاه به شرق و به‌طور کلی ارتباط با همسایگان و خصوصاً روسیه را بررسی کنیم. نظر جنابعالی نسبت به این ارتباطات و روابط هم‌پیمانی با چین و روسیه در مقابل ارتباط با غرب و آمریکا چگونه است؟ نگاه به شرق نگاهی است که هم امام فرمودند هم رهبر انقلاب؛ یعنی اینکه ما نگاهمان به‌سمتی باشد که در حال طلوع است... در حال حاضر، مشخصاً شاهدیم شرق در حوزه‌های مختلف به پا خاسته است؛ هند یک‌جور، چین یک‌جور، روسیه یک‌جور و دیگر کشورهای آن منطقه هم جور دیگر. حضرت امام و آقا فرمودند کشف شرق در حال طلوع اهمیت دارد...

◀ صفحه ۳۹

پزشکیان و مردم در آرزوی زندگی عادی



محمدصادق جنان صفت

سردبیر

اقتصاد ایران در بهار و ماه نخست تابستان ۱۴۰۳ نیز همانند ماه‌ها و سال‌های گذشته بی‌روسامان و آشفته بود.

در این ماه‌ها بود که رشد صنعتی برخلاف فصل‌های پیشین فاقد شتاب شد و این حس را در میان فعالان اقتصادی و صنعتی پدیدار کرد که صنعت و اقتصاد با احتمال بیشتری به رکود نزدیک می‌شود. در این ۴ ماه شاخص‌ها و متغیرهای اقتصادی به ویژه در بخش حقیقی اقتصاد مثل سرمایه‌گذاری، تجارت خارجی و نیز تولید روندهای نگران‌کننده پیدا کردند. از سوی دیگر متغیرهای اقتصادی مثل نرخ بهره بانکی، سیاست‌های ارزی و سیاست‌های بانکی و پولی نیز تحت تاثیر تحریم‌ها به شکلی باورنکردنی درهم تنیده شده و هر کدام با دیگری تناقض دارند. درحالی که واحدهای صنعتی برای دریافت اعتبارات باید نرخ‌های ۳۰ تا ۴۰ درصد تحمل می‌کردند بانک مرکزی نخواست این نرخ بهره را کاهش دهد تا بتواند از تقاضای پول بکاهد. سیاست‌های ارزی در ماه‌های تازه سپری نیز با سخت‌گیری در تخصیص ارز و نیز تبعیض در دادن دلارهای دولتی با قیمت‌های گوناگون تعادل را برهم زده و آشفتنگی در واردات و صادرات پدیدار کرد. با توجه به اینکه سیاست‌های ضد تورمی دولت سیزدهم نتوانست به مهار تورم در اندازه‌های بالا دست یابد شرایط برای متغیرهای اقتصاد مثل سرمایه‌گذاری بدتر کرده است.

مدیران و صاحبان بنگاه‌های اقتصادی به ویژه بنگاه‌های صنعتی سال‌های طولانی است که در وضعیت غیر عادی زندگی می‌کنند و آرزو دارند ورق سیاست در ایران برگردد و آنها نیز به روزهای عادی برگشته و فعالیتی خارج از استرس و التهاب را تجربه کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهد درجه غیر عادی شدن زندگی برای بنگاه‌ها که پس از پایان جنگ با عراق به شکل‌های گوناگون وجود داشت در دهه ۱۳۹۰ و گسترده

شدن سایه تحریم‌ها بیشتر و بیشتر شده است. در این وضعیت بود که مقام‌های سیاسی ایران نخواستند الزام‌های «اف ای تی اف» را بپذیرند و شرایط برای بنگاه‌های ایرانی به ویژه در مسیر تجلرت خارجی و تامین مواد اولیه از کشورهای دیگر سخت‌تر شده و هنوز نیز ادامه دارد. واقعیت این است که بنگاه‌های صنعتی در ایران در این روزها آرزو دارند بتوانند در یک فضای آرام فعالیت کنند. دولت‌های ایران اعم از دولت روحانی و مرحوم رئیسی نیز برای اینکه بتوانند اقتصاد را اداره کنند از راه‌های گوناگون بنگاه‌ها را زیر فشار قرار داده‌اند. تامین مالی برای بنگاه‌های صنعتی در یک سال تازه سپری شده بسیار دشوار شده است. از طرف دیگر روند کاهنده قدرت خرید شهروندان به رکود در صنعت دامن زده است. گسترده تر و ادامه‌دار شدن تحریم اقتصادی از ۱۳۹۷ تا امروز اقتصاد ایران را در چاله انداخته است و هر روز این چاله گودتر می‌شود. به طوری درآمدهای حاصل از صادرات نفت ایران روندی کاهنده نسبت به قبل از تحریم را تجربه می‌کرد و هزینه‌های ارزی غیر اقتصادی نیز افزایش یافت. این وضعیت به افزایش چند برابری قیمت دلار و دیگر ارزهای معتبر منجر شده است. با توجه به چسبندگی قیمت کالاها و خدمات به نرخ تبدیل دلار به ریال و حساسیت دولت به قیمت‌ها سیاست‌های ارزی بازدارنده حول محور تثبیت قیمت دلار اتخاذ شد. در چنین وضعیتی بنگاه‌های صنعتی از یک سو ناچارند قیمت‌های تحمیلی دولت را بپذیرفته و با شرایط دشوار از مرز ورشکستگی عبور کنند.

ایرانیان پس از شهادت آیت‌الله رئیسی چند هفته بود خبرها، گزارش‌ها و تحلیل‌های پرشمار درباره دولت چهاردهم را از رسانه‌های داخلی و نیز از رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور دنبال می‌کردند. با این همه و به دلایل خاص از جمله سازگاری تمام‌عیار مسعود پزشکیان به عنوان رئیس‌جمهور با مقام‌ها و نهادهای بالادستی برای تعیین اعضای کابینه و پافشاری چندباره‌اش در این باره، این گمانه‌زنی را پدیدار کرده است که شرایط تازه ای را تجربه می‌کنند. در روز

۸ تیرماه ۱۴۰۳ بود که سرانجام انتخابات برای تعیین رئیس‌جمهور تازه برگزار شد و نسعود پزشکیان و سعید جلیلی با کسب بیشترین رأی به مرحله دوم رسیدند. پس از آن در ۱۵ تیرماه بود که مرحله دوم انتخابات برگزار شد و مسعود پزشکیان با کسب بیش از ۵۰ درصد آرا رئیس‌جمهور شد. در همه روزهای تیرماه بود که شهروندان ایرانی و نیز مدیران و صاحبان بنگاه‌های صنعتی می‌پرسند که آیا کابینه چهاردهم می‌تواند کاری کند؟ این یک پرسش عمومی است که شهروندان ایرانی از هم می‌پرسیدند و کوشش می‌کردند از زبان تحلیلگران مورد اعتماد خود برای این پرسش جوابی متقاعدکننده بیابند. اما نخبگان و نیز علاقه‌مندان و دلسوزان به ایران ارجمند به مجلس و دولت و دیگر نهادهای موثر در اداره کشور توصیه می‌کنند «حال و روز» ایرانیان را درک کنند. واقعیت تلخ و گزنده این است که ایرانیان «خسته» شده‌اند. بیش از سه دهه است که جنگ عراق و ایران تمام شده و ایرانیان امیدوار بوده و هستند که دولت‌های مستقر، آنها را در وضعیتی عادی قرار دهد.

ایرانیان از دولت چهاردهم می‌خواهند با استفاده از فضای سیاسی تلطیف شده سیاسی برنامه‌هایش در مسیر یک زندگی عادی برای کل ایرانیان باشد. دور کردن اقتصاد کلان از تهدیدهای جهانی و یکسان کردن تصمیم‌های سیاست خارجی با تجارت خارجی با راهبرد رشد اقتصادی و تعامل با دنیا گام بزرگی است که دولت چهاردهم می‌تواند بردارد. صنعتگران نیز از پزشکیان می‌خواهند کاری کند که مقررات و قانون‌های بازدارنده دست از سر آنها بردارد و دخالت‌های دولت را کاهش دهد. از همه مهمتر اما شهروندان ایرانی هستند که می‌خواهند زندگی آرامی داشته باشند و با کار و کوشش خود زندگی آبرومندانه برای خود آماده سازند.

دولت چهاردهم اگر در این مسیر گام بردارد با حمایت مردم روبه روشده و سرمایه بزرگی برای خود فراهم می‌کند.

متغیرهای مهم اقتصاد ایران در شرایط امروز

بخش اول: قصه نظام بانکی

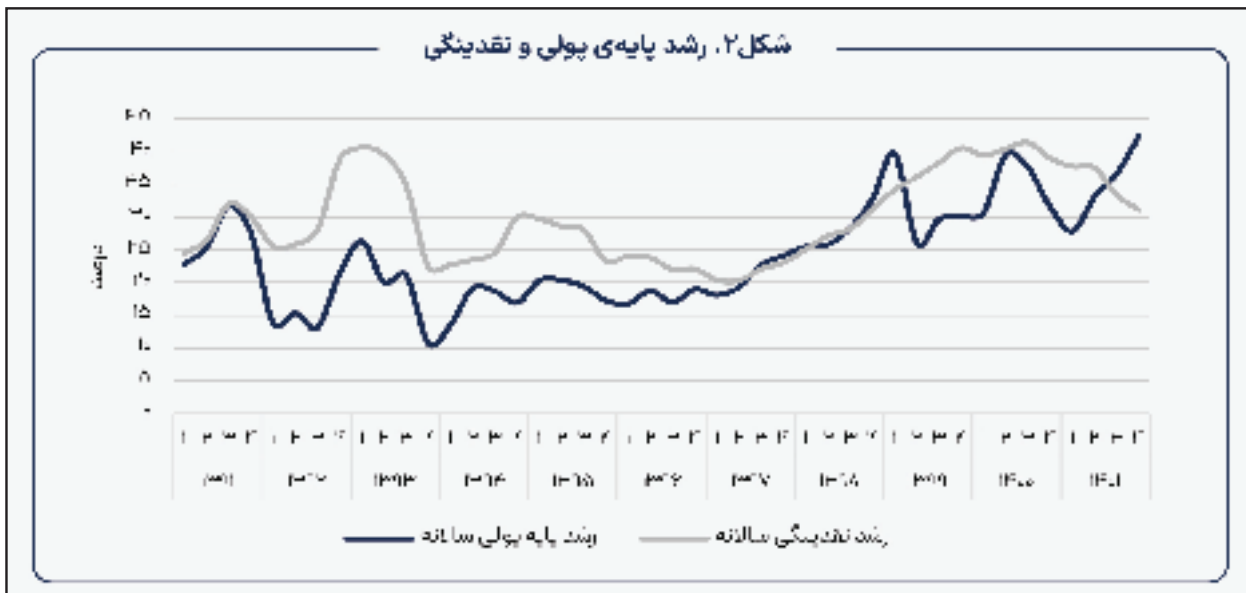
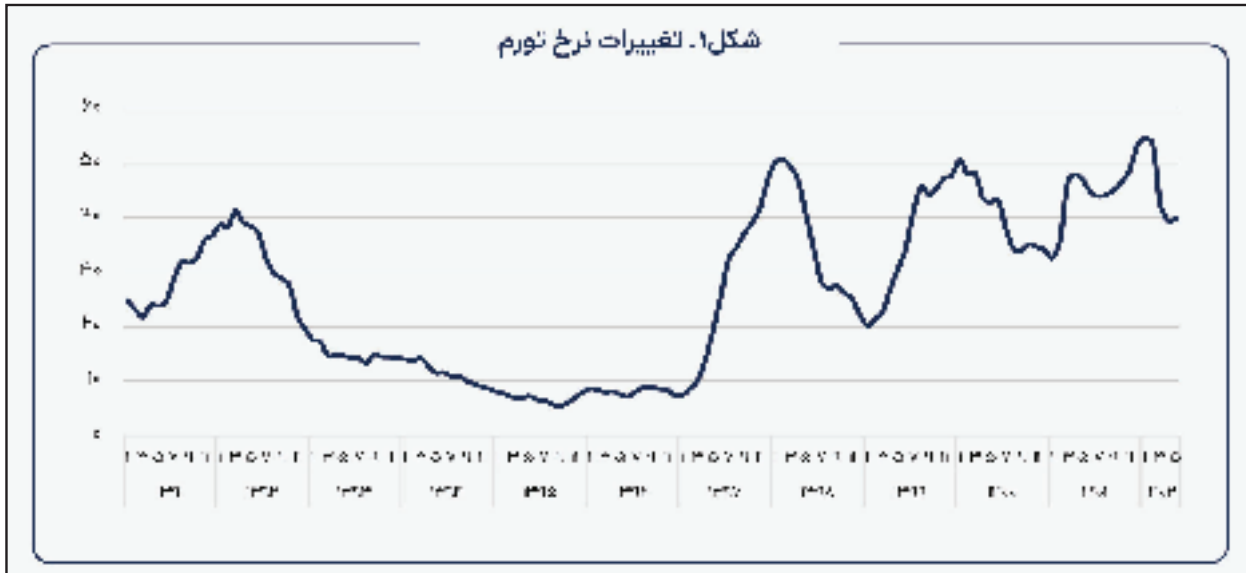
۱. تورم دهه ۹۰ و تشدید ناترازی بانکها

ابتدای دهه ۹۰ شمسی را با بحران سالهای ۹۱ و ۹۲ و دوره‌ی تحریم آغاز کردیم همزمان با سرکار آمدن دولت یازدهم روند جدیدی آغاز و نرخ تورم با کاهش همراه شد و اقتصاد کشور حتی تورم زیر ۱۰ درصد را تجربه کرد اما مجدداً شرایط باعث شد که تورم به نرخ بالا برگردد و نرخ بالا تداوم یابد؛ به گونه‌ای که طی پنج سال گذشته نرخ تورم در کشور به علت نوسانات بالا و بحران‌های متعدد ارزی همین دوره از متوسط ۲۰ درصد به متوسط ۴۰ درصد رسیده است.



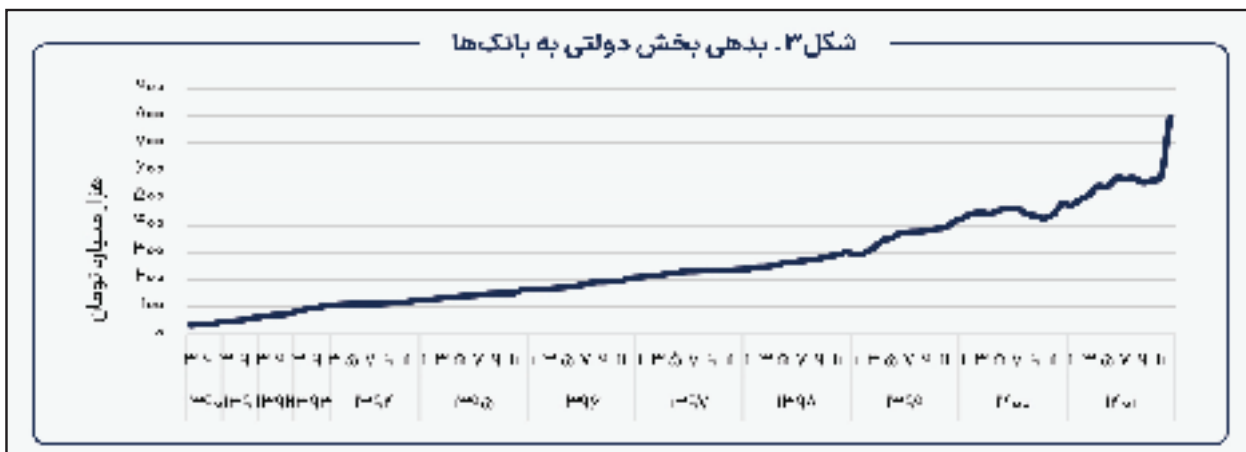
نرخ رشد بالای ۲۵ درصد داشت و به واسطه‌ی نرخ بهره بالا نگاه داشته شده؛ تخلیه نشده بود جایی می‌باید مازاد ۱۵ تا ۲۰ درصدی نهفته در خود را تخلیه می‌کرد تخلیه به تلنگری نیاز داشت و شوک اخبار تحریم و اعلام خروج امریکا از برجام از سوی ترامپ موجب شد تا نقدینگی انباشته شده به بازار دارایی‌ها سرازیر شود. به علاوه، انتظارات منفی نسبت به آینده شکل گرفت و آثار خود را در بازار ارز تخلیه کرد و کشور با جهش ارزی و به تبع آن افزایش نرخ تورم روبرو شد. در ادامه این، تحولات رشد پایه‌ی پولی و نقدینگی که در طی سال‌های بعد ایجاد شد و ناشی از مساله‌ی کسری بودجه بود، باعث شد تا تورم از بازه متوسط سی‌چهل ساله ۲۰ درصدی خود به متوسط بیش از ۴۰ درصد برسد نمودارهای ۱ و ۲ تغییرات نرخ تورم و رشد پایه پولی و نقدینگی را نشان می‌دهد.

هرچند در نیمه اول دهه ۹۰ رشد پایه پولی تا حدودی کنترل شده بود اما تداوم رشد نقدینگی بالا و نیز بالاماندن نرخ بهره‌ی پرداختی به سپرده‌گذاران سبب شد تا منابع در بانک‌ها انباشته شود و بانک‌ها نرخ‌های بهره‌ی بالا را بدون کسب درآمد کافی بپردازند این تحولات زنگ خطر تداوم بحران بانکی را طی سال‌های ۹۵ تا ۹۶ به صدا درآورد. به نظر می‌رسد به دلیل این تحولات حتی اگر تحریم در دولت دوم آقای روحانی هم اتفاق نمی‌افتاد و همان روند گذشته ادامه می‌یافت، باز هم تورم در ایران افزایش پیدا می‌کرد و کشور با بحران بانکی یا ارزی مواجه می‌شد؛ کما اینکه در اواخر سال ۹۶ خبرهایی از برخی موسسات مالی غیرمجاز و بانک‌ها شنیده می‌شد و بسیار انتظار می‌رفت که کشور با بحران بانکی مواجه شود علت آن بود که انباشت نقدینگی که کماکان

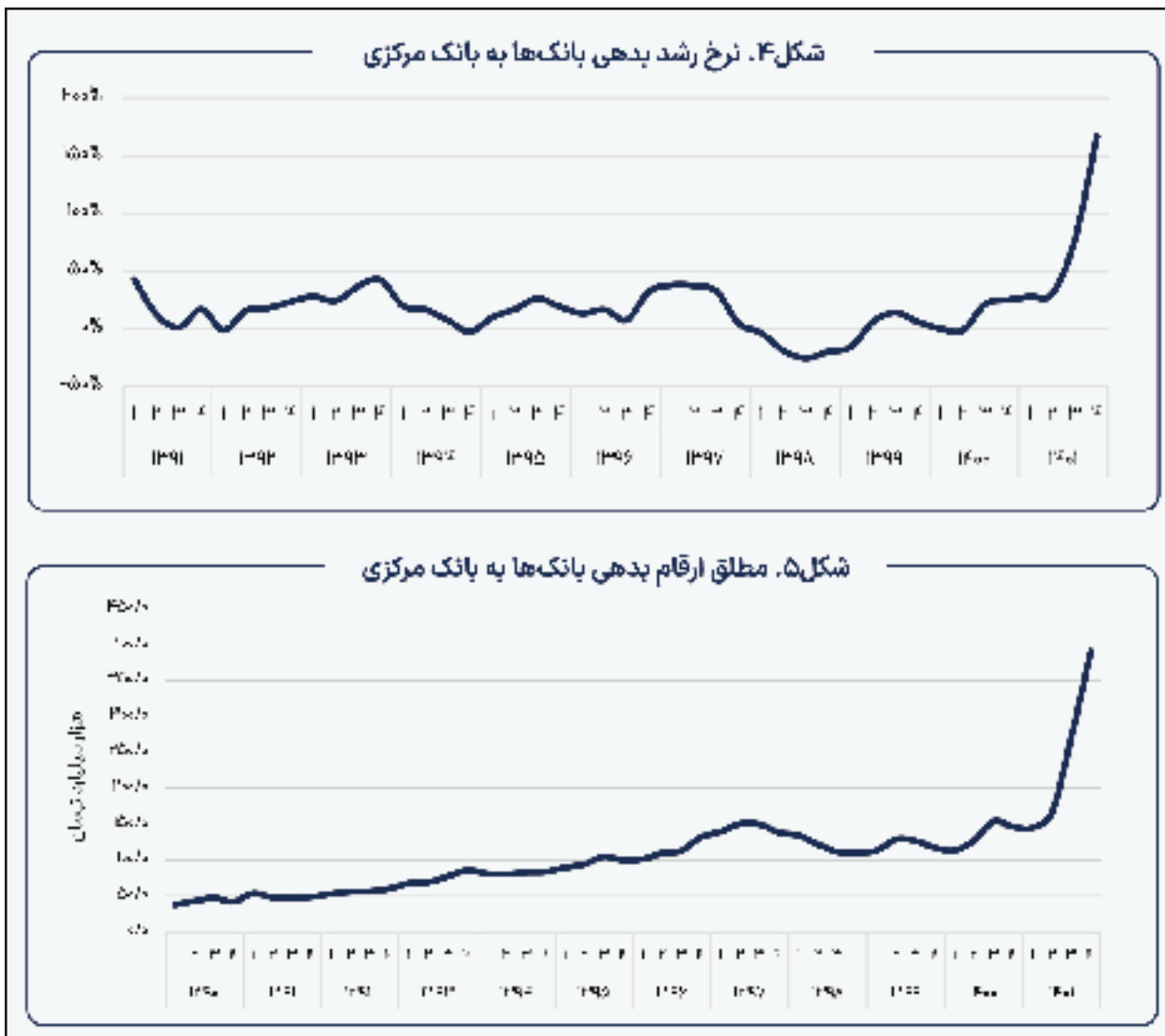


۲. دلایل تغییر نرخ متوسط تورم کشور

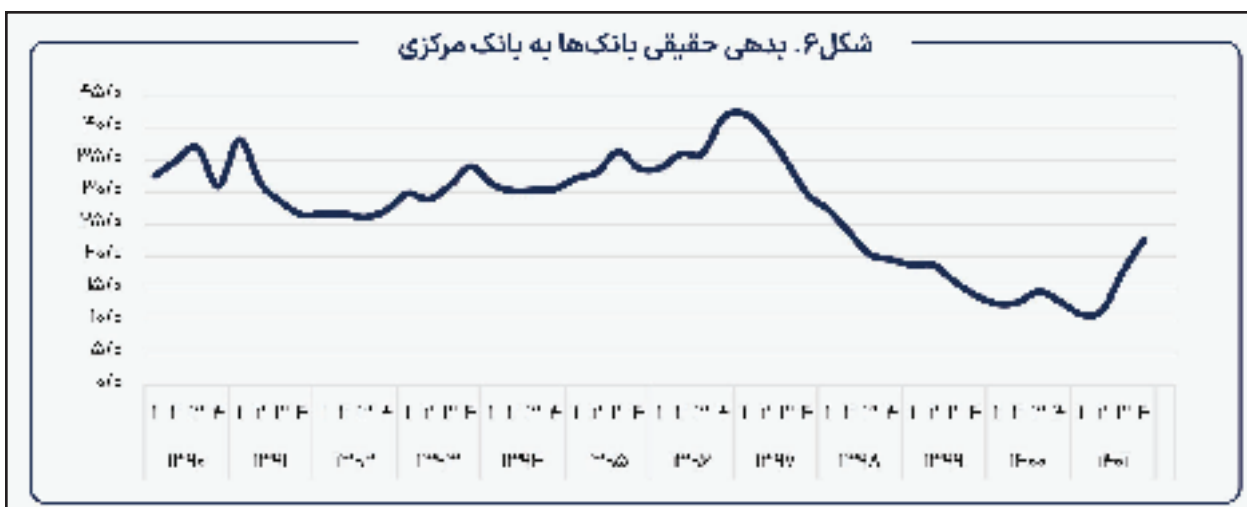
مؤلفه مهم پرش نرخ تورم و ارزشی ده سال اخیر رشد مستمر بدهی دولت به بانک‌هاست که از سال ۹۷ به بعد با شیب بیشتری همراه شد و به خصوص در انتهای ۱۴۰۱ یک اوج بزرگ را تجربه کرد. نمودار ۳ بدهی اسمی بخش دولتی به بانک‌ها را نشان می‌دهد اگر این روند را از زاویه بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی هم نگاه کنیم آنگاه به نمودار شماره ۴ می‌رسیم که نرخ رشد بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی را نشان می‌دهد نمودار ۵ قدر مطلق اعداد است که نشان می‌دهد بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی در حال افزایش است.



نمودارها بیانگر آن است که از سال ۹۳ به سمت نرخ رشدهای بالای ۴۰ تا ۵۰ درصد می‌رویم؛ در واقع دولت به بانک‌ها بدهکار می‌شده و بانک‌ها به بانک مرکزی در انتهای سال ۱۴۰۱ همین اوج بار دیگر تجربه می‌شود.



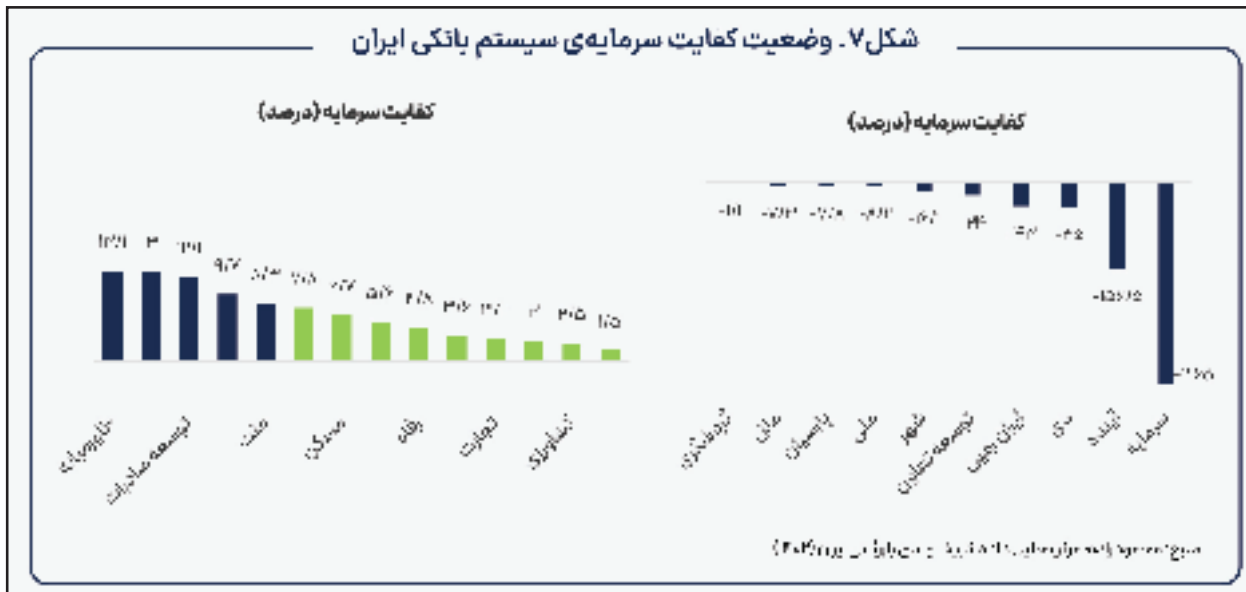
اگر بدهی اسمی بانک‌ها به بانک مرکزی را با شاخص قیمت تعدیل کنیم تا به ارقام تورم در رفته (حقیقی) برسیم، نمودار ۶ حاصل می‌شود. ملاحظه می‌شود که از سال ۹۲ به، بعد افزایش نرخ رشد واقعی بدهی در دامنه‌ی نرخ بیش از ۴۰ درصد تا ۲۵ درصد نوسان کرده است.



همان‌طور که مستمر وابستگی سیستم بانکی به بانک مرکزی افزایش می‌یافت و درصد بالاتر اضافه برداشت‌ها رشد پایه پولی را برای کشور رقم می‌زد به سال ۹۷ می‌رسیم که در آن با تخلیه شدن نقدینگی در بازار ارز و بازار دیگر دارایی‌ها و نیز با شروع اخبار، تحریم نرخ ارز به شدت بالا رفت و تورم، شدیداً افزایش یافت.

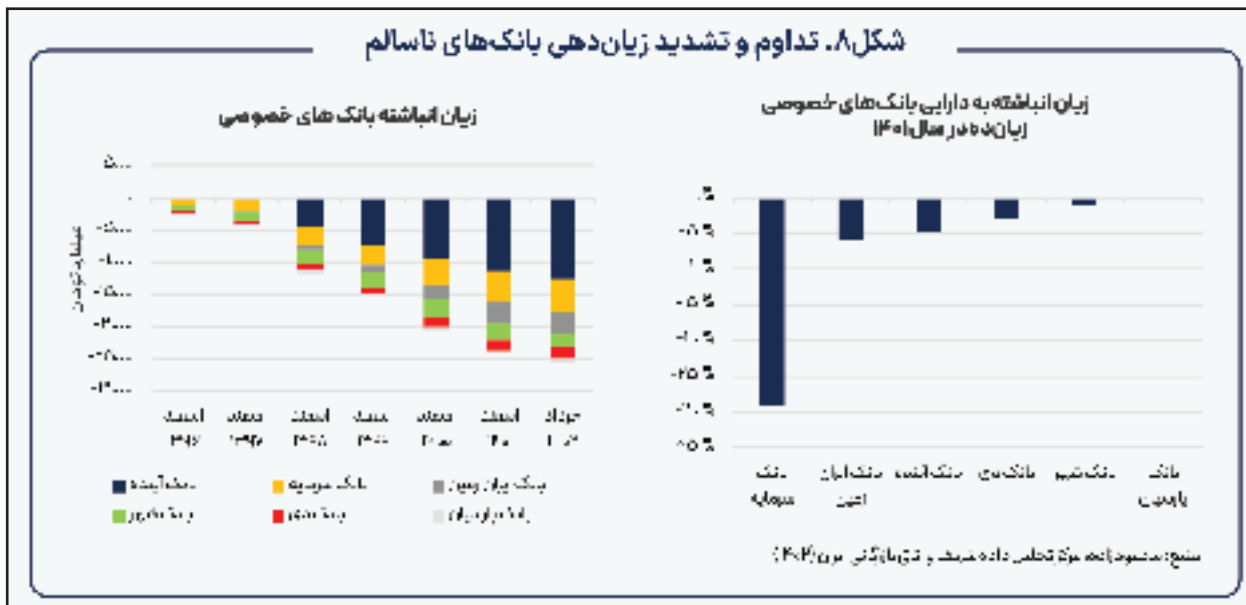
۳. بدهی پولی شد

در چنین شرایطی که تورم با این شدت افزایش می‌یابد طبعاً بدهی حقیقی بانک‌ها به بانک مرکزی کاهش می‌یابد یعنی درست است که رقم اسمی بدهی کمتر نمی‌شود اما ارزش واقعی آن به شدت کاهش می‌یابد با این تحولات می‌توان گفت بدهی‌های دولت و بانک‌ها به بانک مرکزی عملاً پولی شد؛ بدین معنا که با تورم این بدهی عملاً از بین رفت اتفاقی که افتاد این بود که دولت و نیز سهامداران برای بانک‌ها ایجاد بدهی کردند و این بدهی‌ها انباشته شد؛ بخشی از این بدهی از بانک مرکزی در قالب اضافه برداشت و خطوط اعتباری دریافت، شد و بعد که این حجم بزرگ از بدهی دولت و بانک‌ها به بانک مرکزی تورم ایجاد، کرد عملاً بدهی دولت و بانک‌ها تا حد زیادی تعدیل شد؛ یعنی ارزش آن بدهی‌ها کاهش یافت این بدهی‌ها پول در گردش را از اعتبار انداخت و سبب شد تا ارزش پول ملی کاهش پیدا کند.



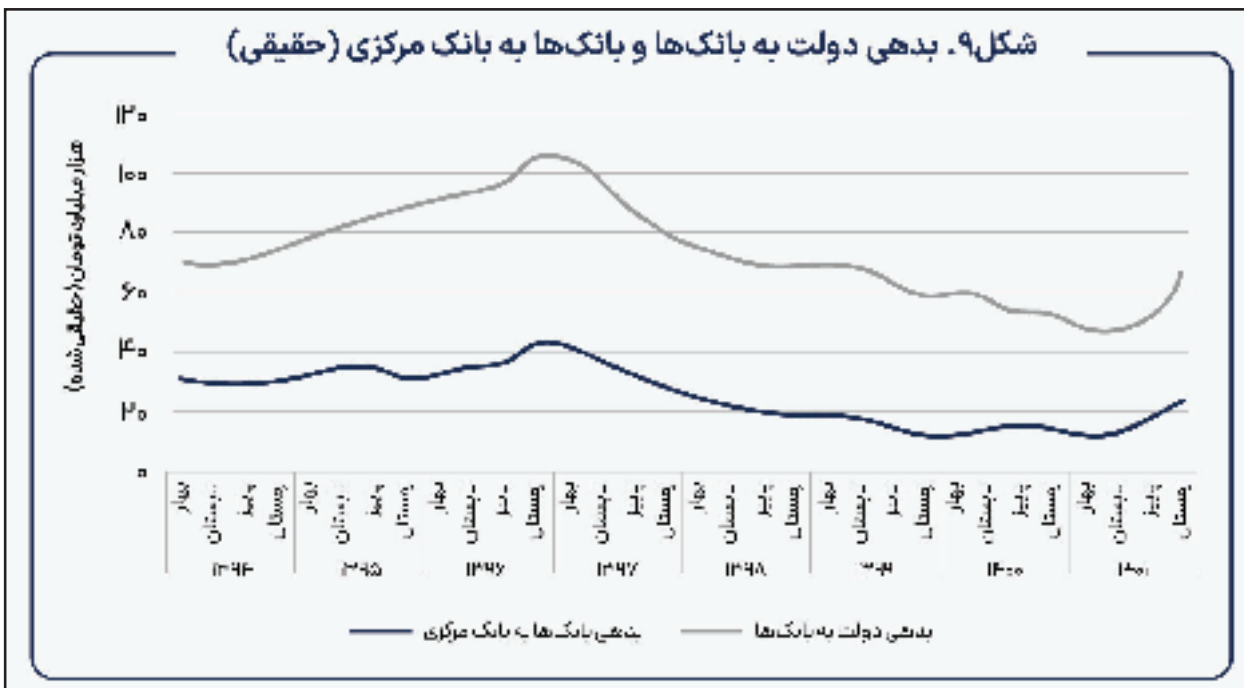
قبل از تخلیه‌ی بدهی بانک‌ها به بانک، مرکزی و قبل از شروع اخبار و ماجراهای جدید، تحریم شاهد بودیم زیان انباشته‌ی مجموعه بانک‌ها دایماً زیاد می‌شد و در سال‌های ۹۶-۹۵ هم زیان قابل توجهی انباشت شده بود.

بعد از سال ۹۷ یعنی بعد از تخلیه نقدینگی در بازار ارز و وقوع، تورم بانک‌ها دو گروه شدند بانک‌های سالم و ناسالم تا قبل از سال ۹۷ همه‌ی بانک‌ها ناسالم بودند و وضعیت ترازنامه‌ی تمام بانک‌ها به هم ریخته بود و بحران جامع بانکی در حال وقوع بود نمودار ۷ نشان می‌دهد برخی از بانک‌ها از وضعیت بحرانی خارج شده و به گروه بانک‌های سالم، پیوستند و نمودار ۸ نشان می‌دهد برخی دیگر از بانک‌ها به رغم چنین نرخ تورم، بالای همچنان ناسالم باقی ماندند.

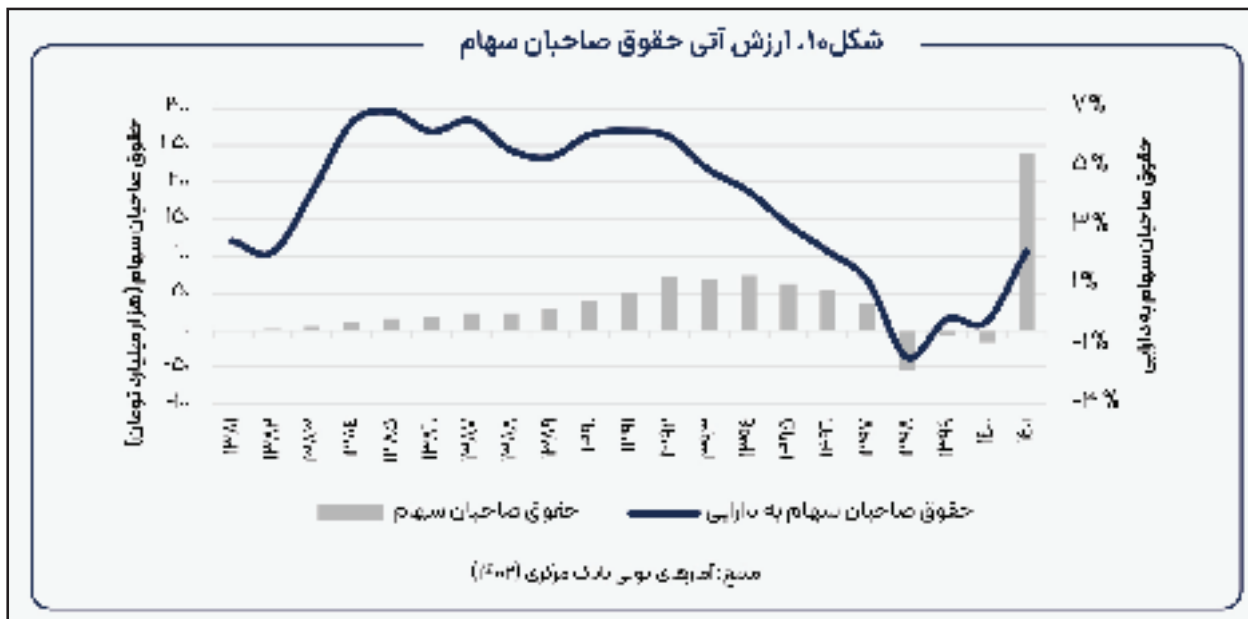


وقتی بحران ارزی اتفاق افتاد همان چیزی بر سرمان آمد که از آن می‌ترسیدیم چه کسی تصور می‌کرد نرخ ارز طی یک سال از ۳,۵۰۰ تومان به ۱۵ هزار تومان برسد؟ نهایت پیش‌بینی‌ها افزایش به ۶ تا ۸ هزار تومان بود و کسی تصور دلار ۱۵ یا ۱۸ هزار تومان را نمی‌کرد. این دقیقاً همان اتفاق بدی بود که از آن می‌ترسیدیم و به وقوع پیوست؛ این اتفاق البته در اثر تخلیه نقدینگی سیستم بانکی رخ داد و باعث شد برخی از بانک‌هایی که دارایی‌های منجمد، داشتند از حالت انجماد خارج شوند. اینکه می‌گوییم برخی بانک‌ها حالت سالمی دارند به این معناست که از وضعیت ناتوانی از پرداخت درآمدها، ولی چون اصلاح ترازنامه اتفاق نیفتاده این بانک‌ها هنوز در وضعیت سالم هستند و اگر تورم آرام گیرد، ممکن است دوباره دچار مشکل شوند به هر حال آنچه اکنون مشاهده می‌کنیم آن دو قطبی است که شکل گرفته است تعدادی بانک ناسالم که هر روز وضع کفایت سرمایه‌ی آنها بدتر می‌شود و تعدادی بانک سالم که فعلاً وضع کفایت سرمایه‌ی خوبی پیدا کرده‌اند طبعاً بانک مرکزی می‌باید فکری به حال بانک‌هایی کند که خیلی منفی هستند.

۴. تصویر کلی بانک‌ها و ذینفعان آنها



نمودار ۹ وضعیت حقیقی شده‌ی بدهی دولت به بانک‌ها و بانک‌ها به بانک مرکزی را نشان می‌دهد تصویر به روشنی نشان می‌دهد که تا سال ۹۶-۹۵ که تورم شتاب نگرفته بدهی حقیقی دولت به بانک‌ها افزایش پیدا کرده است یعنی تورم کم شده ولی هم بدهی به صورت اسمی با سرعت ۳۰-۴۰ درصد رشد می‌کند و هم مقدار حقیقی‌اش رشد کرده و طبعاً همراه با آن بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی متناظر با رشد بدهی دولت به بانک‌ها بالا می‌رود اما در پنج سال اخیر که تورم شتاب، گرفت و هم بدهی دولت به بانک‌ها و هم بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی پولی شد عملاً با خلق پول توسط بانک، مرکزی تا اواخر سال ۱۴۰۱ بدهی واقعی کاهش جدی یافت و عملاً ارزش بدهی‌ها آب شد و دولت و سهامداران بانک‌ها منتفع شدند. مثلاً بانک‌ها شرکت‌هایی در بورس داشتند یا املاک و مستغلات قابل توجهی داشتند که یک باره با ۶ یا ۷ برابر شدن قیمت دلار، قیمت آن دارایی‌ها اوج گرفت و این دارایی‌ها که منجمد بود و نقدینگی را در داخل بانک‌ها دچار اختلال کرده بود از انجماد خارج شدند و به گردش افتادند و جان تازه‌ای به صورت‌های مالی بانک‌ها دادند. بدین ترتیب بخش بزرگی از بانک‌ها از حالت ناسالمی درآمدند نمودار (۷). و معدودی به‌رغم افزایش چندین برابری دارایی‌هایشان کماکان ناسالم باقی ماندند نمودار ۸ آنها دارایی‌های مسمومی داشتند که به تعبیری شاید دارایی‌های کاغذی بود و وجود خارجی نداشت؛ یا دارایی‌های سوخت شده بود مثلاً تسهیلاتی بود که به افراد یا دولت پرداخته بودند اما وام‌گیرنده آنها را برده و برنگردانده بود. این گروه از بانک‌ها در این ۴ یا ۵ سال به حالت سلامت برگشته‌اند و هنوز زیان‌های انباشته عمده‌ای دارند (نمودار ۸) البته از آن تاریخ دوباره این سیر افزایشی شده ارزش حقیقی بدهی‌های دولت و بانک‌ها افزایش یافته و احتمالاً این روند ادامه خواهد یافت.

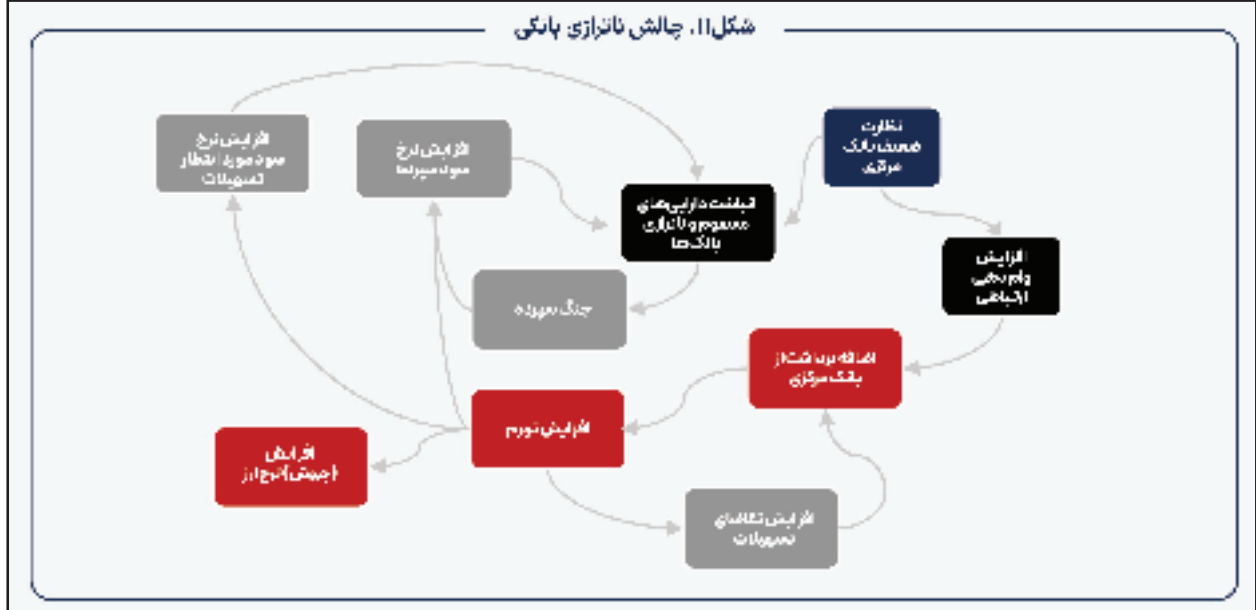


عملاً دو قشر ذی نفع از بانک‌ها استفاده می‌کنند؛ سهامدار دولتی و بخش عمومی بانک‌ها که شامل، دولت شرکت‌های دولتی و بخش عمومی غیردولتی خصوصی‌ها و غیره است. بخش دیگر سهامداران خصوصی بانک‌ها هستند. نمودار ۱۰ می‌گوید که از سال ۹۱ به بعد، ارزش اسمی سهام کل سهامداران با وجود اینکه ترازنامه‌ی بانک‌ها با سرعت ۳۰-۲۵ درصد رشد می‌کرد افزایش پیدا نمی‌کند؛ یعنی نسبت کفایت سرمایه و نسبت سرمایه به دارایی مستمراً در حال کاهش بود و ضریب اهرمی بانک‌ها مستمراً افزایش پیدا کرده است. این بدان معنی است که بانک‌ها مستمراً وارد شرایط ریسک بیشتری می‌شدند اما از سال ۹۵ به بعد شاهدیم حتی زیان‌های انباشته شتاب بیشتری می‌گیرد و سرمایه بانک‌ها منفی می‌شود. در سال ۹۸ این روند به اوج خود می‌رسد و به تعبیری کل شبکه بانکی تصویری منفی دارد، بالاخره در آخر سال ۱۴۰۰ بعد از انتشار ارقام تورم و تجدید ارزشیابی دارایی‌ها به صورت صوری دوباره ظاهر ترازنامه شبکه بانکی ترو تمیزتر می‌شود.

نمودار ۱۰ که مربوط به کل شبکه بانکی است نباید ما را نسبت به این موضوع دچار غفلت کند که حقوق صاحبان سهام فقط به لحاظ اسمی بالا رفته است. در کل شبکه بانکی دو گروه بانک داریم یک بخش مثبت وجود دارد و طبعاً یک بخش یا گروه منفی؛ دولت و بانک مرکزی باید حتماً سیاستی را نسبت به اصلاح وضعیت بخش منفی اتخاذ کنند.

۵. ریشه‌های اصلی ناترازی بانک‌ها

در سال‌های ۹۳ تا ۹۶ واقعاً چه رخ داد؟ این موضوع باید ریشه یابی شود تا بتوانیم برای آینده تصمیم‌گیری کنیم. باید نگاهی به ریشه‌های اصلی این اتفاقات داشته باشیم نمودار ۱۱ نشان می‌دهد که ریشه‌ها به دو پدیده‌ی انباشت دارایی‌های مسموم و ناترازی «بانک‌ها» و «افزایش وام‌دهی رابطه‌ای» بانک‌ها مربوط است.



اثر گذاشت و در نتیجه با افزایش نرخ ارز در تابستان ۹۶ روبرو شدیم. به این ترتیب خالص دارایی‌های بانک مرکزی از تابستان سال ۹۶ رو به کاهش گذاشت؛ بانک‌ها و موسسات بزرگ شروع به خرید ارز از بانک مرکزی کردند زیرا همه انتظار داشتند با افزایش ۳۰ درصدی تسهیلات طی سال و با تورم ۱۰ درصدی و انباشت، دارایی قیمت ارز بالا برود. در نتیجه بهترین سرمایه‌گذاری عملاً یا خرید خود ارز بود یا چیزهایی که به ارز همبسته بود.

در راستای سیاست‌های کلان دولت برای جلوگیری از افزایش نرخ ارز بانک مرکزی هم دست به اقداماتی زد که در نتیجه‌ی، آنها منابع ارزی کشور هدر رفت یا عرضه مداوم ارز در دی و بهمن سال ۹۶ بانک مرکزی فلج شد و عملاً دیگر ارزی نداشت؛ به همین سبب هم با جهش نرخ ارز روبرو شدیم این اقدام همزمان شد با خروج ترامپ از برجام.

قصه‌ای که تعریف، کردیم قصه امروز ما هم هست و اگر در و پنجره با هم جور شود دوباره این داستان تکرار می‌شود. می‌خواهم تأکید کنم که این قضیه به ضعف نظارت بانک مرکزی بر می‌گردد و ریشه اصلی آن در ضعف قوانین بانک مرکزی است؛ نه اینکه افراد بانک مرکزی ضعیف باشند و نتوانسته باشند نظارت کنند می‌توانستند نظارت کنند، ولی قدرت قانونی و اجرایی بانک مرکزی برای نظارت کم بود. البته در طی زمان تلاش شد مجوزهایی برای بانک مرکزی به خصوص بعد از سال ۹۷ و انتخاب رییس کل جدید اتخاذ شود با مجوزهایی که رییس کل بانک مرکزی جدید، گرفت توانست سهم عمده‌ای از اضافه برداشت‌ها را از بانک‌ها پس بگیرد در قانون جدیدی هم که تصویب شده - اگر از اشکالات آن بگذریم - تلاش بر آن است که ضعف نظارت کاهش یابد بدین ترتیب با تقویت بانک مرکزی مثل سایر بانک‌های مرکزی جهان باید بتوان بانک‌ها را تنظیم و نظارت کرد اگر تنظیم‌گری بانک مرکزی اعمال نشود طبعاً نمی‌توان جلوی رشد اضافه برداشت‌ها را گرفت و پایه پولی را کنترل کرد؛ در این شرایط مدیریت بانک مرکزی عملاً نخواهد توانست تورم را کنترل کند.

۶. بانکداری سنتی دولتی و تولد بانک‌های خصوصی

در ایران بعد از انقلاب در طی دوران طولانی که فقط بانکداری دولتی داشتیم عملاً نظام بانکداری سنتی حاکم بوده است. در این نظام سنتی بانکداری نهاد‌های وام‌دهی امن وجود نداشتند زیرساخت‌ها و قوانین مناسب بانکداری خصوصی هنوز توسعه نیافته بازار بدهی نبوده و در کل تسلط بودجه‌ای دولت روی نظام بانکی برقرار بوده است، یعنی از بسیاری ابزارهای مالی امروز استفاده نمی‌شده و آن زمان این ابزارها وجود خارجی نداشته است. عمق بازار سرمایه کم بوده و حاکمیت شرکتی حاکم بر بانک‌ها بسیار ضعیف بوده است. بدنه کارشناسی بانکی ضعیف بوده و از همه مهم‌تر استقلال بانک مرکزی اصلاً وجود نداشته و نظارت بانک مرکزی هم ضعیف بوده است.

در چنین، ساختاری بانکداری خصوصی را شروع کردیم، ولی یا قوانین و زیرساخت‌ها به‌روز نشدند، یا اگر هم به‌روز شدند، این کار با سرعت بسیار ضعیف‌تری انجام شد نتیجه این شد که مقدار تسهیلات به تولید ناخالص داخلی طی دوره دهه ۸۰ افزایش یافت ولی رشد کیفی بانک‌ها نامتناسب ماند و شاخص‌های سلامت بانکی کاهش یافت و امروز هم در حال نزول است. شاخص‌های کمی البته افزایش یافت؛ مثلاً تعداد زیاد شد و از مردم سپرده‌ی بیشتری گردآوری شد و شبه پول شروع به رشد کرد اما همزمان شاخص‌های ریسک در کل نظام بانکی انباشته شد.

در وام‌دهی رابطه‌ای بانک به سهامداران ذینفعان و شرکت‌های زیرمجموعه‌ی خود وام اعطا می‌کند؛ این نوع وام دهی که جزو خطرناک‌ترین انواع وام‌دهی است در نظام مقرراتی بازل به شدت مذموم است چرا؟ چون سهامداری است که با ضریب اهرمی ۱ به ۱۲ عملیات بانکی انجام می‌دهد و خطرناک‌ترین وضع آن است که به ذینفعان خود وام دهد این همان بازی است که در انگلیسی به طرز آن با عبارت اگر بردم، که نازشستم و اگر باختم که وضعت خراب است یاد می‌شود. در واقع اگر بانک با این وام‌دهی سود، کند برده است و اگر هم ضرر کند که بانک مرکزی (حاکمیت) یا مردم تورم باخته‌اند، بنابراین این بازی خطرناکی است که مقام تنظیم‌گر نباید اجازه شروع آن را بدهد ولی وقتی ضعف نظارت بانک مرکزی وجود داشته باشد وام‌دهی رابطه‌ای راه خود را به نظام بانکی پیدا می‌کند. از طرف دیگر در نظام بانکی از طریق وام‌دهی رابطه‌ای دارایی‌های مسموم و ناترازی بانکی شکل می‌گیرد. این خود ناشی از مدیریت ریسک ضعیف در نظام کشور است که خود دو بخش دارد.

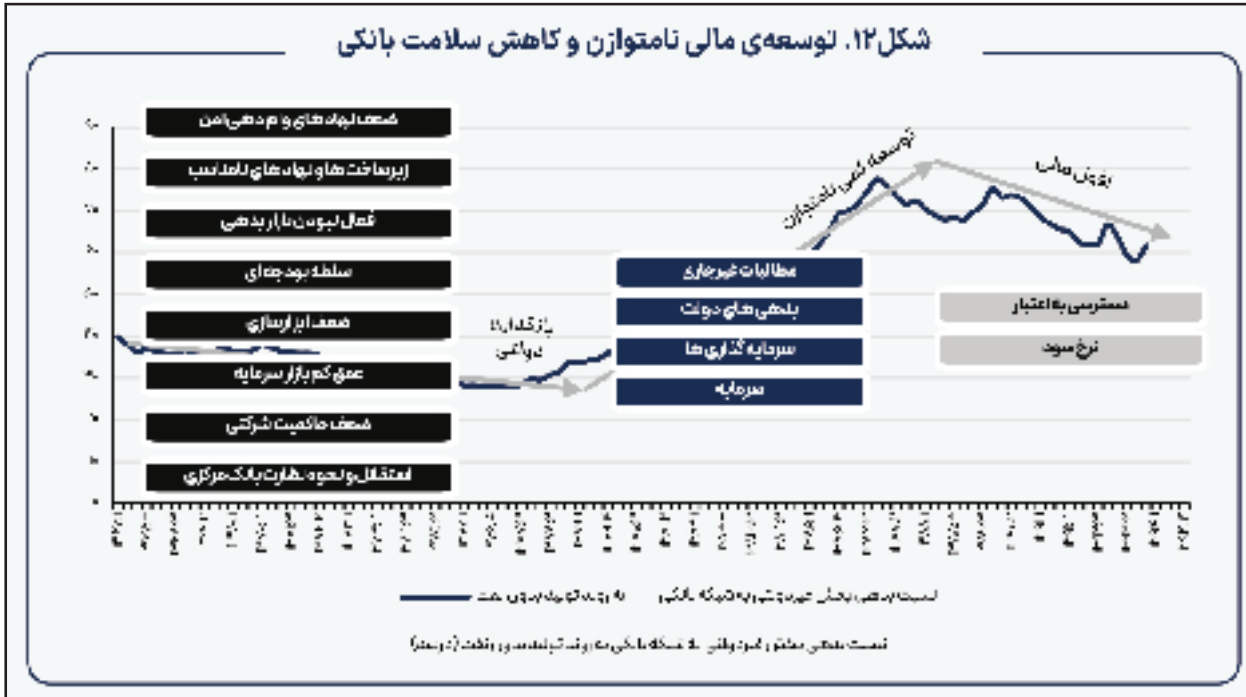
یک بخش به بانک‌های دولتی بانک‌های شبه دولتی خصولتی و مرتبط با بخش عمومی بر می‌گردد که ذینفع واحدشان همان حاکمیت است. اینجا ریسک به معنای آن است که دولت پول را گرفته و معلوم نیست چه زمانی مقرر است که پول را برگرداند؛ یا اصلاً ممکن است برگرداند. در مورد این بانک‌ها ناترازی به شکل خاص خودش اتفاق می‌افتد مثال معمولش آن است که کسری‌های تأمین اجتماعی اغلب از طریق بانک رفاه تأمین می‌شود؛ یا کسری‌های شرکت بازرگانی دولتی برای یارانه نان اغلب از منابع بانک کشاورزی تأمین می‌شود. در موارد مشابه بانک صنعت و معدن، بانک ملت و... درگیر است.

گروه دوم هم ناترازی‌هایی است که در بخش خصوصی بانک‌ها اتفاق می‌افتد مشاهده می‌کنیم که هر دو گروه سهامداران خصوصی و غیر خصوصی بانک‌ها عملاً به واسطه مجموع سیاست‌های دولت یا پذیرش ریسک بالایی که در این فرآیند به وجود می‌آید و به ضعف نظارت بانک مرکزی برمی‌گردد دچار زیان ناترازی می‌شوند ناترازی‌ای که خود را در قالب اضافه برداشت از بانک مرکزی نشان می‌دهد؛ وضعیتی که دور جدید آن با شدت بیشتر از سال ۹۲ شروع شده باب شده و تا به امروز هم ادامه یافته است.

اضافه برداشت بانک مرکزی طبعاً به افزایش رشد پایه پولی منجر خواهد شد تورم و جهش نرخ ارز را در پی دارد و سال‌هاست آثار آنها را تجربه می‌کنیم افزایش تورم البته باعث افزایش تقاضای تسهیلات می‌شود که دوباره به افزایش اضافه برداشت منجر می‌شود.

اتفاق دیگری هم رقم می‌خورد اگر نظام بانکی درگیر با ناترازی اضافه برداشت نکند جنگ سپرده راه می‌افتد هر بانک تلاش می‌کند با افزایش، نرخ منابع خود را تقویت کند. جنگ سپرده هم به افزایش نرخ سود سپرده در کل سیستم بانکی منجر خواهد شد که دوباره ناترازی بانک‌ها را تشدید می‌کند. همانطور که نمودار ۱۱ نشان می‌دهد افزایش تورم هم نرخ بهره نرخ بازده بدون ریسک را بالا خواهد برد و به علاوه نرخ تسهیلات انتظاری هم بالا می‌رود چنین اتفاقاتی دوباره دارایی‌های مسموم را در نظام بانکی انباشته‌تر می‌کند. این اتفاقی بود که از سال ۹۱ شروع شد و مستمراً ادامه یافت. نتیجه آن شد که از سال ۹۳ تا ۹۶ انباشتی از ناترازی در نظام بانکی شکل گرفت؛ این اتفاق بدون آن رخ داد که هنوز تحریمی شکل بگیرد و به اضافه برداشت‌هایی منتهی شد که روی خرید ارز از بانک مرکزی

شکل ۱۲. توسعه‌ی مالی نامتوازن و کاهش سلامت بانکی



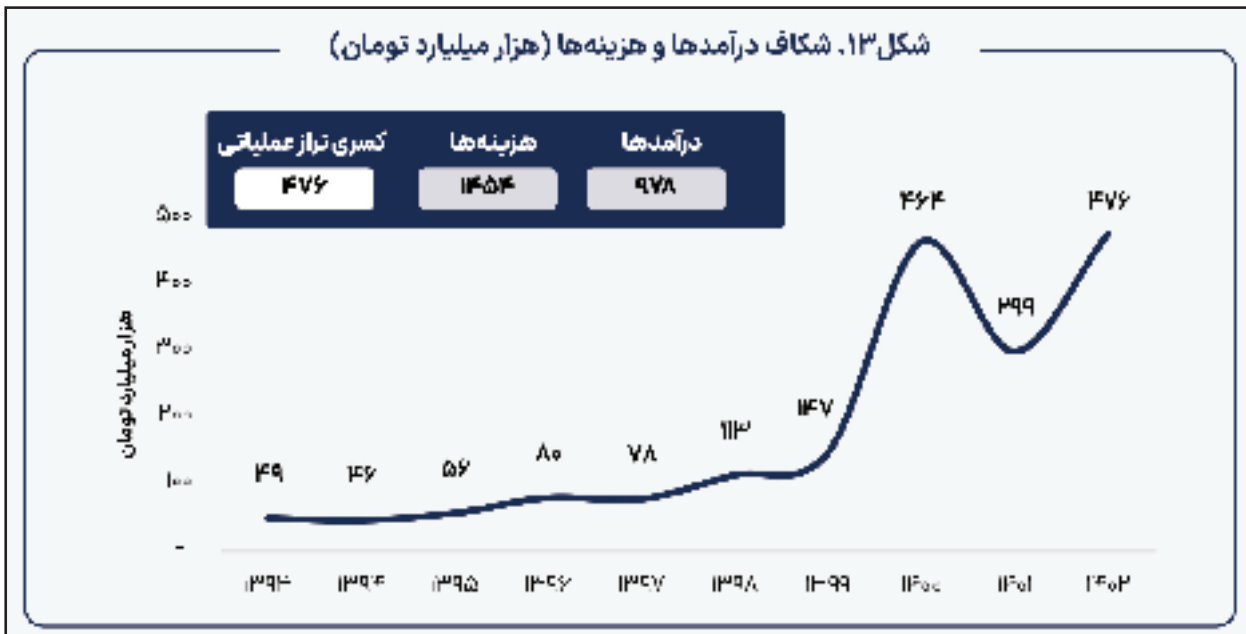
در آغاز دهه ۹۰ افول مالی شروع می‌شود و نسبت تسهیلات به تولید ناخالص داخلی شروع به افت می‌کند به بیانی دیگر آنچه در طول دهه ۸۰ و اواسط دهه ۹۰ اتفاق می‌افتد انباشت مطالبات غیر جاری انباشت بدهی‌های، دولت انباشت سرمایه‌گذاری در زمین و ساختمان توسط بانک‌ها و افت سرمایه‌ی بانک‌هاست نتیجه این فرآیند آن شد که نقدینگی و اعتبارات یا وجود نداشت یا دسترسی به اعتبارات کم شد یا نرخ بهره آن بالا رفت ریشه این اتفاق به انجماد دارایی‌ها بازمی‌گشت به بیانی دیگر دسترسی به اعتبار و نرخ سود از طریق بدهی دولت از طریق سرمایه‌گذاری در زمین و املاک و از طریق مطالبات غیر جاری و سرمایه‌ی پایین بانک‌ها کاهش پیدا کرده بود.

بخش دوم: قصه‌ی بودجه و ناترازی‌های آن

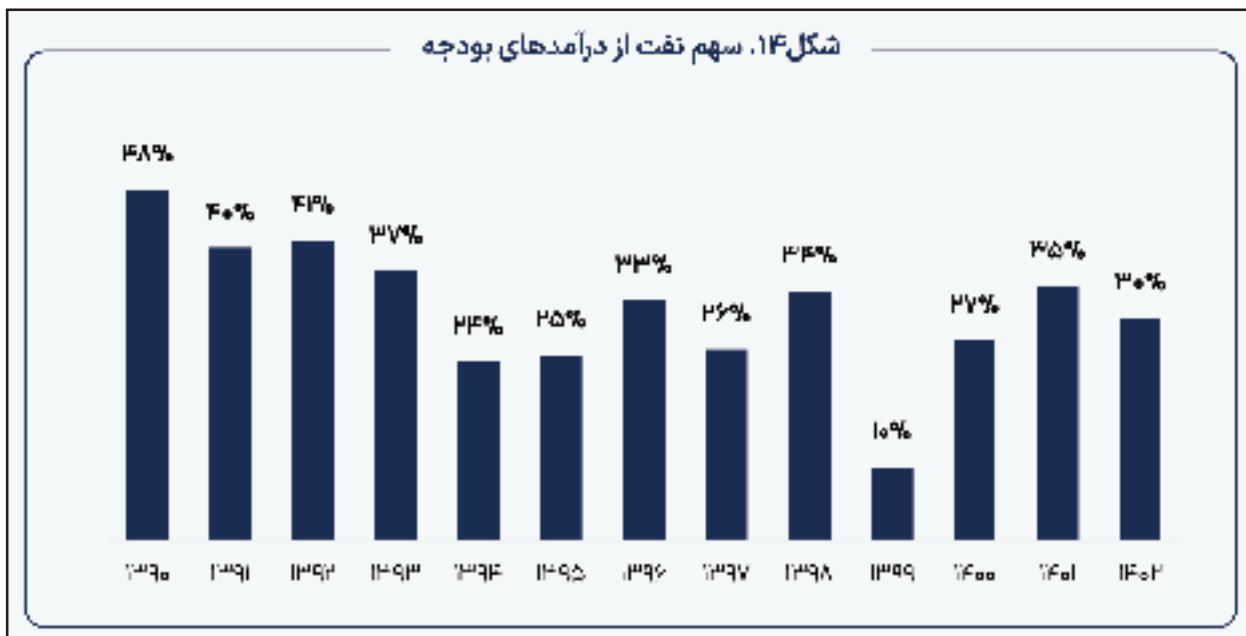
۷. ناترازی بودجه در ایران

کشور ایران در کنار چالش‌های نظام بانکی با چالش‌های جدی در زمینه‌ی بودجه نیز روبرو بوده است دولت ایران تا سال ۹۷ همیشه کم و بیش کسری بودجه، داشته اما به صورت مستقیم و غیرمستقیم از نظام بانکی تغذیه می‌کرده که آثار آن روی ترازنامه‌ی بانک مرکزی می‌نشسته و تورم متوسط ۲۰ درصدی را به کشور تحمیل می‌کرده است بعد از شروع تحریم‌ها کشور با شکاف قابل توجه درآمدها و هزینه‌ها مواجه می‌شود (نمودار ۱۳). این اتفاق از آن رو رخ می‌دهد که ۲۷ درصد منابع بودجه در سال ۹۷ درآمدهای نفتی بوده (نمودار ۱۴) که در مدت زمان کوتاهی کاهش قابل ملاحظه می‌یابد.

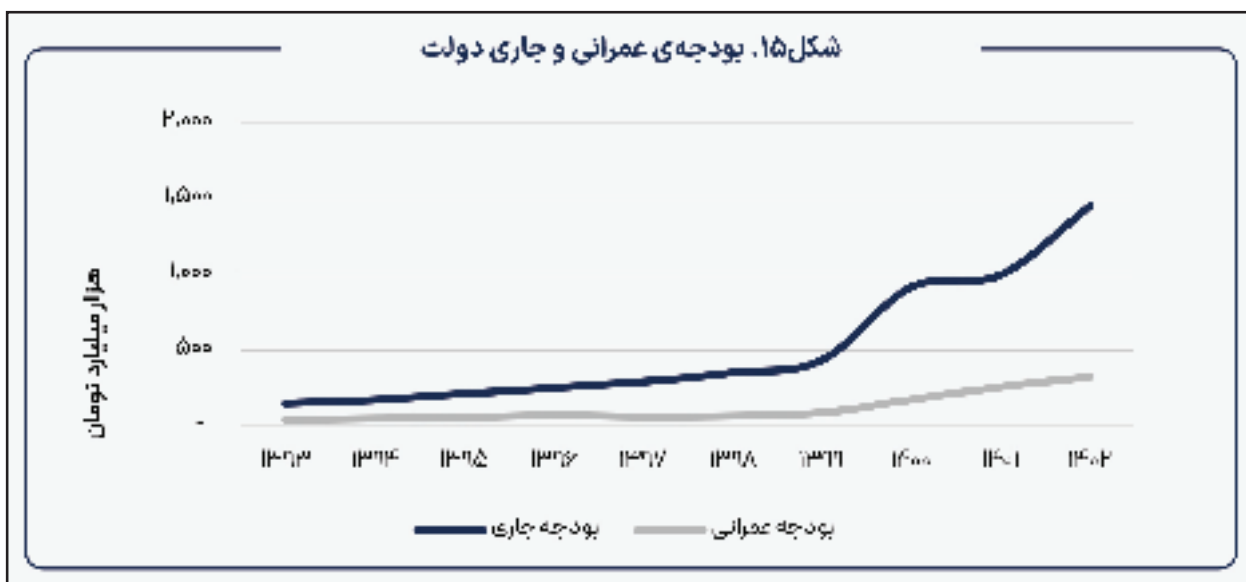
شکل ۱۳. شکاف درآمدها و هزینه‌ها (هزار میلیارد تومان)



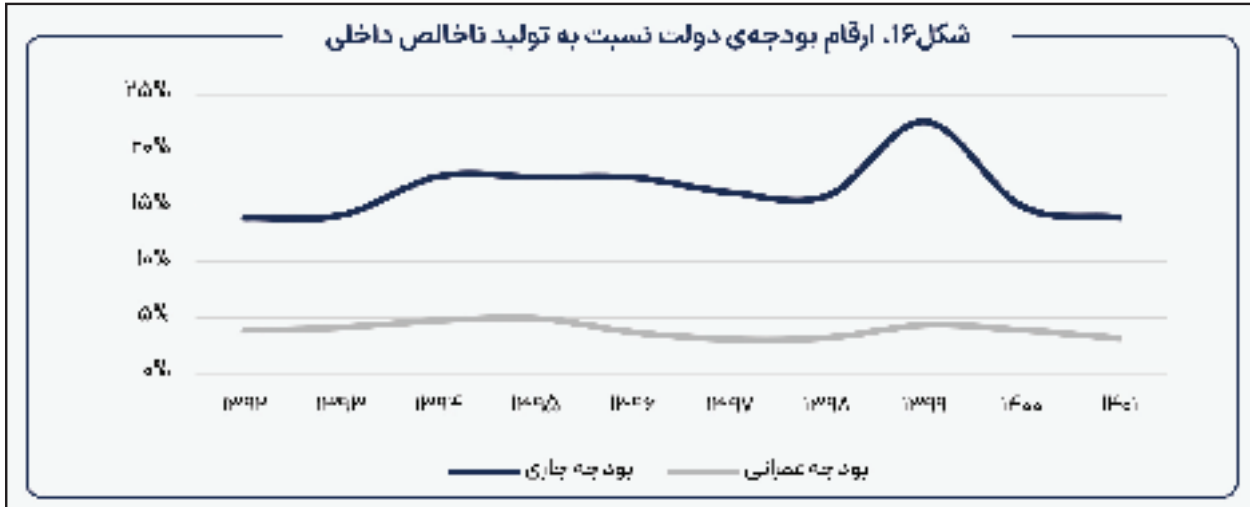
سهم درآمدهای نفتی در بودجه تا قبل از سال ۹۶ به دلیل قیمت نفت بالا و فروش نفت بالا بود و بعد که نفت مشمول تحریم می‌شود درآمدهای نفتی شروع به کاهش می‌کند تا اینکه در سال ۹۹ عملاً نفتی فروخته نمی‌شود و این توقف فروش سبب می‌شود تا کسری بودجه قابل توجهی به کشور تحمیل شود (البته تأکید کنیم اعدادی که اینجا گزارش شده اعداد مصوب است؛ اعداد تحقق یافته انتشار نیافته است، ولی آن بخش که اطلاعات عمومی، است همین ۱۰ درصد سال ۱۳۹۹ است که شاید رقم کمتر از این محقق شده باشد).



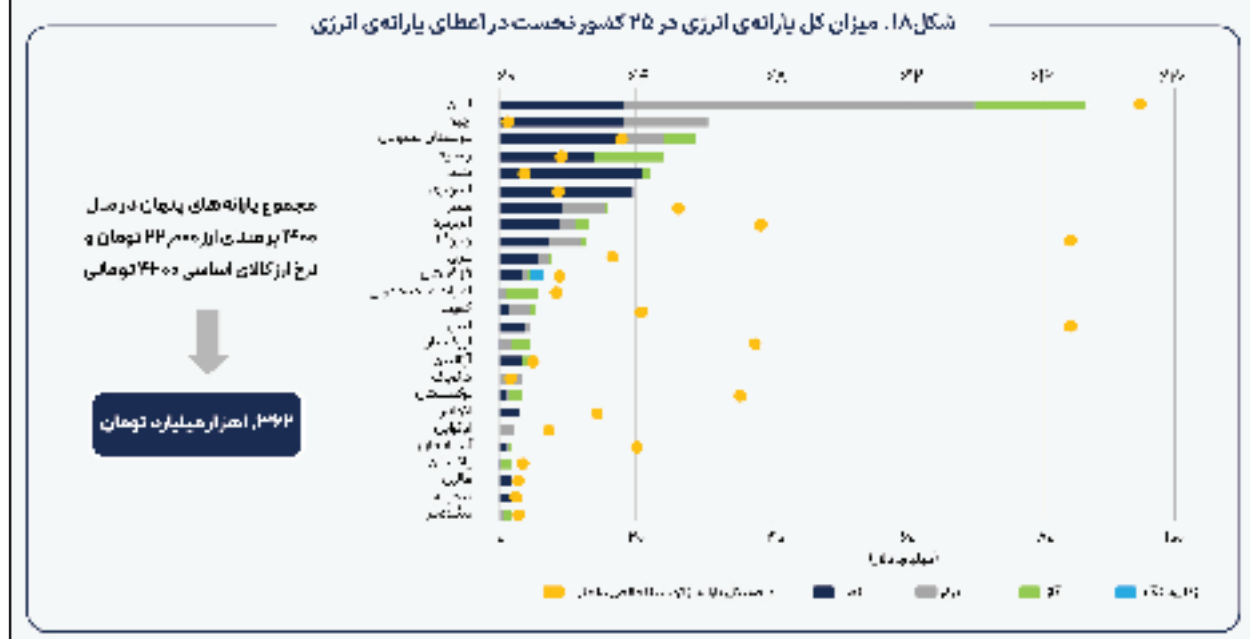
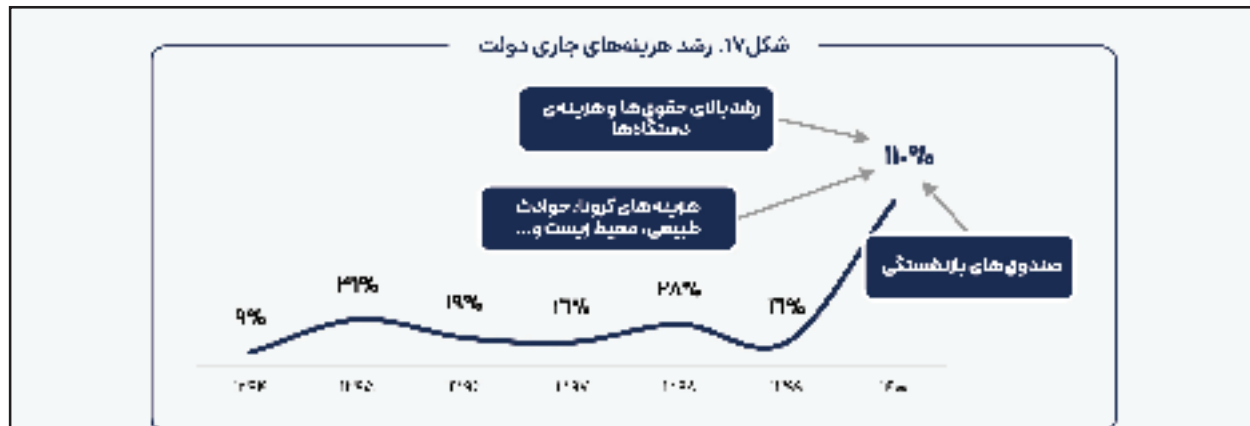
بودجه‌ای که ۲۷ درصد آن از محل فروش نفت تأمین می‌شد ناگهان با کسری قابل توجه مواجه می‌شود و این کسری طبعاً در قالب بدهی دولت به نظام مالی کشور خود را نشان می‌دهد، یعنی در سال‌های گذشته ۲۷ درصد از منابع بودجه را از فروش نفت تأمین می‌کردیم و پس از تحریم‌ها از سال ۹۸ به بعد دستیابی به این رقم خارج از گردونه درآمدهای دولت بود و به هر ترتیب دولت باید از دیگر منابع مالی کشور آن وجوه را تأمین می‌کرد، البته شاید بتوان گفت آنچه رخ داد از میان بدیل‌های، ممکن بهترین بود چرا؟ چون کشور با شوک بزرگی مواجه شده بود فرض کنید دولت ۱۰۰ میلیارد دلار نفت می‌فروخته و حالا در سال ۱۳۹۹ فقط ۱۰ میلیارد دلار نفت می‌فروشد. هزینه‌ها به ویژه هزینه‌های کارکنان دولت و دستگاه‌های اجرایی البته سر جای خود مانده بود نمودار (۱۵) زیرا مثلاً امکان نداشت یک شبه طیف عظیمی از کارکنان اخراج شوند.



وقتی منابع از بین رفت، نتیجه عملی این شد که کسری بودجه افزایش یابد اقدام مناسبی بود که دولت کسری را به‌طور مستقیم از بانک مرکزی تأمین نکند بلکه از مسیر بدهی از نظام مالی کشور تأمین کند. بخشی از این کسری را از طریق فروش اوراق به بانک‌ها و بخشی را هم از فروش اوراق به سایر نهادهای مالی تأمین کرد بدین ترتیب دولت توانست بخش مناسبی از این کسری را پوشش دهد؛ این روند امروز هم ادامه دارد. البته به واسطه این تنگنای درآمدی مرتبط با، نفت در مجموع دولت‌ها (دولت آقای روحانی و دولت آقای رییس‌ی) تلاش داشتند کسری بودجه را کاهش دهند و حتی کسری بودجه در سال ۱۴۰۱ در یک بازه زمانی کم می‌شود اما دوباره بالا می‌آید و باز هم به صورت اسمی به کسری بودجه سال ۱۴۰۰ نزدیک می‌شود به رغم آنکه دو پرش تورمی را از سر گذارنده است در واقع به واسطه‌ی تورمی که در این سال‌ها تجربه کردیم بودجه‌ی دولت به صورت اسمی با افزایش همراه شده است نمودار ۱۶ ارقام بودجه‌ی دولت نسبت به درآمد ملی را نشان می‌دهد که بعد از سال ۹۹ کاهش یافته است.

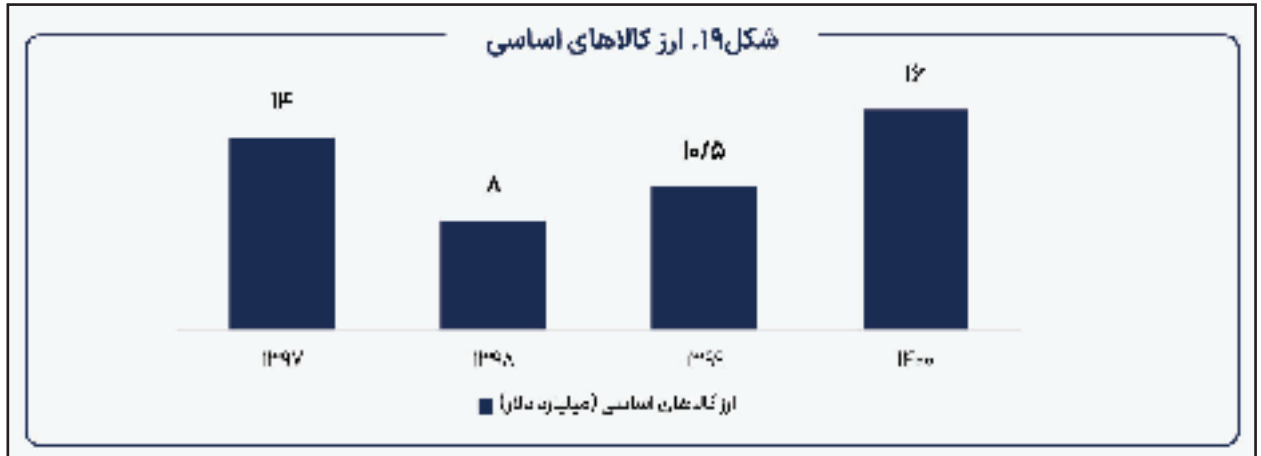


نمودار ۱۷ رشد بودجه‌ی دولت را نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۰، شاهد رشد ۱۱۰ درصدی بودجه هستیم در این سال نه تنها بحث کسری بودجه ناشی از کاهش فروش نفت را داشته‌ایم بلکه با مشکل هزینه‌های جانبی دولت هم روبرو بوده‌ایم پرداخت کسری صندوق‌های بازنشستگی از محل بودجه رشد بالای حقوق و دستمزدها به واسطه‌ی طرح‌های همسان‌سازی حقوق، معلمان و هزینه بیشتر دستگاه‌ها به دلیل هزینه‌های جانبی و از جمله هزینه‌های، کرونا حوادث طبیعی مثل زلزله و سیل که در سال‌های ۹۹ و ۱۴۰۰ بسیار برای دولت هزینه‌زا شد. به هر حال سال ۱۴۰۰، آخرین سال عمر دولت هم، بود و دولت مستقر با دست بازتر هزینه‌هایی را انجام داد، پس از سال ۹۷ وارد فاز جدید کسری بودجه‌ای شده‌ایم که این کسری از طریق نظام مالی کشور تأمین شده و نظام تأمین مالی کشور هم به مرور خود را از منابع بانک مرکزی تأمین کرده است.



۸- دیگر سیاست‌های هزینه‌زا در کنار کسری بودجه

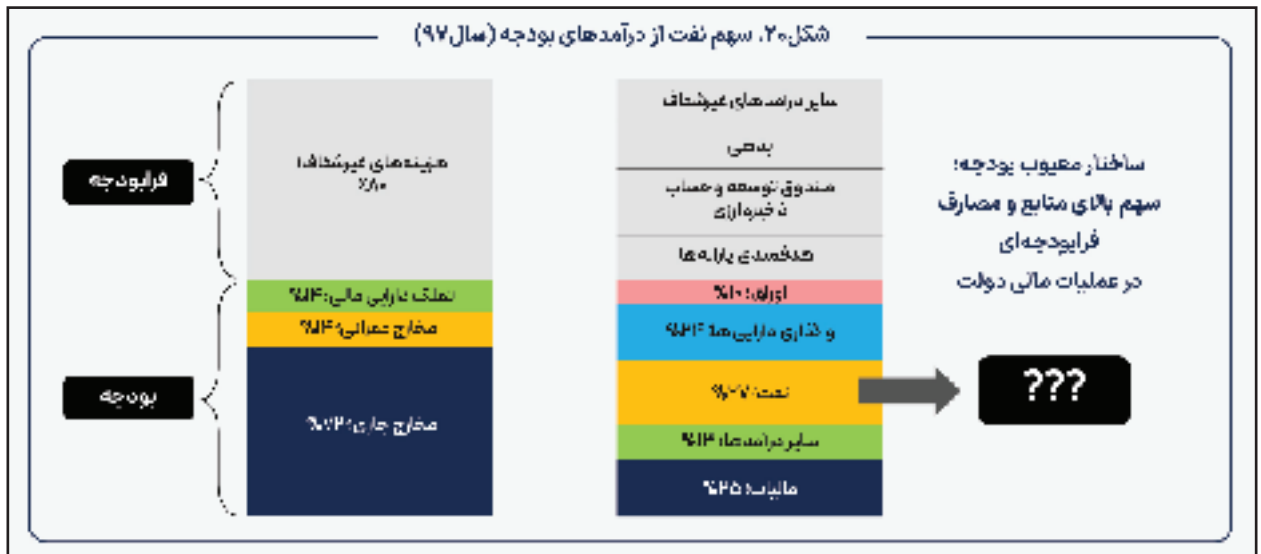
همزمان با چنین کسری بودجه‌ای متأسفانه یک رشته سیاست‌های هزینه‌های دیگر هم داشته ایم؛ هزینه‌هایی از جنس انواع و اقسام یارانه‌های انرژی که پرداخت آنها با اختلاف ایران را در رتبه جهانی پرداخت‌کنندگان انرژی قرار می‌دهد (نمودار ۱۸)



همزمان در حالی که کشور نیازهای ارزی جدی داشت ارز ۴,۲۰۰ تومانی برای خرید کالای اساسی در نظر گرفته شد که این سیاست تاراج منابع ارزی کشور را به دنبال داشت، پس از یک طرف کسری بودجه داشتیم و از طرف دیگر هر چه منابع داشتیم را به مفت واگذار می‌کردیم که این سیاست‌ها به کسری بودجه دامن می‌زد نمودار ۱۹ روند افزایشی ارز یارانه‌ای ۴,۲۰۰ تومانی مصرف شده در کالاهای اساسی را نشان می‌دهد؛ این روند امروز نیز با دلار ۲۸,۵۰۰ تومان کماکان در حال افزایش است.

۹. هزینه‌های فرابودجه‌ای

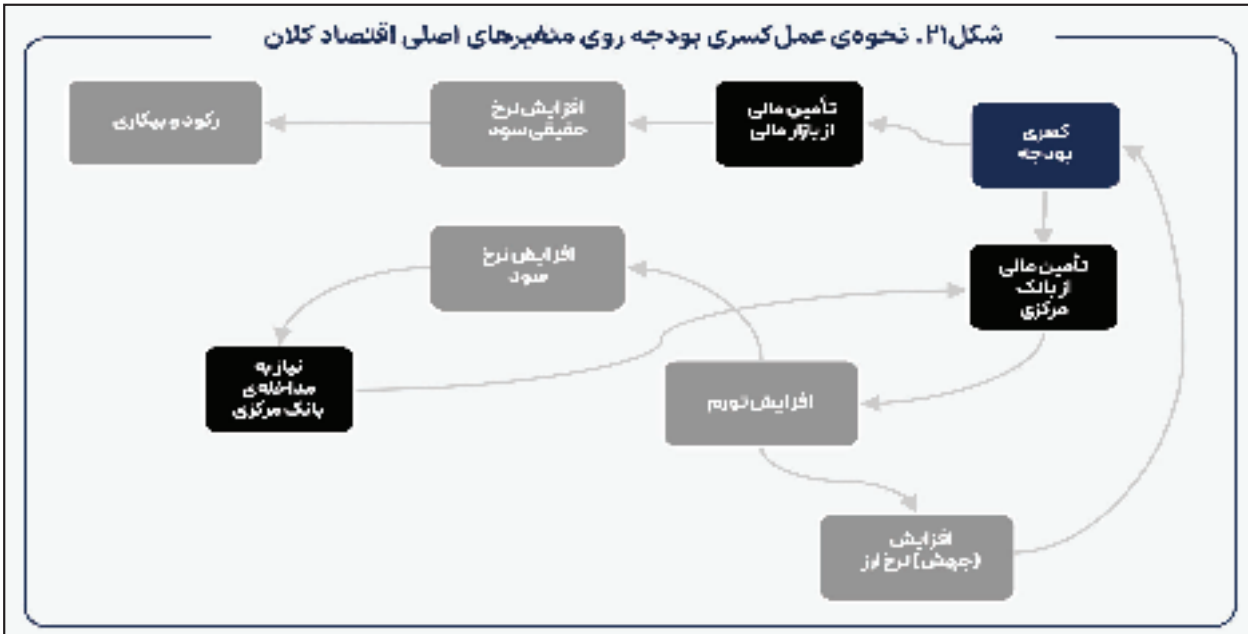
پدیده‌ای که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد بحث فرابودجه است، یعنی علاوه بر تمام کسری‌هایی که به آنها اشاره شد بخش قابل توجهی هم هزینه‌های پنهان فرابودجه‌ای داریم. این هزینه‌های غیرشفاف در قالب تبصره‌های بودجه و قوانین دائمی کشور وارد بودجه می‌شود؛ از قانون مربوط به تأمین اجتماعی گرفته تا قانون جمعیت معافیت‌های مالی، متعدد معافیت‌های بیمه‌ای و انواع و اقسام هزینه‌های غیرشفاف که مستقیم در بودجه نشان داده نمی‌شود هر قانونی از این قبیل که مصوب می‌شود معمولاً بار هزینه‌ای به کشور تحمیل می‌کند، بدون اینکه منابعی در طرف مقابل این بار مالی در نظر گرفته شده باشد. این هزینه‌های فرابودجه‌ای کم و بیش وجود داشته اما طبعاً در شرایط سخت تحریمی هزینه‌های غیر شفاف فرابودجه‌ای افزایش عمده‌ای یافته است. نمودار ۲۰ تصویری اولیه از اقلام فرابودجه‌ای را نشان می‌دهد.



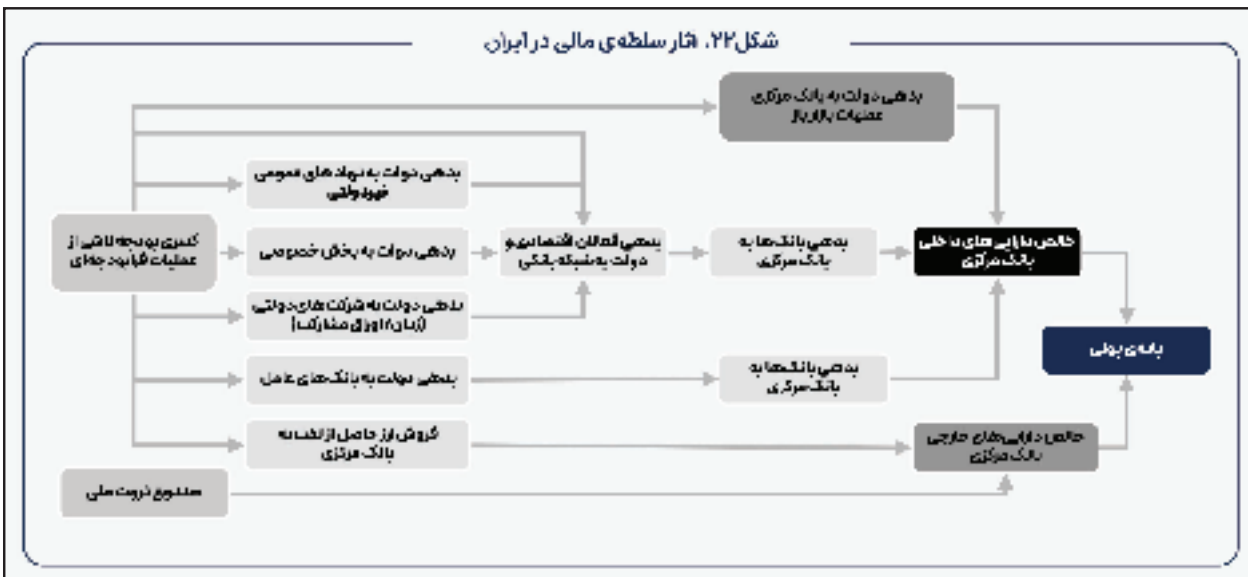
۱۰. نحوه تأثیرگذاری کسری بودجه روی اقتصاد کلان

کسری بودجه چطور روی بر متغیرهای اقتصاد کلان تأثیر می‌گذارد؟ تأثیر کسری بودجه از دو مسیر است یا کسری از بازار مالی و بانک‌ها تأمین می‌شود یا مستقیم از مجرای بانک مرکزی اگر کسری مستقیم از بانک مرکزی تأمین مالی، شود طولی نمی‌کشد و با سرعت منجر به افزایش تورم می‌شود اما اگر از بازارهای مالی تأمین شود ابتدا نرخ سود و نرخ حقیقی پول را افزایش می‌دهد و سپس نرخ اسمی افزایش می‌یابد (نمودار ۲۱). معمولاً در نظام اقتصادی کشور ایران به محض اینکه نرخ اسمی با افزایش روبرو می‌شود بانک مرکزی خود را مجبور می‌داند در بازار مداخله کند؛ و این مداخله طبعاً به تأمین مالی از بانک مرکزی منجر می‌شود. در هر صورت این مداخله تورم را دیر یا زود در پی خواهد داشت. هر چند که بهتر است تورم که نتیجه هر دو گزینه تأمین مالی، است با تأخیر اتفاق بیفتد.

البته اگر بانک مرکزی مستقل با قواعد نظارتی قوی داشتیم می‌توانستیم از این تورم‌ها جلوگیری کنیم. همین اواخر رییس بانک مرکزی روسیه در مواجهه با شوک تحریم این کشور قبل از جهش نرخ، بازار فعالانه وارد بازار شد و نرخ بهره را از سه چهار درصد به ۲۰ درصد رساند. این اقدام به جلوگیری از جهش نرخ ارز در روسیه منجر شد وقتی بازارها دوباره به تعادل قبلی خود، برگشت بانک مرکزی روسیه نرخ بهره را آرام آرام پایین آورد، پس لازم نیست حتماً مداخله ارزی اتفاق بیفتد.



البته، هیچ چیز مفتی به دست نمی‌آید کسری بودجه از بانک مرکزی تأمین نشده و کشور به سراغ سیستم مالی می‌رود؛ روشن است که بخشی از منابع پس اندازی کشور که می‌باید صرف سرمایه‌گذاری می‌شود، صرف خرید اوراق دولتی و اعطای وام به دولت می‌شود؛ یعنی سرمایه‌گذاری اتفاق نمی‌افتد. در نتیجه‌ی این تصمیم رکود اقتصادی و بیکاری در کشور ظاهر می‌شود یعنی با کم شدن سرمایه‌گذاری رکود تشدید می‌شود. این بده بستانی است که وجود دارد زودتر تورم را تجربه کنیم و کمی رکورد را بپذیریم.



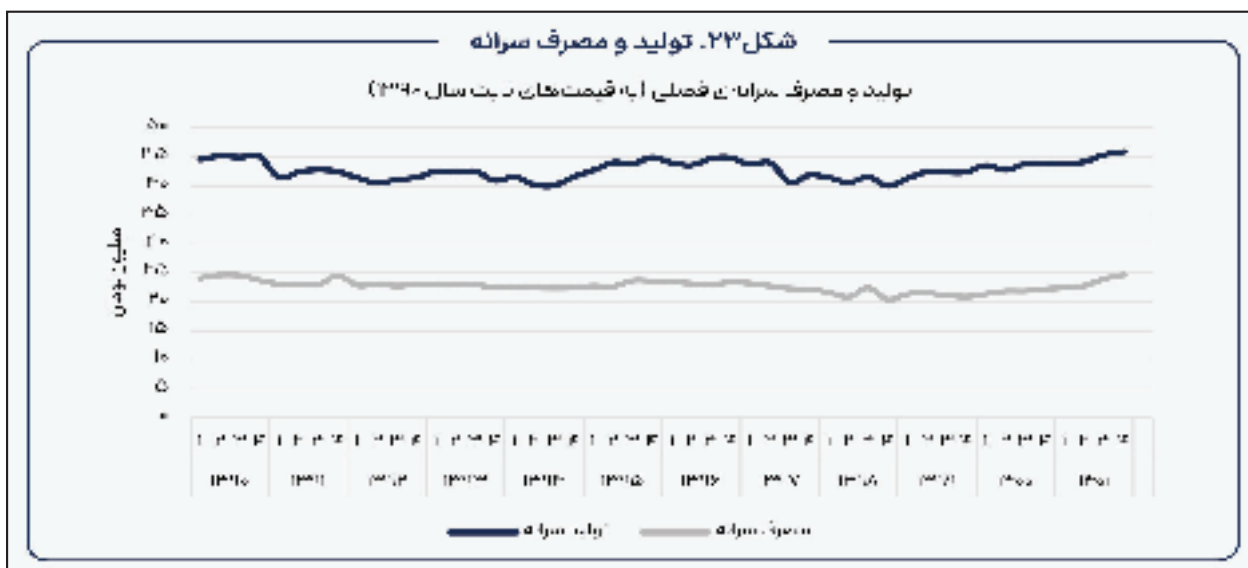
وقتی کسری بودجه ناشی از مواد و تبصره‌های بودجه باشد با انتشار مستقیم اوراق قابل تأمین است اما وقتی این کسری ناشی از عملیات فرابودجه‌ای دولت اتفاق می‌افتد و خارج از جداول بودجه است معمولاً از راه‌های غیرشفاف تأمین می‌شود (نمودار ۲۲) یکی از مسیرهای غیرشفاف بدهی دولت به بانک‌های عامل است؛ یعنی سازمان برنامه به بانک عامل مثلاً بانک کشاورزی می‌گوید تفاوت قیمت کالاهای اساسی را با قیمت مصوب به شکل تسهیلات پرداخت کرده و حساب دولت را بدهکار کند. یا دولت منابع مورد نیاز برای جبران کسری فرابودجه‌ای را از شرکت‌های دولتی می‌گیرد و این تبدیل به زبان شرکت‌های دولتی منجر می‌شود گاهی هم دولت این منابع را مستقیماً از بخش خصوصی تأمین می‌کند مثلاً پیمانکار پروژه‌ی، عمرانی پروژه را تکمیل و تحویل داده اما دولت دستمزد او را پرداخت نمی‌کند. مثال خودرو نیز جالب است دولت در قیمت‌گذاری خودرو مداخله می‌کند و به مثابه سیاست رفاهی خود از خودروساز می‌خواهد تا خودروی ارزان‌قیمت به دست مردم برساند؛ و زبان را به خودروساز تحمیل می‌کند. این اقدام

در واقع عملیات فرابودجه‌ای یارانه خودرو است که بدین شکل و از محل سود شرکت خودرویی تأمین مالی می‌شود مثال دیگر آن است که دولت هزینه‌های غیرشفاف خود را به سازمان تأمین اجتماعی تحمیل می‌کند. مشکل آن است که همه این بنگاه‌ها یا نهادهایی که پول برای دولت می‌پردازند نهایتاً پرداخت خود را از محل تسهیلات از بانک‌ها می‌گیرند مثلاً سازمان تأمین اجتماعی به بانک رفاه متوسل می‌شود یا شرکت بازرگانی دولتی وقتی برای خریدهای مواد غذایی خود کمبود دارد تفاوت نرخ خرید مصوب با نرخ واقعی خرید تفاوت را از بانک کشاورزی دریافت می‌کند دیگری هم پرداختی خود را از بانک شبه‌دولتی ملت می‌گیرد. این بانک‌ها هم برای جبران پرداخت‌های خود از بانک مرکزی منابع می‌گیرند و بدین ترتیب پایه پولی را افزایش می‌دهند و قصه تورمی ادامه می‌یابد. تا اینجا بحث دو قصه را نقل کردیم؛ قصه نظام بانکی و ناترازی‌های آن و قصه دوم کسری بودجه دولت و ناترازی‌های مربوط به آن در مورد اول ناترازی بانک‌ها بعد از سال ۱۳۹۷ به دلیل تورم بهتر شد و در مورد دوم کسری بودجه دولت به رغم تلاش‌های دو سال اخیر بدتر شد.

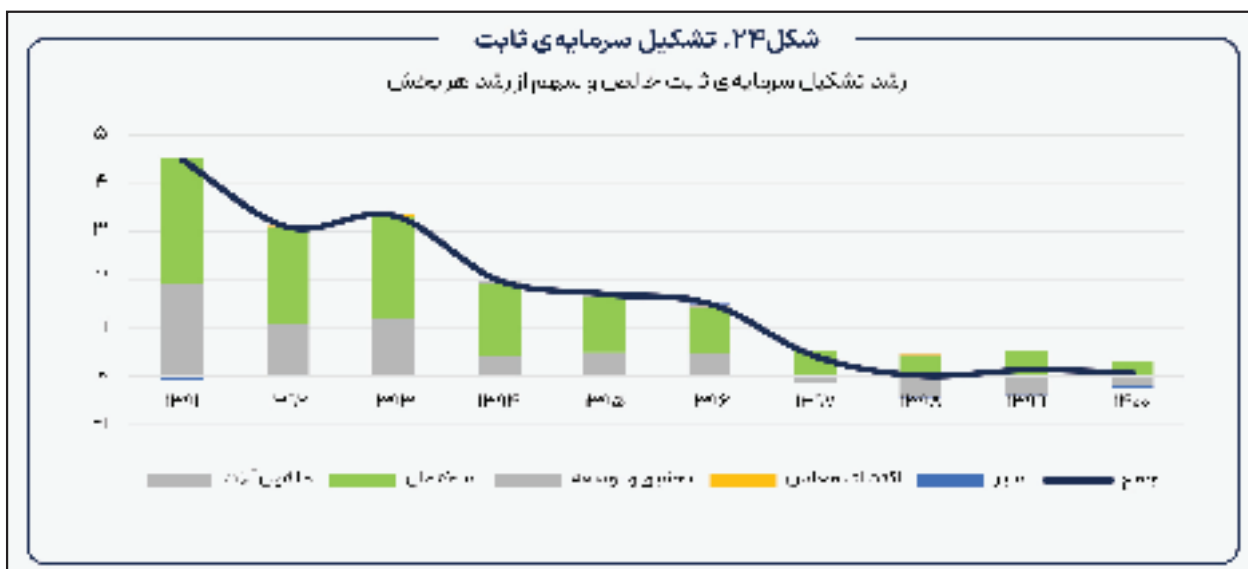
بخش سوم: قصه‌های ناترازی‌های جدید

۱۱. تولید مصرف و سرمایه‌گذاری

اگر بخواهیم از منظر سیاست‌گذار به چالش‌های اقتصادی کشور نگاه کنیم نخستین اقدام عاجل سیاست‌گذار آن است که به مساله کسری بودجه بپردازد و در مرحله دوم اولویت آن است که به نظام بانکی کشور بپردازد نخست سراغ بانک‌های ناسالم‌تر برود و بعد از آن به سراغ بانک‌های سالم‌تر (که خیلی هم سالم نیستند) برود و ترازنامه‌ی آنها را مورد ارزیابی و اصلاح قرار دهد هر آنچه تا این جای مقاله به آن پرداختیم بخش اسمی یا مالی اقتصاد، است آنچه مورد علاقه بیشتر مردم و سیاست‌گذار است طبعاً بخش واقعی اقتصاد است که سر سفره مردم می‌آید و درآمد قابل لمس مردم است.



از نمودار ۲۳ ملاحظه می‌شود که طی دهه‌ی ۹۰ تولید و مصرف سرانه در کشور تقریباً ثابت، مانده حتی در سال‌هایی هم کاهش یافته است، یعنی برخلاف عمده کشورهای در حال توسعه که رشدهای بالا داشته‌اند مثلاً نرخ رشد چین ۸ درصد هند ۶ یا ۷ درصد؛ و تایوان اندونزی سنگاپور و کره جنوبی با متوسط نرخ‌های ۶ تا ۸ درصد متوسط به سرعت رشد می‌کنند رشد اقتصاد ایران تقریباً ثابت می‌ماند. نام این دهه را می‌توان دهه‌ی گمشده‌ی اقتصاد ایران گذاشت.



خطرناک است. سیاست‌گذار سعی می‌کند با هزینه‌های هدف خوب را اجرا کند با این نظام قفل کردن، قیمت راهی برای خروج از کسری بودجه پیشنهاد نمی‌کنیم؛ آن کسری هم با تورم هر سال افزایش می‌یابد. اگر می‌خواهیم با پذیرش تورم ۴۰ یا ۵۰ درصد نان به دست مردم برسانیم روشن است شیوه‌ی غلطی را انتخاب کرده‌ایم. این سیاست پرهزینه‌ای است اگر بخواهیم از منابع بانک، مرکزی نان ارزان قیمت در اختیار مردم قرار دهیم سیاست‌گذار با صرف هزینه‌های هنگفتی می‌خواهد ناترازی‌های نمودار ۲۵ را رفع و رجوع کند. سیاست‌های کشور در حوزه‌ی انرژی باعث شده کشوری که به لحاظ منابع نفت و گاز در دنیا رتبه اول را دارد واردکننده‌ی انرژی شود. این مشکل با روش قفل شدن قیمت تشدید می‌شود؛ باید دریابیم کجاها اشتباه کلیدی مرتکب می‌شویم تا تغییر مسیر ممکن شود. مثال‌هایی از این دست بسیار است. نمی‌شود کشوری که بالاترین منابع انرژی را، دارد سوخت یا بنزین کم بیاورد؛ تبدیل به واردکننده‌ی انرژی شود این داستان با اتخاذ رویه موجود تشدید خواهد شد ناترازی جدید ممکن است در فرآیند اصلاح بانک‌های ناسالم پدیدار شود سالم کردن این بانک‌ها پول می‌خواهد و دولت پول ندارد تا این ناترازی‌های جدید بنگاه‌های ناسالم را اصلاح کند. مثلاً ۵۰۰ همت کسری برای این اصلاح لازم دارد دولت از کجا می‌خواهد این کسری را بپردازد؟ این وضعیت خود ممکن است برای کشور ناترازی جدیدی به همراه آورد.

در این دهه گذشته رشد تشکیل سرمایه‌ی ثابت خالص نزولی بوده و این اواخر منفی هم شده است (نمودار ۲۴)؛ این بدان معناست که کشور سرمایه‌گذاری نکرده است. در دهه ۹۰ به علت مجموعه‌ی اتفاقاتی که خارج یا داخل اقتصاد ایران رخ داد نرخ سرمایه‌گذاری شروع به کاهش کرده و منفی شد کاهش سرمایه‌ی کشور بدین معناست که برای تولید به همان میزان، قبل یا به اندازه‌ی سرمایه‌ای که مستهلک می‌شود سرمایه‌گذاری جدید اتفاق نیفتاده است، یعنی نرخ استهلاک بیشتر از نرخ سرمایه‌گذاری ناخالص است با این کاهش سرمایه‌گذاری پیش‌بینی آن است که در سال‌های پیش رو یعنی سال‌های ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۶ وضعیت تولید کشور مطلوب نخواهد بود؛ به تبع آن درآمد متوسط مردم و در ادامه آن مصرف مردم کاهش خواهد یافت.

۱۲. ناترازی‌های جدید

موضوعی که وضع را پیچیده‌تر می‌کند آن است که یک رشته ناترازی‌هایی داشتیم و حالا سری جدیدی از ناترازی‌ها هم به آن اضافه می‌شود. این ناترازی‌های جدید از کجا می‌آید؟ از یک طرف تورم بالاست ولی قیمت‌های اسمی را توسط دولت تقریباً قفل کرده‌ایم به عنوان مثال، دولت قیمت کالاهای اساسی را با تعیین نرخ‌های ترجیحی تقریباً قفل کرده است مثال پارانه گندم هم روشن است. شک نیست مردم باید نان بخورند و این است؛ هدف بسیار خوب است اما روش انجام و ارایه آن

شکل ۲۵. ناترازی‌های جدید بودجه

۱. کسری فرابودجه‌ای

- یارانه‌ی گندم
- کسری تأمین اجتماعی

۲. تأمین ارز کالاهای اساسی با نرخ‌های ترجیحی

۳. صندوق‌های بازنشستگی؛ ورشکست شده‌ها و در شرف ورشکسته شدن‌ها

۴. واردات سوخت

۵. بدهی دولت به بانک‌ها و کسری اختلاف حساب با شبکه‌ی بانکی

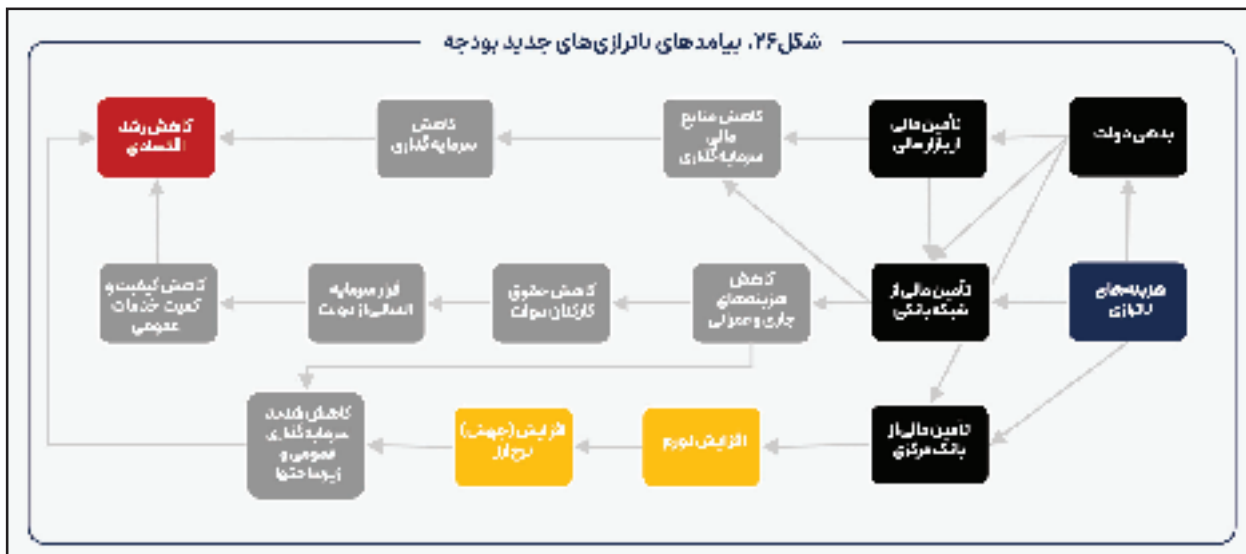
- برخی بانک‌های دولتی و خصوصی شده

۶. اصلاح بانک‌های ناسالم امروز

۱۳. پیامدهای ناترازی‌های جدید

در نمودار ۲۶ آثار این ناترازی‌های جدید نشان داده شده است مهم‌ترین معضل آن است که این ناترازی‌های جدید برای کشور هزینه‌زاست و این هزینه‌ها خود به بدهی جدید دولت تبدیل می‌شود، چرا که دولت منابعی برای پرداخت این هزینه‌ها ندارد. اگر دولت با همین روند کنونی مسیر ادامه دهد، قطعاً با بحران‌هایی روبرو می‌شود که به‌طور خلاصه شرح خواهیم داد مگر اینکه تغییر رویه‌ای در مسیر حرکت آتی خود پیش بگیرد. اگر همین مسیر را ادامه دهد قطعاً نتایج بدتری در انتظار دولت است.

جمع‌بندی این مقاله آن است که در حال حاضر کشور با شش منبع ناترازی جدید روبرو است کسری‌های فرابودجه‌ای مثل یارانه گندم و کسری تأمین اجتماعی؛ تأمین ارز کالاهای اساسی با نرخ‌های ترجیحی کسری صندوق‌های بازنشستگی اعم از ورشکست شده‌ها و در شرف ورشکسته شدن‌ها؛ واردات سوخت؛ بدهی دولت به بانک‌ها و کسری اختلاف حساب با شبکه بانکی که شامل برخی بانک‌های دولتی و خصوصی شده است؛ و بالاخره اصلاح بانک‌های ناسالم امروز این شش منبع ناترازی، جدید به مجموعه ناترازی‌های قبلی اضافه می‌شوند.



روند موجود اداره کشور این است که وقتی ناترازی‌ها به وجود می‌آید پرداخت‌های مستقیم به بدهی دولت تبدیل می‌شود. در مرحله بعدی دولت یا اقدام به تأمین مالی از بازارهای مالی می‌کند یا دست به دامان شبکه بانکی و بانک مرکزی می‌شود اگر تأمین مالی از بازارهای مالی انجام شود با وقفه‌ای این تأمین مالی به بانک مرکزی منتقل می‌شود. وقتی تأمین مالی از بانک مرکزی انجام شود، بدیهی است تبدیل به تورم و جهش دوباره ارز خواهد شد باید توجه شود که این منابع مورد نیاز چیزی فراتر از بحث قبلی است. نیازهای، قبلی تورم و جهش ارزی آنها سر جای خود است اینها نیازهای جدید حاصل از ناترازی‌های جدید است. برای همین این کسری‌ها در نمودار با دایره‌های سیاه نشان داده شده تا روشن باشد که مازاد بر کسری‌های قبل است.

اگر دولت از بازارهای مالی تأمین مالی کند و سراغ شبکه بانکی و بانک مرکزی، نرود بخش خصوص با کاهش باز هم بیشتر منابع مالی برای سرمایه‌گذاری روبرو می‌شود و این به کاهش سرمایه‌گذاری در کشور منجر خواهد شد در نتیجه رشد اقتصادی کشور در میان مدت با افت بیشتری همراه خواهد شد. اگر برای تأمین مالی سراغ شبکه بانکی، برود این شبکه پول‌های خود را به دولت، داده و نمی‌تواند تسهیلات جدید بدهد؛ دوباره همان مسیری که در نمودار ۲۶ آمده پیموده می‌شود و همان اتفاق خواهد افتاد و در نتیجه سرمایه‌گذاری انجام نخواهد شد.

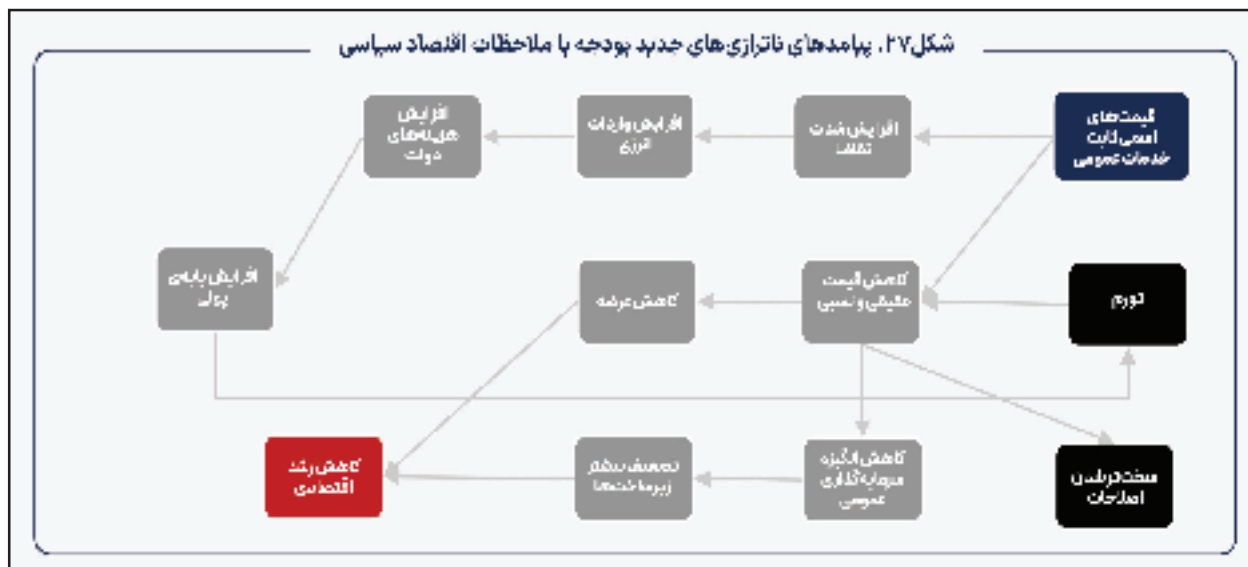
۱.۴. اقتصاد سیاسی ناترازی‌های جدید بودجه

در چنین شرایطی که هزینه‌های ناترازی جدید شکل می‌گیرد ممکن است دولت بتواند برای مقابله با کسری بودجه و مدیریت این کسری به سراغ کاهش هزینه‌های جاری و عمرانی برود. این اقدام اگر عملی و اجرایی، باشد در ظاهر اقدام خوبی به نظر می‌رسد اما دو آفت دارد اول اینکه دولت مجبور می‌شود دستمزد و حقوق واقعی کارکنان خود را کم کند؛ یعنی هرچند به ظاهر حقوق کارکنان فرضا ۲۰ درصد زیاد می‌شود، ولی با تورم ۳۰ یا ۴۰ درصد؛ حقوق کارکنان دولت، معلمان استادان دانشگاه و مدیران دولتی در واقع کم می‌شود، معلمان، استادان پزشکان و سایر کارکنان کیفی دولت به مهاجرت روی آورده و از دولت خارج می‌شوند. نتیجه کار می‌شود که با خروج سرمایه‌ی انسانی کیفی از دولت مردم با کاهش کیفیت و کمیت خدمات عمومی روبرو می‌شوند؛ کیفیت دانشگاه مدرسه و بهداشت کاهش می‌یابد؛ کیفیت خدمت الکترونیک دولت و همه دستگاه‌های عمومی تنزل می‌یابد. با این کار رشد اقتصادی هم کاهش می‌یابد زیرا برای رشد اقتصادی خدمات عمومی دولت مورد نیاز است تا قبل از این زمان بنگاه مجوز فعالیت خود را ۲۰ روزه می‌گرفته، حالا ۲۰ روزه به ۱۰۰ روز

تبدیل می‌شود وضع برای بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی سخت‌تر می‌شود. البته این، تحلیل افق ۱۰ ساله را جلوی چشم دارد این کاهش کیفیت خدمات به سرعت رخ نمی‌دهد و مدتی طول می‌کشد وقتی معلم‌های برتر کشور از کادر مدرسه خارج شوند آثار این اقدام را در ۵ تا ۱۰ سال آینده به وضوح خواهیم دید، پس رشد اقتصادی در میان مدت کاهش می‌شود.

اتفاق بعدی که به همان اندازه خطرناک است کاهش سرمایه‌گذاری عمومی است؛ یعنی پروژه‌های عمرانی انجام نشده و تعطیل می‌شوند جاده ریل و فرودگاه ساخته نمی‌شوند اینترنت 5G نمی‌آید بنادر مستهلک شده و از بین می‌روند؛ خطوط ریلی و مترو همه تا ۱۰ سال آینده مستهلک شده و امکان تأمین مجدد آنها هم وجود ندارد. این عدم سرمایه‌گذاری‌ها به تشدید کاهش رشد اقتصادی منجر می‌شود که با ادامه این روند ناگزیر اتفاق خواهد افتاد خلاصه آن چه نمودار ۲۶ نشان می‌دهد آن است که در افق ۱۰ ساله‌ی پیش روی اقتصاد، ایران متغیرهای اثرگذار کدام است. این فهرست می‌گوید که ناترازی‌های جدید رشد میان مدت اقتصاد ایران را کاهش خواهد داد و تورم و افزایش قیمت ارز را حتی در مقایسه با وضعیت موجود اقتصاد کشور باز هم بالاتر خواهد برد.

اتفاق دیگری که بر اثر سیاست‌های موجود محتمل، است و این روال را کمی تشدید می‌کند به اقتصاد سیاسی اصلاحات در داخل کشور مرتبط است. وقتی نرخ تورم بالا است و نظام سیاسی مشاهده می‌کند که مثلاً هزینه‌های مردم ۴۰ درصد بالا رفته دیگر جرأت نمی‌کند بنزین را گران کرده یا قیمت گاز را تغییر دهد جرأت ندارد به راحتی دست به تغییر قیمت اینترنت بزند، یا عوارض جاده‌ای را به میزان کافی که برای حفظ کیفیت جاده لازم است بالا ببرد نتیجه آن است که قیمت‌های اسمی خدمات عمومی دولت ثابت می‌ماند در حالی که هزینه‌های این خدمات دائماً بالا می‌رود نتیجه آن است که قیمت حقیقی این خدمات مستمراً کاهش می‌یابد قیمتی که امروز بابت خدمات عمومی پرداخت می‌شود، تفاوت عمده با قیمتی ندارد که دو یا سه سال پیش پرداخت می‌شد این بنگاه‌ها از کجا منابع کسب می‌کنند تا هزینه‌های متورم خود را پرداخت کنند؟ بنابراین عرضه این خدمات کاهش می‌یابد چرا که سرمایه‌گذاری عمومی کاهش یافته است. دیگر کدام بنگاه حاضر است برای دولت جاده مترو یا کارخانه برق بسازد در نتیجه نرخ بازدهی تمام سرمایه‌گذاری خصوصی و عمومی مرتبط با خدمات عمومی دولت افت می‌کند. نتیجه این کاهش تضعیف بیشتر زیرساخت‌ها و کاهش رشد اقتصادی خواهد بود.



افتاد منطبق است قصه‌ای که برای دهه ۹۰ نقل شد و در دو حوزه مالی و واقعی رخ داد؛ نه تنها در دهه‌ی جدید تکرار خواهد شد بلکه شدت وقوع آن به دلیل ناترازی‌های فزون‌تر و محدودیت‌های اقتصاد سیاسی بیشتر خواهد بود شیب تولید و مصرف بسیار منفی خواهد بود و تورم احتمالاً به شدت بالا خواهد رفت.

سیاست‌گذار باید تصمیم بگیرد آیا این پیش‌بینی‌ها را قبول دارد یا نه اگر قبول دارد باید کاری کند که به وضعیت بحرانی آن شرایط نرسد. این تصمیم امروز برای سیاست‌گذار ضروری است چون تحلیل مربوط به امروز و فردای ایران نیست؛ تحلیل سال بعد و دو سال بعد نیست، تحلیل ۱۰ سال آینده کشور است فرمان کشتی اقتصاد ایران امروز باید بچرخد تا مثل تایتانیک به صخره نخورد. البته الزاماتی هم وجود دارد تا کشتی به صخره نخورد نظام تصمیم‌گیری کشور چاره‌ای ندارد مگر اینکه در خصوص تغییر سیاست‌های جاری به اقداماتی دست بزند. فرمان حتماً باید بچرخد تا اصلاحاتی در، بودجه نظام بانکی نظام فرابودجه‌ای و بازار تولید کشور اتفاق بیفتد بنگاه و کارشناسان اقتصادی هم اگر این پیش‌بینی‌ها را قبول دارند می‌باید از طریق تشکل‌های خود و اتاق‌های بازرگانی با سیاست‌گذار صحبت کنند و دولت را نسبت به این ریسک‌ها آگاه سازند.

از آن طرف وقتی قیمت حقیقی کاهش می‌یابد تقاضا افزایش می‌یابد کسی دیگر خود را ناچار به صرفه‌جویی در مصرف این خدمات عمومی نمی‌یابد. بخشی از این افزایش مربوط به تقاضای مصرفی مردم است و مردم تمایل می‌یابند کمی بیشتر مصرف کنند اما عمده افزایش مربوط به تقاضای قاچاق است. یعنی هر بخش از این کالاها و خدمات که تجارت‌پذیر باشد؛ مثل، آرد، گاز برق، دارو و مشمول فعالیت‌های قاچاق می‌شود در نتیجه، در بسیاری از این حوزه‌ها مثل انرژی و دارو مجبور به واردات خواهیم شد که خود هزینه‌های دولت را بالا می‌برد این افزایش‌ها افزایش پایه‌ی پولی را به دنبال خواهد داشت و تورم ایجاد می‌شود. این چرخه معیوبی است که متأسفانه اتفاق خواهد افتاد. اقتصاد سیاسی وضعیت موجود به نفع حل مساله در این شرایط نیست روابط مردم و دولت به گونه‌ای نیست که دولت جرأت تغییر قیمت‌ها را داشته باشد بنابراین با وضعیت مطلوبی روبرو نیستیم.

۱۰ سال آینده کشور سال‌های تعیین‌کننده‌ای است. امروز سیاست‌گذار باید تصمیم بگیرد آیا می‌خواهد تغییر ریلی ایجاد کند که در سال ۱۴۱۰ یا ۱۴۱۳، این پیش‌بینی‌ها رخ ندهد؟ متأسفانه این پیش‌بینی‌ها با آنچه در دهه ۹۰ اتفاق



بخش چهارم: قصه‌ی آینده (ضرورت‌های پیش رو)

۱۵. کاهش بی‌ثباتی اقتصادی

از مهم‌ترین ضرورت‌های پیش رو کاهش بی‌ثباتی اقتصادی است تا وقتی بی‌ثباتی اقتصادی برقرار باشد سناریویی که پیشتر به آن اشاره شد محقق خواهد شد. موضوع اول این بی‌ثباتی تورم است محور اول؛ نخستین مسأله‌ی این بی‌ثباتی تورم است دولت باید با برنامه‌ای کارآمد به سرعت کنترل تورم را دنبال کند تا یکی از موتورهای بی‌ثباتی را خاموش کند

محور دوم؛ کاهش کسری بودجه دومین معضل بزرگ است؛ دولت باید شروع به کاهش هزینه‌های واقعی کند، بدیهی است کاهش هزینه‌های اسمی با سرعت میسر نیست و این هزینه‌ها براساس تورم انتظاری رشد می‌کند، بنابراین باید از مسیر تأمین منابع نفتی و منابع مالیاتی برای جبران کسری بودجه دولت اقدام کرد چون بخشی از منابع باید از طریق منابع نفتی تأمین شود سرمایه‌گذاری در حوزه نفت گریزناپذیر است. افت شدید سرمایه‌گذاری در صنعت نفت به دلیل قاعده غلط سهم ۵/۱۴ درصدی از درآمدهای نفتی برای شرکت ملی نفت است.

در حال حاضر که نسبت به قبل از تحریم توان فروش نفتمان کاهش شدید، یافته ۵/۱۴ درصدی از درآمدهای نفتی امکان سرمایه‌گذاری مناسب را از شرکت نفت گرفته است. زمانی که در اوج فروش نفت از نظر مقدار و قیمت بودیم قاعده‌ی ۵/۴ درصدی فروش نفت وضع شد و وقتی به کف فروش نفت رسیدیم هم هنوز قاعده ۵/۱۴ درصدی برقرار ماند. شرکت ملی نفت منابعی غیر از این ۵/۴ درصدی برای سرمایه‌گذاری ندارد. چاه‌های نفت اکنون مستهلک شده و افت فشار دارند و نیازهای بیشتری برای سرمایه‌گذاری وجود دارد، بنابراین قاعده تخصیص منابع به وزارت نفت حتماً باید تغییر کند تا بتوان به قدر کافی روی نفت سرمایه‌گذاری کرد برای اینکه بتوانیم بیشتر بفروشیم باید بتوانیم در زمینه استخراج گاز و نفت بیشتر سرمایه‌گذاری کنیم و منابع را بیرون بیاوریم؛ چرا که در حال حاضر هیچ منبعی برای ما پرسودتر از منابع نفت نیست و چاره‌ای هم جز این نداریم.

محور سوم؛ روشن است هیچ کس از پرداخت مالیات خوشش نمی‌آید ولی دولت هم چاره‌ای جز این ندارد که درآمدهای مالیاتی را افزایش دهد. این افزایش بدان معنی نیست که از همان فعالان اقتصادی مالیات بیشتری اخذ شود وقتی از افزایش مالیات صحبت می‌شود یعنی اخذ مالیات از آن فعالان اقتصادی که براساس قانون مالیات خود را پرداخت نمی‌کنند و مالیات آنها باید اخذ شود فرارهای مالیاتی باید مشخص شود؛ معافیت‌های بی‌هدف مالیاتی باید حذف شود. درست است که از برخی بخش‌ها حمایت شود اما حمایت هم سقفی دارد. جزو اصول وضع معافیت و پرداخت یارانه آن است که معافیت‌ها و یارانه‌ها باید محدود، باشند بازه زمانی داشته باشند و مشروط باشند. معافیت‌ها و یارانه در کشور ما غیر مشروط نامحدود و بدون بازه زمانی است این موارد باید اصلاح شود.

محور چهارم؛ اصلاح نظام بانکی هم مهم است کسری‌هایی که بانک‌های ناسالم، دارند روزبه‌روز در حال افزایش است و حتماً با ضرورت بالا وضع این بانک‌ها می‌باید اصلاح شود اکنون مدت ۱۰ سال است که هر روز از اصلاح نظام بانکی صحبت می‌کنیم؛ بالاخره کشور باید هر چه زودتر یک روز اصلاح نظام بانکی را انجام دهد.

محور پنجم؛ سیاست‌های کژدار و مریز ارزی هم باید اصلاح شود یک روز ارز ۴,۲۰۰ تومانی و روز دیگر ارز ۲۸,۵۰۰ تومانی را در دستور کار قرار می‌دهیم و بعد ره‌ایش می‌کنیم یک روز واردات را می‌بندیم و روز دیگر آزاد می‌کنیم این کارها از جمله رویدادهایی است که به ثبات اقتصادی کشور آسیب می‌زند.

محور ششم؛ باید به یاد داشته باشیم که بدون ثبات، اقتصادی، تمام سازوکارهای معیوبی که، برشمردیم باقی خواهند ماند. کاهش بی‌ثباتی در سیاست اقتصادی ضروری است اگر قوانین اقتصادی مستمراً تغییر کند فعال اقتصادی کلاً فلج می‌شود و ترجیح می‌دهد منابعش را از کشور خارج کند.

۱۶. افزایش سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی

دومین ضرورت پیش رو سرمایه‌گذاری هر چه بیشتر در بخش خصوصی است.

محور اول؛ چاره‌ای نداریم جز اینکه به تدریج و طی یک برنامه‌ای قیمت‌گذاری‌های دولتی و دولتی‌سازی اقتصاد را کنار بگذاریم؛ ادامه‌ی وضعیت جاری اقتصاد کشور را فلج می‌کند و تا زمانی که این رویه برقرار، باشد انگیزه‌ی سرمایه‌گذار خصوصی برای سرمایه‌گذاری از بین می‌رود. محور دوم؛ تکالیف تسهیلات‌دهی بانک‌ها باید کاهش یابد بانک بنگاهی اقتصادی، است و باید در مقام یک بنگاه اقتصادی برای عملیات اعتباری خود محاسبه‌ی اقتصادی داشته باشد نه اینکه به آن تکلیف شود که به چه کسی یا موضوعی وام بدهد. مطالبات غیرجاری ناشی از تسهیلات تکلیفی بسیار بالاست و بخش قابل ملاحظه‌ای از این منابع به سیستم بانکی برنمی‌گردد

محور سوم؛ حداقل ۱۰ سال است مسأله‌ی انتقال تکنولوژی در کشور ما با وقفه روبرو شده و هزینه‌ی مبادله‌ی پولی افزایش یافته و انتقال کالا و به خصوص کالاهای سرمایه‌ای - به واسطه شرایطی که در آن بوده‌ایم - کند شده است از این رو بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاری منفی شده و ماشین‌آلات تولیدی ما همان ماشین‌آلات ۱۰ یا ۲۰ سال قبل است. تکنولوژی مراکز تولیدی ما با ۲۰ سال قبل تغییر عمده‌ای نکرده است. انتقال تکنولوژی هم عملاً بدون سرمایه‌گذاری خارجی اتفاق نمی‌افتد.

چین در شروع دهه ۸۰ میلادی که رشد اقتصادی خود را آغاز کرد توانست سرمایه‌گذاری خارجی و تکنولوژی را با هم هماهنگ کند. انتقال تکنولوژی و واردات کالاهای سرمایه‌ای و ماشین‌آلات می‌باید به‌طور همزمان در دستور کار قرار گیرد در ایران بیش از ۱۰ سال است که انتقال تکنولوژی یا اتفاق نیفتاده یا بسیار کم اتفاق افتاده است اگر قرار باشد ۱۰ سال دیگر هم این اتفاق نیفتد فاصله‌ی ما با کشورهای همسایه بسیار بزرگ خواهد شد آنها با سرعت ۶ یا ۸ درصد رشد می‌کنند ما با سرعت یکی دو درصد سقوط می‌کنیم یکی از مهم‌ترین دلایل این سقوط مسأله تکنولوژی، است و سرمایه‌گذاری خارجی جزو لاینفک آن است. مهم نیست این سرمایه‌گذاری از کجا می‌آید؛ از چین یا از تعامل با هر کشور دیگری بیاید. اگر در مذاکرات و تعاملات بین‌المللی مسأله‌ی سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال تکنولوژی را نداشته باشیم



زیرا خارجی‌ها در ساختارهای عمومی ما سرمایه‌گذاری نخواهند کرد و احتمال آن بسیار کم است ولی مردم با پس‌اندازشان و با کمک نهادهای مالی و بانک‌ها می‌توانند به کمک دولت بیایند.

۱۸. راه‌های برون‌رفت از بحران کنونی

اصلاح قواعد: تغییر قانون بانک مرکزی اتفاق به مراتب بهتری می‌بود اگر در طی مسیر تصویب همه‌سیاسی به آن وارد نمی‌شد و کمتر آسیب می‌دید به رغم مشکلات این قانون به نفع نظام اقتصادی کشور است اتفاقات مشابه باید بیشتر و بیشتر رخ دهد نظام بودجه‌ای کشور باید اصلاح شود؛ نظام تأمین اجتماعی کشور هم باید اصلاح شود؛ قواعد بازار کار باید اصلاح شود و بسیاری دیگر از قواعدی که اکنون به نفع اقتصاد کشور عمل نمی‌کنند. اینها همه باید تغییر کنند.

جمع‌آوری دارایی‌های مسموم و انتشار اوراق برای پوشش کسری: دارایی‌های مسموم نظام بانکی و صندوق‌های بازنشستگی باید شناسایی شده و پس از اصلاح قواعد و خروج این دارایی‌های مسموم با انتشار اوراق کسری آنها پوشش داده شود در هر مجموعه‌ی ناسالم ابتدا باید قواعد را درست کنیم تا وقتی دوباره شروع به حرکت می‌کنند مجدداً دارایی مسموم تولید نکنند.

اصلاحات بودجه: بودجه نیز باید با اصلاحاتی همراه شود که از آن میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد عدم تشدید فشار هزینه‌ای بودجه تعدیل مطابق تورم انتظاری شفافیت ارقام واقعی بودجه و تبصره‌ها، اصلاح هدفمندی یارانه‌ها (که در شرایط کنونی بسیار دشوار است) فرآیند کردن مالیات (VAT) و بهره‌مندی از قانون پایانه‌های، فروشگاه‌های اصلاحات در نظام بازنشستگی جذب سرمایه‌گذاری خارجی افزایش تولید و فروش نفت به همراه تغییر قاعده مالی نفت و سرمایه‌گذاری و ضرورت انتقال تکنولوژی موضوعات مهم دیگری است که در برون‌رفت از بحران کنونی بسیار مؤثرند.

وضعیت ما دشوارتر می‌شود. محور چهارم؛ مورد بعدی حذف عواملی است که به خروج سرمایه منجر می‌شود. عواملی که مردم را سوق می‌دهد پس‌اندازهای‌شان را از کشور خارج کنند یا به طلا و ارز تبدیل کنند آن عواملی که باید حذف شوند؛ عواملی که انگیزه و امید مردم را برای سرمایه‌گذاری در این کشور از بین می‌برند جوانان کشور و سرمایه‌گذاران باید انگیزه پیدا کنند که در کشور سرمایه‌گذاری کنند و سرمایه‌شان را خارج نکنند. هر عاملی که علت این وضع است باید از بین، برود وگرنه در حال حاضر نرخ خروج سرمایه رقم کمی نیست این بدان معناست که پس‌انداز می‌کنیم ولی در ترکیه کانادا، ارمنستان، امارات، قطر، عمان و... و منابع به آن کشورها می‌رود. این واقعاً وضعیت خطرناکی است.

۱۷. افزایش سرمایه‌گذاری‌های عمومی در زیرساخت‌های کشور با مشارکت بخش خصوصی

ضرورت دیگر این است که دولت منابع ندارد تا پروژه‌های عمرانی را پیش برد و زیرساخت‌ها را تأمین کند راه‌حلی جز سرمایه‌گذاری عمومی با مشارکت بخش خصوصی در قالب قراردادهای مشارکت عمومی و خصوصی (PPP) وجود ندارد برای این، کار باید تضامین سفت و سخت قانونی و قیمت‌گذاری‌های مزاحم پروژه‌ها کنار گذاشته شود تا سرمایه‌گذار انگیزه پیدا کند و حاضر شود پولش را با دولت جمع کند. خبر خوب در این مورد برای نهادهای مالی آن است که می‌توانند نقش مهمی در این مورد برعهده گیرند اگر نهادهای مالی به کمک دولت بیایند و دولت هم پذیرای آنها باشد به جای پرداختن به حواشی می‌توانند سرمایه‌گذاری‌های جذابی برای سرمایه‌گذارانی فراهم آورند که انگیزه خروج سرمایه دارند باید آنان را ترغیب کنند منابع‌شان را در داخل کشور نگه دارند این سرمایه‌ها به ایجاد زیرساخت‌های کشور کمک می‌کنند سرمایه‌گذاری خارجی هم مکمل سرمایه‌ی بخش خصوصی می‌شود و تولید داخل را تأمین می‌کند این تعادل کشور را از مخمصه نجات می‌دهد

بررسی و تحلیل قانون «تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها» از نگاه بخش خصوصی



و زیرساخت‌ها را جهت اجرا به رییس‌جمهور ابلاغ کرد. این قانون مشتمل بر ۶ فصل تعاریف، توسعه نظام مالی و سنجش اعتبار و ضمانت، تسهیل تأمین مالی از طریق بازار سرمایه، تسهیل تأمین مالی خارجی و صدور بسته‌های سرمایه‌گذاری بدون نام و تأمین مالی از طریق مشارکت و مولدسازی دارایی است. وزیر صنعت، معدن و تجارت، رییس سازمان برنامه و بودجه کشور، رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، رییس سازمان بورس و اوراق بهادار، رییس هیات عامل صندوق توسعه ملی و یک نفر از بین اعضای کمیسیون اقتصادی و یک نفر از بین اعضای کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات به انتخاب مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر دیگر اعضای این شورا هستند. در قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها

این طرح با هدف تأمین مالی و جهش تولید در بخش‌های تولیدی و زیربنایی و همچنین هدایت نقدینگی به بخش‌های تولیدی در مجلس به تصویب رسیده است. نمایندگان پیش‌تر طرح تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها را ۲۹ مرداد پارسل به تصویب رسانده بودند که شورای نگهبان به آن ایراد گرفته بود. حالا این طرح پس از ۳ مرحله اصلاح در مجلس و بررسی در شورای نگهبان به تأیید رسیده و به قانون تبدیل شده است.

قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها نهایی و ابلاغ شد بر اساس این قانون شورای ملی تأمین مالی به ریاست وزیر اقتصاد تشکیل می‌شود. قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها که هفته گذشته به تأیید شورای نگهبان رسیده بود و در مورخ ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۳ قانون تأمین مالی تولید

پیش بینی شده با شرایطی، از منابع بازار پول، سرمایه و اشخاص داخلی و خارجی استفاده شود. این قانون همچنین پیش بینی کرده یک شورای ملی با نام «تأمین مالی» تشکیل شود که هدفش «توسعه و ترویج الگوهای تأمین مالی، هماهنگی میان نهادهای مالی و توسعه دامنه وثیقه‌ها و تضمین‌ها» است. رییس این شورای ملی، وزیر امور اقتصادی و دارایی است. سخنگوی شورای نگهبان گفت که قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها، تأمین مالی از طریق بازار سرمایه را آسان تر می‌کند و با اصلاح روندها، هزینه‌های اقتصادی مختلف تأمین مالی کاهش می‌یابد. «بهبود فضای مالیات‌ستانی یا کاهش هزینه‌های مالیاتی اضافی با هدف تأمین مالی بنگاه‌ها و افزایش سرمایه» از اهداف دیگر این قانون است. توسعه صنایع پایین دستی نفت و گاز با استفاده از سرمایه‌های مردمی و آسان تر شدن ورود بخش خصوصی در این صنایع از هدف‌های قانون است.

موارد شمول قانون

هدف از این قانون، توسعه و تسهیل تأمین مالی برای بخش‌های تولیدی و زیرساختی کشور است. این قانون موارد متعددی را در زمینه تأمین مالی، از جمله موارد زیر، شامل می‌شود: توسعه نظام مالی و سنجش اعتبار و ضمانت، اقداماتی برای تقویت نظام سنجش اعتبار و ضمانت در کشور، مانند ایجاد سابقه اعتباری واحد برای اشخاص حقیقی و حقوقی، تاسیس صندوق‌های ضمانت خطرپذیری برای حمایت از کسب و کارهای نوپا، توسعه ابزارهای نوین تأمین مالی مانند اوراق گام پیش‌بینی شده است.

تسهیل تأمین مالی از طریق موسسات اعتباری، تسهیلاتی برای اعطای تسهیلات به بخش‌های تولیدی و زیرساختی توسط بانک‌ها، از جمله کاهش وثایق و ضمانت‌ها و تخفیف در نرخ سود تسهیلات و نیز افزایش سقف تسهیلات برای این بخش‌ها در نظر گرفته شده است.

تسهیل تأمین مالی از طریق بازار سرمایه، اقداماتی برای تسهیل حضور بخش‌های تولیدی و زیرساختی در بازار سرمایه، مانند ایجاد اوراق بهادار جدید مانند اوراق رهنی و اوراق منفعت و توسعه ابزارهای تأمین مالی مانند صندوق‌های سرمایه‌گذاری پروژه، تسهیل حضور شرکت‌های تولیدی و زیرساختی در بازار سرمایه پیش‌بینی شده است. تسهیل تأمین مالی خارجی، موانع و محدودیت‌های موجود در زمینه تأمین مالی خارجی برای بخش‌های تولیدی و زیرساختی، تا حد امکان، رفع شده است. همچنین مواردی جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های تولیدی و زیرساختی و تسهیل صدور اوراق قرضه بین‌المللی دیده شده است. صدور بسته‌های سرمایه‌گذاری بدون نام، امکان صدور بسته‌های سرمایه‌گذاری بدون نام برای جذب سرمایه‌گذاری و تسهیل مشارکت خارجی در بخش‌های تولیدی و زیرساختی و افزایش شفافیت و نظارت بر فرآیند سرمایه‌گذاری فراهم شده است. تأمین مالی از طریق مشارکت و مولدسازی دارایی، دستگاه‌های دولتی موظف شده‌اند نسبت به مولدسازی دارایی‌های خود و استفاده از منابع حاصل از آن برای تأمین مالی پروژه‌های تولیدی و زیرساختی اقدام کنند. بنابراین قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها از جمله قوانین مهم و کلیدی برای حمایت از بخش تولید و توسعه زیرساخت‌ها در کشور است و انتظاری رود اجرای این قانون به افزایش سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی کشور کمک کند اما از جمله نکاتی که می‌توان به آنها اشاره کرد این‌که، این قانون در حال حاضر در مراحل اولیه اجرا است و هنوز اثرات آن به طور کامل مشخص نشده است، همچنین برای بهره‌مندی از مزایای این قانون، واحدهای تولیدی و زیرساختی باید شرایط لازم را احراز کنند و دستگاه‌های دولتی و ذیربط نیز موظف به اجرای دقیق این قانون هستند.

چالش‌های مفاد قانون

این قانون مشتمل بر ۶ فصل از جمله «توسعه نظام مالی و سنجش اعتبار و ضمانت»، «تسهیل تأمین مالی از طریق موسسات اعتباری»، «تسهیل تأمین مالی از طریق بازار سرمایه»، «تسهیل تأمین مالی خارجی» و «صدور بسته‌های سرمایه‌گذاری بدون نام» و «تأمین مالی از طریق مشارکت و مولدسازی دارایی» است.

در ماده ۲ فصل دوم این قانون ایجاد شورای تأمین مالی متشکل از وزیر امور اقتصادی و دارایی به عنوان رییس شورا، وزیر صنعت، معدن و تجارت، رییس سازمان برنامه و بودجه کشور، رییس کل بانک مرکزی، رییس سازمان بورس و اوراق بهادار، رییس هیات عامل صندوق توسعه ملی و... در نظر گرفته شده است؛ اما در این میان جای بخش خصوصی خالی است. این در حالی است که بخش خصوصی و نمایندگان اتاق ایران در اکثر شوراهای حوزه اقتصاد حضور دارند.

با نگاهی به وظایف شورای تأمین مالی به خوبی عیان است که در برخی از وظایف مربوطه از جمله هماهنگی و هم‌افزایی بین نهادهای متولی تأمین مالی در بازارهای پول که بازار پول سرمایه و بیمه است و همچنین بخش توسعه الگوهای سرمایه‌گذاری در طرح‌های تولیدی و زیربنایی، بخش خصوصی دخیل است.

در ماده (۷) آمده است: «کلیه اموال و دارایی‌ها اعم از عین، منفعت طلب و حقوق مالی، اموال منقول و غیرمنقول، اموال مادی و غیرمادی مانند واحدهای مسکونی یا تجاری شهری یا روستایی، زمین‌های کشاورزی شهری یا روستایی، ماشین‌آلات و تجهیزات تولیدی، فلزات گرانبها، اوراق بهادار، سپرده‌ها و گواهی سپرده‌های ربالی در چهارچوب مصوبات هیات عالی بانک مرکزی و سپرده‌ها و گواهی سپرده‌های ارزی، عواید قابل تصرف از سهام، عواید قابل تصرف از قراردادهای یا اجرای طرح (پروژه‌های تولیدی و زیربنایی اشیاء، آثار و ابنیه میراثی و تاریخی با مالکیت غیردولتی، مانده پاداش پایان خدمت و ذخیره مطالبات کارکنان، حقوق و مزایای مستمر دریافتی مطالبات، قرارداد نشان تجاری (برند)، مالکیت‌های فکری، کالاهای با دوام، بیمه‌های مسوولیت، مجوزهای اداری یا رانه‌های نقدی و موجودی انبار (مواد اولیه یا محصول) واحدهای تولیدی در چهارچوب آیین‌نامه اجرایی که حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون با پیشنهاد شورا به تصویب هیات وزیران می‌رسد قابل توثیق می‌باشند.» در اینجا قبول برند به عنوان وثیقه می‌تواند برای بخش خصوصی موجبات روان‌سازی در روند دریافت تسهیلات را ایجاد نماید؛ زیرا گاهی صاحبان برند با وجود خوشنامی و سرشناس بودن به دلیل ضعف برخی دستورات عمل‌های بانکی برای دریافت تسهیلات با مشکل مواجه می‌شدند که این قانون راه را برای یک صاحب برند هموارتر کرده است.

در فصل چهارم ماده (۱۴) این قانون آمده است به منظور فراهم ساختن زمینه سرمایه‌گذاری عموم مردم در انواع طرح (پروژه‌های تولیدی یا زیربنایی و طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، ترویج فرهنگ سرمایه‌گذاری غیرمستقیم با هدف هزینه‌های تأمین مالی، مواردی مشمول مالیات به نرخ صفر می‌باشد که این موضوع انگیزه و محرکی است که شرکت‌های بخش فعال در بازارهای مالی مانند بورس بتوانند تأمین مالی انجام دهند و قطعا از این مورد استقبال می‌شود.

در خصوص ماده ۲۲ فصل پنجم این قانون نیز شایان ذکر است که؛ در این قانون به سازمان امور مالیاتی کشور، گمرک جمهوری اسلامی ایران



زیرساخت‌ها و چه بدون آن، آسان‌تر خواهد بود. اما اگر شرایط کلان اقتصادی نامساعد باشد و بی‌ثباتی در نرخ‌ها وجود داشته باشد، حتی اگر بهترین قوانین هم وجود داشته باشد، جذب سرمایه‌گذار دشوار خواهد بود. - عملکرد بازار سرمایه؛ اگر بازار سرمایه به طور کارآمد و شفاف عمل کند و اطلاعات دقیق و به موقع در اختیار سرمایه‌گذاران قرار گیرد، اعتماد آنها جلب خواهد شد و آنها به سرمایه‌گذاری در این بازار تمایل بیشتری خواهند داشت. اما اگر بازار سرمایه غیر شفاف باشد و اطلاعات نادرست به سرمایه‌گذاران ارائه شود، اعتماد آنها از بین خواهد رفت و آنها از سرمایه‌گذاری در این بازار دلسرد خواهند شد.

اما از جمله اثرات مثبت این قانون بر بازار سرمایه را می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- افزایش تامین مالی بخش‌های تولیدی و زیرساختی، این قانون با تسهیل دسترسی این بخش‌ها به منابع مالی، می‌تواند به افزایش سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی کشور کمک کند.
- کاهش نرخ سود بانکی، با افزایش جذابیت سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی، تقاضا برای تسهیلات بانکی کاهش می‌یابد و این امر می‌تواند به کاهش نرخ سود بانکی منجر شود.
- افزایش عمق و نقدشوندگی بازار سرمایه، با ورود شرکت‌های جدید به بازار سرمایه و افزایش حجم معاملات، عمق و نقدشوندگی این بازار افزایش می‌یابد.
- کاهش ریسک سرمایه‌گذاری، این قانون با کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی و زیرساختی، می‌تواند اعتماد

و سازمان تأمین اجتماعی اجازه داده می‌شود اوراق مالی اسلامی منتشر شده از سوی خزانه و اوراق گام (اوراق گواهی اعتبار مولد) را بابت مطالبات مالیاتی حقوق ورودی، حق بیمه و جریمه‌های مربوط بپذیرند. این قانون می‌تواند برای فعالان اقتصادی در حوزه مالیات مشکل‌گشا باشد.

در فصل پنجم این قانون به منظور معرفی ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری دولتی و غیردولتی در کشور و جذب تأمین مالی خارجی، «سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران» مکلف است با همکاری اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، اتاق تعاون و اتاق اصناف ایران ظرف سه ماه از لازم‌الاجرا شدن این قانون، با استفاده از امکانات موجود نسبت به ایجاد زیرساخت الکترونیکی تحت عنوان «سامانه جامع اطلاعات سرمایه‌گذاری کشور» اقدام نماید.

اگرچه جمع‌آوری اطلاعات فی‌نفسه مطلوب است؛ اما کشور ما از تعدد سامانه‌ها رنج می‌برد؛ در واقع، یکی از دست‌اندازهای بزرگ در کشور ما، تکرر این سامانه‌ها است. بهتر است از سامانه‌های موجود با اطلاعات مشابه برای جلوگیری از موازی‌کاری بهره برد.

طبق ماده (۲۷) این قانون، دستگاه‌های اجرایی و استانداری‌ها با همکاری اتاق بازرگانی ایران و اتاق اصناف موظفند ظرف شش ماه از لازم‌الاجرا شدن این قانون، نسبت به تهیه و تصویب فهرست بسته‌های سرمایه‌گذاری بدون نام در بخش‌های مختلف اقتصادی مربوط به خود با به‌روزرسانی الزامی در هر شش ماه یک‌بار اقدام نمایند و با رعایت شرایط رقابتی، آنها را به سرمایه‌گذاران واجد شرایط واگذار کنند. این اقدام موثر و خوبی است و در گذشته اتاق بازرگانی در این زمینه اقداماتی را رقم زده است.

آیین‌نامه‌های سه ماه پس از لازم‌الاجرا شدن قانون باید به تصویب هیات وزیران برسد. این قانون در اردیبهشت ماه ابلاغ شده و سوال این است که آیا در مردادماه آیین‌نامه‌های آن تدوین می‌شود و آیا مشابه قوانین دیگر مشمول زمان نمی‌گردد؟ اگر این قانون به درستی اجرا شود برخی از مشکلاتی که بخش خصوصی با آن درگیر است، مرتفع شده و فضای کسب و کار بهبود خواهد یافت.

بررسی بازار سرمایه با تصویب و ابلاغ قانون تامین مالی و زیرساخت

تأثیر قانون تامین مالی تولید و زیرساخت‌ها بر جذب سرمایه‌گذار و جلب اعتماد آنها در بازار سرمایه به عوامل مختلفی بستگی دارد، از جمله:

- روند تشکیل سرمایه ثابت، در طول سال‌های اخیر کاهش یافته است و نظام تأمین مالی تولید، کارآمدی لازم را ندارد، در این راستا و با تمرکز بر بازسازی نظام تأمین مالی، به خصوص در حوزه تولید، طرح تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها در مجلس به تصویب رسیده است.

- نحوه اجرای قانون؛ اگر این قانون به‌طور کارآمد و شفاف اجرا شود، می‌تواند اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب کند و آنها را به سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی و زیرساختی ترغیب کند. اما اگر در اجرای این قانون نارسایی وجود داشته باشد، می‌تواند اعتماد سرمایه‌گذاران را از بین ببرد و آنها را از سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها دلسرد کند.

- شرایط کلان اقتصادی؛ اگر شرایط کلان اقتصادی کشور مساعد باشد و نرخ تورم، نرخ ارز و نرخ سود بانکی در ثبات باشد، جذب سرمایه‌گذار به بازار سرمایه، چه با وجود قوانینی مانند قانون تأمین مالی تولید و

سرمایه‌گذاران را جلب کند.

● تنوع‌بخشی به سبد سرمایه‌گذاری، با ورود اوراق جدید به بازار سرمایه، تنوع در سبد سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران افزایش می‌یابد.

الزامات مورد توجه در اجرای این قانون

● مواردی از جمله: شفافیت؛ فرآیند اعطای تسهیلات و استفاده از منابع باید شفاف باشد تا از فساد و رانت خواری جلوگیری شود.

● کارآمدی؛ فرآیندها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که ساده، سریع و کارآمد باشند تا سرمایه‌گذاران را دلسرد نکنند.

● نظارت؛ باید بر اجرای این قانون نظارت دقیق وجود داشته باشد تا از انحراف از مسیر و تخلفات جلوگیری شود.

علاوه بر این، اقدامات دیگری نیز می‌تواند برای جذب سرمایه‌گذاران و جلب اعتماد آنها در بازار سرمایه انجام شود، از جمله: کاهش نرخ سود بانکی، ثبات در نرخ ارز، افزایش شفافیت در اقتصاد، تقویت حاکمیت شرکتی، ارایه آموزش‌های لازم به سرمایه‌گذاران و غیره.

با انجام این اقدامات می‌توان بازار سرمایه را به بازاری جذاب و امن برای سرمایه‌گذاری تبدیل کرد و زمینه را برای رشد و توسعه اقتصادی کشور فراهم نمود.

الزامات سازمان بورس در اجرای این قانون در بازار سرمایه

● تدوین آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی، سازمان بورس باید در اسرع وقت آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی مربوط به قانون تامین

مالی تولید و زیرساخت‌ها را تدوین و ابلاغ کند.

● این آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها باید شفاف، جامع و کارآمد باشند و به‌گونه‌ای طراحی شوند که انحراف از مسیر قانون و تخلفات را به حداقل برسانند. ایجاد زیرساخت‌های لازم، سازمان بورس باید زیرساخت‌های لازم برای اجرای این قانون را در بازار سرمایه ایجاد کند. این زیرساخت‌ها شامل سامانه‌های الکترونیکی، نیروی انسانی متخصص و فرآیندهای کارآمد است.

● اطلاع‌رسانی و آموزش، سازمان بورس باید اطلاع‌رسانی گسترده‌ای در مورد این قانون و نحوه اجرای آن به سرمایه‌گذاران، شرکت‌ها و سایر ذینفعان انجام دهد. همچنین باید آموزش‌های لازم را به این گروه‌ها ارایه دهد تا بتوانند از مزایای این قانون به نحو احسن استفاده کنند.

● نظارت و پایش، سازمان بورس باید بر اجرای قانون تامین مالی تولید و زیرساخت‌ها نظارت و پایش دقیق داشته باشد. این نظارت باید در همه مراحل، از جمله اعطای تسهیلات، استفاده از منابع و عملکرد شرکت‌ها انجام شود. همکاری با سایر دستگاه‌ها، سازمان بورس باید برای اجرای این قانون با سایر دستگاه‌های ذیربط مانند وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه همکاری کند. شفافیت، سازمان بورس باید فرآیند پذیرش، عرضه و معاملات اوراق مربوط به این قانون را به‌طور شفاف به اطلاع عموم برساند. اطلاعات مربوط به شرکت‌های تولیدی و زیرساختی که از این قانون استفاده می‌کنند، باید به‌طور کامل و دقیق در دسترس سرمایه‌گذاران قرار گیرد. سازمان بورس باید به‌طور مستمر گزارش‌هایی از عملکرد این قانون و اثرات آن



و «تایق»، «تسهیل تأمین مالی از طریق بانک‌ها و موسسات اعتباری»، «تسهیل تأمین مالی از طریق بازار سرمایه»، «اصلاح نظام انگیزشی استفاده از تأمین مالی درونی با اصلاح ساختار مالیات‌ستانی»، «جذب تأمین مالی خارجی از طریق صدور بسته‌های سرمایه‌گذاری بدون نام» و «مشارکت و مولدسازی دارایی‌ها در راستای جذب مشارکت بخش خصوصی برای طرح‌های زیربنایی» را می‌توان اهداف اصلی «طرح تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها» عنوان کرد.

با این حال طرح مذکور با بررسی‌های صورت گرفته در شورای نگهبان واجد ابهام‌ها و مغایرت‌هایی با اصول قانون اساسی و شرع شناخته شد. از جمله مهم‌ترین و پرتکرارترین ایرادات شورای نگهبان به این طرح، مغایرت برخی احکام و مواد مصوبه با اصل ۸۵ قانون اساسی بود. براساس صدر اصل مذکور «سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل تفویض به دیگری نیست»؛ بنابراین مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری خود و تصمیم‌گیری در خصوص امور تقنینی را به نهادی دیگر واگذار کند و باید خود در آن موارد اقدام به قانون‌گذاری نماید.

با این حال ماده (۲) طرح، شورایی تحت عنوان «شورای ملی تأمین مالی» ایجاد کرده است که در مواد مختلف تصمیم‌گیری در خصوص برخی امور با ماهیت تقنینی مانند «تصویب نحوه تشکیل، فعالیت و نظارت بر موسسات یا صندوق‌های تضمین»، «تصویب ضوابط مشارکت بانک‌ها در طرح‌های سرمایه‌گذاری تولیدی»، «تصویب روش‌های تأمین مالی» و...، که باید توسط مجلس تعیین تکلیف شوند را به این شورا واگذار کرده بود که موارد مذکور در جهت صیانت از صلاحیت انحصاری مجلس در

بر بازار سرمایه منتشر کند. کارآمدی، فرآیند پذیرش، عرضه و معاملات اوراق مربوط به این قانون باید به گونه‌ای طراحی شود که ساده، سریع و کارآمد باشد. حمایت از سرمایه‌گذاران، سازمان بورس باید از حقوق و منافع سرمایه‌گذاران در این زمینه حمایت کند. مکانیزم‌هایی برای جبران خسارات احتمالی سرمایه‌گذاران ایجاد شود. با سوءاستفاده‌ها و تخلفات در این زمینه قاطع برخورد شود. پویایی، سازمان بورس باید به‌طور مستمر قوانین و مقررات مربوط به این قانون را با توجه به شرایط بازار و نیازهای سرمایه‌گذاران به روز رسانی کند.

همچنین، از نوآوری‌ها و ایده‌های جدید در این زمینه استقبال شود. با تجارب سایر کشورها در این زمینه آشنا شده و از آنها الگوبرداری شود علاوه بر موارد فوق، سازمان بورس باید موارد زیر را نیز مد نظر قرار دهد: تسهیل فرآیند ورود شرکت‌های تولیدی و زیرساختی به بازار سرمایه، ایجاد ابزارهای جدید مالی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، حمایت از شرکت‌های دانش بنیان با انجام این اقدامات، سازمان بورس می‌تواند به اجرای صحیح و موثر قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها در بازار سرمایه کمک کند و زمینه را برای رشد و توسعه اقتصادی کشور فراهم نماید.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

این طرح در شش فصل با هدف رفع مشکلات و چالش‌های نظام تأمین مالی و تسهیل آن در اقتصاد کشور در تلاش است تا اصلاحاتی در حوزه‌های مختلف موثر بر نظام تأمین مالی ایجاد کند. «تقویت و توسعه سازوکارهای مکمل تأمین مالی شامل اعتبارسنجی، ضمانت اعتبار و نظام



حوزه مقررات‌گذاری، تدوین و تصویب انبوهی از قوانینی است که بعضاً از کیفیت لازم به لحاظ شکلی و ماهوی برخوردار نیستند که در نهایت اجرا نمی‌شوند یا ناقص اجرا می‌شوند.

اجرا نشدن قانون در بخش‌های مختلف جامعه موجب بروز بی‌عدالتی‌ها و شکل‌گیری رانت‌های گسترده می‌شود که در نهایت، پیامدی جز فساد اقتصادی، هرج و مرج اجتماعی و عدم تخصیص بهینه منابع ندارد. بدیهی است تکثر و تعدد قوانین با فربه شدن نظام حقوقی، زمینه‌ساز فساد و بی‌عدالتی است. تصویب انبوه قوانین و مقررات برای تأمین امنیت اقتصادی کافی نیست، بلکه باید بستر و زمینه اجرای عادلانه و بی‌طرفانه این قوانین نیز ایجاد شود تا بتوان به نتیجه مطلوب دست یافت. به عبارت دیگر، وجود قوانین برای هدفی خاص مانند حمایت از اقتصاد صرفاً بخشی از مسیر تحقق حاکمیت قانون است. وقتی قوانین با ابهام و قابلیت تفسیرهای متعدد تدوین می‌شوند، این احتمال وجود دارد که به‌صورت گزینشی، مطابق با منافع سیاسی و اقتصادی شخصی و گروهی اجرا شوند. در واقع، در چنین حالتی، اجرای قوانین در بستر ساختار انگیزش سیاسی و اقتصادی معنا می‌یابد و این منافع سیاسی و اقتصادی است که تعیین می‌کند کدام قانون اجرا شود و کدام قانون اجرا نشود. در نتیجه، می‌توان عنوان کرد که منافع محدود و کوتاه‌نگرانه برخی تصمیم‌گیران، اجازه دیده شدن و حل بسیاری از چالش‌های اساسی کشور را نمی‌دهد. ایجاد زیرساخت‌های مبتنی بر قوانین کارآمد و تقویت نقش فعال و پویای دولت در ایجاد مقررات خوب منجر به بنا نهادن چهارچوبی می‌شود که مشوق سرمایه‌گذاری و بهبوددهنده توان رقابت‌پذیری اقتصاد در بازارهای جهانی است. بانک جهانی در این زمینه از اصطلاح مقررات‌گذاری موثر استفاده می‌کند که ویژگی‌های آن را ساده‌سازی و اصلاح مقررات در بازارهای رقابتی، تمرکز بر ارتقا و بهبود حقوق مالکیت، گسترش به‌کارگیری فناوری‌های نوین و... می‌داند. نهادهای قانونی با چنین ویژگی‌هایی، حداقل‌کننده هزینه‌ها و اختلالات در بازار، مشوق نوآوری، موافق با اصول رقابت، تجارت و تسهیل‌گذاری سرمایه در سطوح ملی و بین‌المللی هستند و بنابراین، فضای کسب‌وکار را به سمت اطمینان‌بخشی نسبت به امکان سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد سوق می‌دهند. از سوی دیگر، تمرکز بر ارتقای کیفیت نهادهای تنظیم‌گر به‌جای توجه صرف به حذف یا کاهش مقررات، امنیت حقوق مالکیت را که یکی از شاخصه‌های اصلی ظهور و بروز امنیت اقتصادی است، تضمین می‌کند تا اطمینان بخش خصوصی برای مشارکت در اقتصاد جلب شود. چنانچه تعرض به حقوق مالکیت پدیده‌های رایج در اقتصاد باشد، بخش خصوصی یا وارد میدان نمی‌شود یا در صورت ورود، اقتصاد با انحصار خصوصی مواجه می‌شود که در آن، بخش خصوصی با اعمال رفتارهای ضد رقابتی در صدد افزایش سود خود است.

ایران در زمینه تقنینی و نظارتی با مشکل تکثر و تعدد قوانین و اجرایی نشدن قوانین و مقررات فعلی روبه‌روست. در راستای رفع این چالش مهم باید یکی از راهکارهای پیشنهادی زیر در دستور کار حاکمیت قرار گیرد. تنقیح قوانین از طریق راهبردهای به‌روزرسانی قوانین مادر، تدوین قوانین جدید مورد نیاز و حذف قوانین و مقررات زدایی و دست‌وپاگیر توسط شورای عالی فراقوه یا موقت استفاده از ظرفیت قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور (مصوب ۱۳۸۹)

تغییر در رویکرد قانونگذاری و تقویتی جنبه تدوینی آن، هم در مرحله پیش از تصویب و هم در مرحله پس از تصویب قوانین و مقررات بررسی دلایل اجرا نشدن قوانین و مقررات مرتبط با حوزه‌های حساس و دارای اهمیت کشور.

قانون‌گذاری مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شدند. همچنین شورای نگهبان مواد متعددی را نیز به جهت واگذاری صلاحیت آیین‌نامه‌گذاری هیات وزیران و وزرا موضوع اصل ۱۳۸ قانون اساسی به شورای مذکور مغایر با اصل ۱۳۸ قانون اساسی تشخیص داد. از دیگر ایرادات پرتکرار مصوبه، مغایرت احکام واجد بار مالی طرح با اصل ۷۵ قانون اساسی است که براساس آن طرح‌های مجلس نباید منجر به کاهش درآمدهای عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی شوند لکن تکلیف دولت به ایجاد چند سامانه و پیش‌بینی تخفیفات و معافیت‌های مالیاتی در طرح بدون پیش‌بینی طریق تأمین یا جبران آن، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.

در کنار مغایرت‌های طرح با قانون اساسی و شرع، برخی مواد مصوبه نیز به جهت روشن نبودن مقصود قانون‌گذار و ضرورت واضح شدن آن، توسط شورای نگهبان واجد ابهام تشخیص داده شدند تا در نتیجه «طرح تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها» به ضمیمه اظهارنظر شورای نگهبان برای اصلاح و رفع ایرادات و ابهام‌ها به مجلس شورای اسلامی بازگردانده شود. برای فراهم ساختن زمینه‌های رقابت در بازار و ثبات اقتصادی و حصول اطمینان از شفافیت در مبادلات، وجود چهارچوبی از قوانین و مقررات ضروری است. اگر مقررات به‌خوبی هدف‌گذاری و به شیوه مناسبی طراحی و در فرآیند اجرا نیز بی‌عیب و نقص‌سازی پیاده شوند، می‌توانند از پس کاستی‌های بازار برآیند، زمینه حضور بخش خصوصی را فراهم کنند، مشوق توسعه فعالیت‌های اقتصادی باشند و به طور کلی تأمین‌کننده امنیت اقتصادی باشند درحالی که هم‌اکنون یکی از چالش‌های موجود در



پیشنهاداتی برای رییس دولت چهاردهم در حوزه فضای کسب و کار



مقدمه:

فضای کسب و کار مناسب ناشی از سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی و سیاسی در هر کشوری می‌تواند به نتایج مثبت اقتصادی از قبیل رشد پایدار اقتصادی و توسعه صنعتی و رشد صادرات منجر شود. در این خصوص شاخص‌های مختلفی توسط نهادهای بین‌المللی برای تعریف و تبیین این فضا مشخص شده است که ابتدایی‌ترین آنها را می‌توان موارد زیر نام برد:

- شروع کسب و کار (فرآیند ثبت شرکت)
 - اخذ مجوزهای ساخت و ساز (تمامی فرآیندهای لازم از اخذ مجوز تا تاسیس و راه‌اندازی کارگاه)
 - دسترسی به انرژی
 - ثبت مالکیت (فرآیندهای لازم جهت ثبت دارایی در دفاتر اسناد رسمی)
 - اخذ اعتبار
 - امنیت و حمایت از سرمایه‌گذاران
 - پرداخت مالیات
 - تجارت فرامرزی
 - الزام‌آور بودن اجرای قراردادهای
 - رفع مشکل ورشکستگی و عدم پرداخت دیون
- شواهد نشان می‌دهد که وضعیت این شاخص‌ها در ایران بافت و خیزهایی

در دوره‌های مختلف امروزه به دلیل شرایط اقتصادی و سیاسی حاکم در بدترین وضعیت خود قرار دارند که نشان می‌دهد این فضای کسب و کار در ایران علیرغم تایید و تکذیب‌های دوره‌ی بیشتری از سایر کشورها تحت تاثیر عوامل سیاسی داخلی و فضای تعاملات بین‌المللی است. حال با تشکیل زودهنگام دولت چهاردهم باز این سوال پیش آمده است این دولت برای بهبود فضای کسب و کار صرف نظر از اجرایی کردن قوانین مستقر از جمله برنامه هفتم چه اولویت‌هایی را در کوتاه‌مدت در دستور قرار خواهد داد تا بتواند با اجرای آن امکان دستیابی به رشد ۸ درصدی اقتصادی^۱ رشد ۸.۵ درصدی بخش صنعت و رشد ۲۳ درصدی صادرات غیر نفتی در برنامه یاد شده فراهم آید.

دامنه برنامه‌های دولت می‌تواند از انجام اقدامات فوری برای مشکلاتی که با اقدامات و دستورات به نهادهای اجرایی قابل حل است تا انجام اقدامات لازم برای تشویق سرمایه‌گذاری و جلب سرمایه‌گذاران خارجی گسترده باشد. اعلام اولویت‌های اقتصادی دولت چهاردهم می‌تواند قطب‌نمای اقدامات بعدی دستگاه‌های اجرایی باشد. تجربه دولت‌های گذشته و اعلام اولویت‌های اقتصادی مانند طرح تعدیل اقتصادی در دولت سازندگی، طرح سازماندهی اقتصادی دولت اصلاحات و طرح هدفمندسازی دولت عدالت‌محور و نشان داده است اولویت‌های

میان اولویت‌های پراکنده و متعدد و در نهایت عدم حمایت موثر انجام شود، «به‌طور مثال در بودجه سال ۱۴۰۱، بیش از ۱۷۵ هزار میلیارد ریال صرف حمایت از پژوهش‌های توسعه‌ای و کاربردی شده است، این میزان هزینه می‌توانست به بهبود کیفیت تولیدات و رشد بهره‌وری منجر شود، اما به واسطه تکثیر اولویت‌ها اثرگذاری لازم را نداشته است. یکی از عواملی که انسجام سیاست‌گذاری صنعتی را دشوار می‌کند تعدد سازمان‌ها و نهادهای درگیر اعمال سیاست‌های صنعتی است و حداقل ۵۰ سازمان و نهاد (که برخی بیش از ۱۰۰ واحد زیرمجموعه دارند) درگیر اجرای سیاست‌های مختلف صنعتی هستند. هر کدام از این سازمان‌ها و نهادها درگیر اعمال یکی از خط‌مشی‌های صنعتی هستند که هماهنگی مناسبی با سایر سیاست‌ها ندارد» انجمن مدیران صنایع نیز مطالعات زیادی را از زمان تاسیس خود در این زمینه انجام داده است و آمادگی خود را جهت همکاری در تحقق این امر مهم اعلام می‌دارد.

۳- تعریف رابطه معنادار بین دولت و تشکلهای تخصصی



بر اساس تجربه جهانی بدون همراهی تشکلهای تخصصی و نهادهای مدنی موفقیت دولت‌ها در حوزه‌های مرتبط غیر ممکن است در ایران نیز سالیان زیادی است که نقش تشکلهای اقتصادی به عنوان اصلی انکارناپذیر پذیرفته شده است و قوانین مختلفی برای افزایش کارایی و تبیین جایگاه تشکلهای تدوین شده و تشکلهای بزرگی همچون اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی، اتاق تعاون، شورای اصناف و... هر یک به عنوان نماینده بخشی بزرگی از فعالان اقتصادی در کنار دولت و مردم به ایفای نقش پرداخته‌اند. بنابراین انجمن‌های کسب‌وکار باید به عنوان صدای بخش خصوصی شناخته شوند. حاکمیت و دولت می‌بایست بپذیرند که مشارکت دادن تشکلهای اقتصادی در تصمیم‌گیری‌ها اقدامی ناگزیر و لازم است که سود آن می‌تواند در آینده کشور به خوبی قابل لمس باشد و حوزه‌هایی مانند قیمت‌گذاری، تنظیم بازار، تنظیم سیاست‌های مالی و... از این تشکلهای نظرخواهی یا به آنها تفویض اختیار شود.

لذا یکی دیگر از خواسته‌های اصلی این انجمن تعریف جایگاه نظام‌مند فراتر از روابط اداری صوری و درخور، برای تشکلهای از طرف دولت جهت ایفای نقش خود در توسعه صنعتی و اقتصاد کشور است تا علاوه بر ارتقای جایگاه تشکلهای برای همراهی دولت چهاردهم جلوی تکرار آن دسته از اقداماتی که از طرف دولت در سال گذشته در مورد انتخابات اتاق ایران اعمال شد و عملاً این نهاد کلیدی را از حیز انتفاع ساقط کرد با استقرار دولت چهاردهم به‌طور کامل متوقف شود.

اعلامی دولت‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و همین اولویت‌ها در عمل سرلوحه اقدامات و تصمیمات آینده دولت در ارایه برنامه‌های توسعه‌ای، بودجه‌های سنواری و سایر مقررات توسعه‌ای خواهد بود. لذا انجمن مدیران صنایع نیز در نظر دارد با توجه به بیش از ۴ دهه تجربه خود در تعامل با دولت‌ها جهت ارایه پیشنهادهای راهگشا در این حوزه پیشاپیش آمادگی خود را جهت تحقق این خواسته‌ها اعلام دارد این خواسته‌ها که به شرح زیر اعلام می‌شود با توجه به شعارهای اعلامی رییس‌جمهور محترم جناب آقای دکتر پزشکیان و برنامه هفتم ابلاغی و میزان امکان‌پذیری آن در کوتاه‌مدت به شرح زیر ارایه شده است.

۱- پایبندی به پارادایم‌های فناورانه اداری در انتخاب وزرا و سایر کارگزاران

شاخص‌های کلیدی در انتخاب وزرا همانند صداقت، شجاعت، قانون‌مداری و همراستایی با ارزش‌های اعلامی رییس‌جمهور منتخب، سوابق علمی و اجرایی و... خوشبختانه توسط کمیته‌های منتخب ایشان تعیین و ابلاغ شده است ولی به ظاهر چند نکته در این میان مغفول مانده است و آن نوع نگاه و اعتقاد ملی آنها به بهره‌گیری از پتانسیل‌های تشکلهای تخصصی، تسلط آنها به کلان روندها و پارادایم‌های ملی و جهانی در بخش‌های مختلف است که به برخی از این مهارت‌ها اشاره می‌شود چه اینکه عدم توجه به این شاخص می‌تواند نظام اداری را در مقابل کلان روندها قرار داده و مستهلک نماید:

- توانایی وزرا در تلفیق تکنولوژی و نظام بروکراسی و مقررات موجود
- انعطاف‌پذیری در مورد تحولات سرمایه‌گذاری‌های تکنولوژیک محور در لایه‌های مختلف
- تسلط به نحوه بهره‌گیری از رسانه‌های ترکیبی برای انعکاس عملکرد سازمان متبوعه
- مدیریت الگوی رفتاری نظام اداری منطبق با تکنولوژی هوش مصنوعی و هدایت وزارتخانه یا سازمان تحت پوشش خود به سمت نظام اداری هوشمند
- حفظ و جذب نیروهای خلاق و منعطف برای تغییرات تکنولوژیک جهت هدایت محیط در حال تحول کسب و کارها و ایجاد سازگاری بین حفظ نیروی کارآمد مجرب و جذب نیروی انسانی همراستا با تحولات تکنولوژیک
- اعتقاد عملی به الگوی آموزشی جهت‌دهنده در نظام سازمانی
- اعتقاد عملی به اشتراک‌گذاری دستاوردهای درون سازمانی جهت برون‌رفت از انحصار داده‌ای
- اعتقاد عملی به پایداری زیست محیطی در عرصه مدیریتی خود

۲- تدوین و ابلاغ استراتژی توسعه صنعتی

یکی از اولین خواسته‌های این انجمن تدوین و ابلاغ سند استراتژی توسعه صنعتی است. بیش از ۴۰ سال است که بر ضرورت داشتن یک سند یا استراتژی برای توسعه صنعتی ایران تاکید می‌شود ولی رغبت مطالعات گسترده در این چهار دهه تدوین این سند راهبردی و اجرای آن هیچگاه به ثمر نرسیده است. نبود این سند به عدم انسجام سیاستی منجر می‌شود و فقدان انسجام سیاستی موجب می‌شود تا در عمل اولویت بندی‌های مختلفی از سوی دستگاه‌ها اعمال شود و تقسیم منابع حمایتی

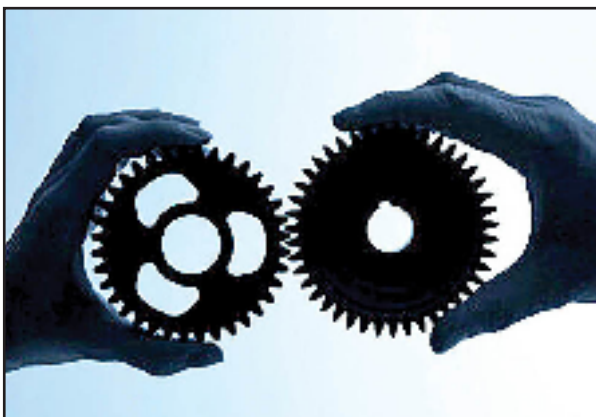
۴- تعیین تکلیف وضعیت عضویت ایران در FATF



مقررات FATF و محدودیت‌های تبادلات مالی ایران با کشورهای طرف تجاری، منجر به محدودیت دسترسی به تبادلات ارزی شده است و لذا اصلی‌ترین محدودیت مبادلات تجاری و عرضه ارز و افزایش نرخ آن است. همان‌طوری که خود رییس‌جمهور محترم نیز در شعارهای انتخاباتی بارها و بارها به درستی اشاره کرده‌اند بدون حل این معضل همه تلاش‌ها دست و پا زدن بدون نتیجه در قفس است برای کاهش هزینه مبادله مربوط به این وضعیت تعیین تکلیف مربوط به عضویت ایران در FATF الزامی است.

لذا اصلی‌ترین درخواست این تشکل دیرینه رفع این معضل به هر طریق ممکن است چه اینکه بدون پیوستن به نظام مالی بین‌المللی هیچ‌گونه راه‌حل پایداری برای مشکلات اقتصادی متصور نیست.

۵- تنظیم مقررات دقیق در خصوص قراردادهای فیما بین بخش خصوصی با دولت و شرکت‌های دولتی



یکی از مسائل بحرانی قراردادهای فیما بین بخش خصوصی و شرکت‌های دولتی و بخش خصوصی موضوعات قراردادهای است «بررسی ۱۳۶ قرارداد دولتی نشان داده است که ۵۴٪ آنها دارای ایراداتی در زمان انعقاد قرارداد بوده و ۲۷٪ آنها دچار اجرای ناقص، یعنی در مرحله بهره‌برداری بوده‌اند و تنها ۱۶٪ آنها فاقد اشکال می‌باشند»

ارزیابی نادرست اولیه در پیمان‌ها؛ عدم تخصیص اعتبار صحیح؛ تعارض میان اسناد مناقصه و قراردادها؛ عدم پیش‌بینی مقررات یا قواعد مرتبط با تغییرات احتمالی مانند تغییر قوانین و آیین‌نامه‌ها؛ عدم اهمیت به اراده بخش خصوصی؛ عدم دقت کافی در احراز صلاحیت پیمانکاران؛ کمبود

نقدینگی و عدم پرداخت به پیمانکاران؛ مجزا بودن بخش خرید و بخش مهندسی و اجرا؛ مرحله نظارت بر پروژه‌ها و فسخ ناموجه پیمان‌ها؛ از جمله این مشکلات در قراردادهاست و در کنار اینها به دلیل نااطمینانی فضای اقتصادی ناشی از تغییرات مداوم نرخ ارز و نرخ تورم در عمل بودجه‌های پیش‌شده منطبق بر واقعیت‌های اقتصادی نیست و این موضوع عملاً نظام مدیریت مالی هر پروژه تعریف شده مابین دولت و بخش خصوصی را دچار دگرگونی اساسی می‌کند و قراردادهای فی مابین را از ضمانت اجرا ساقط می‌کند. جهت حل این معضل، دولت نرخ ارز رسمی را مبنای مبادله قراردادهای قرار می‌دهد که آن هم به دلیل فاصله حداقل ۳۰ درصدی با بازار امکان پوشش هزینه‌های تمام شده قراردادهای را ندارد. تبعات این نوع قراردادهای پروژه‌های ناتمام، مطالبات پیمانکاران از دولت، قراردادهای باز، ضمانت‌نامه‌های بلوکه شده طرف قراردادهای دولت، عدم امکان اخذ ضمانت‌نامه‌ها توسط بخش خصوصی و قفل‌شدگی نظام مالی بخش خصوصی است که در عمل باعث می‌شود هیچ نوع تقاضایی هم برای تولید شکل نگیرد و موجب ورشکستگی بی در پی بخش تولید شود، این در حالی است که اندک پیشرفتی هم که در پروژه‌ها نیز با هزینه‌های سرسام‌آور حاصل می‌شود بازگشت دیرینه‌نگام طی زمان طولانی ارزش خود را از دست می‌دهد. لذا یکی دیگر از تقاضاهای انجمن این است که در کنار مدیریت نرخ‌های اصلی مانند نرخ تورم جهت کاهش هزینه تمام شده با همکاری قوه قضاییه و سازمان برنامه بودجه و شرکت‌های کارفرمایی نسبت به تدوین چارچوب‌های تنظیم‌گری جهت رفع اختلافات قراردادهای نحوه تعدیل؛ تسویه به موقع قراردادهای تسهیل فرآیندهای بیمه و تامین اجتماعی و آزادسازی به موقع ضمانت‌نامه‌ها برای رفع قفل‌شدگی مالی بخش خصوصی اقدام نماید و در کنار آن اجرای کامل تبصره بند ت ماده ۴ در خصوص تسویه الکترونیکی قراردادهای و بند ج ماده ۱۱۳ برنامه هفتم در خصوص قراردادهای صلح را در اولویت قرار دهد.

۶- تک‌نرخی کردن ارز و پای‌بندی کامل به عدم قیمت‌گذاری در کالاهای بازاری



همان‌طوری که در صحبت‌های خود رییس‌جمهور محترم هم بارها تاکید شده است ارز چند نرخ با قیمت غیرواقعی منشأ و مبدأ فساد و رانت است. قیمت‌گذاری مواد اولیه حوزه فولاد، پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی بر اساس این نرخ‌ها به ویژه در بورس کالا در طول سالیان گذشته نتیجه‌ای جز توزیع رانت و فرار مالیاتی به دنبال نداشته است و ما تولیدکنندگان تاکیداً تقاضا داریم تا مبنای قیمت‌های مواد اولیه

تجدیدپذیر برای تولید برق در کشور حدود ۱۲۴ گیگاوات برآورد شده است. انرژی خورشیدی با ۷۱ گیگاوات و بادی با ۴۹ گیگاوات بیش از ۹۷ درصد از کل پتانسیل موجود کشور در این حوزه را به خود اختصاص می‌دهند و به همین دلیل بایستی در اولویت قرار گیرند.

کشور ایران دارای پتانسیل بسیار کم نظیری در عرصه انواع شکل‌های انرژی تجدیدپذیر علی‌الخصوص انرژی‌های بادی و خورشیدی است. وجود بزرگ‌ترین تونل بادی جهان در ایران و در تونل بادی شرق کشور یکی از جلوه‌های این پتانسیل خدادادی است.

توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر موضوعی است که در دنیا مورد توجه است؛ اما در کشور ما به‌رغم وجود الزامات قانونی، به دلیل نبود امنیت سرمایه‌گذاری در صنعت برق، همچنین کمبود منابع برای توسعه این انرژی‌ها در بخش دولتی، شاهد روند کند در این زمینه بوده‌ایم. با این وجود در سال گذشته با راه‌اندازی تابلوی سبز در بورس انرژی، بخشی از امنیت سرمایه‌گذاری در این بخش تأمین شده است.

لذا انتظار می‌رود دولت محترم با تکیه بر این پتانسیل و با استفاده از تجارب جهانی زمینه‌سازی توسعه هر چه سریع‌تر انرژی‌های تجدیدپذیر را در کشور که اتفاقاً مورد تأکید رییس‌جمهور محترم هم هست، فراهم نماید لازم به ذکر است که ایجاد نیروگاه‌های بادی در مناطقی مانند خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان خود صرفه‌های خارجی زیادی نیز در این مناطق در بر خواهد داشت. در این راستا لازم است به موارد زیر توجه ویژه‌ای مبذول گردد:

- تضمین در تسویه بازپرداخت سرمایه‌گذاری‌های انجام شده موضوع ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید
- فراهم نمودن امکان صادرات انرژی تجدیدپذیر در ساعات غیر اوج مصرف
- با توجه به ماده (۱۰) قانون مانع‌زدایی از توسعه صنعت برق پیشنهاد می‌شود تا با حذف تدریجی قیمت‌گذاری در زنجیره تولید تا مصرف برق و ارایه یارانه مستقیم به جامعه هدف، علاوه بر تشویق به بهره‌ور شدن زنجیره تولید، تولید برق تجدیدپذیر، رقابتی شود.
- الزام مشترکان اداری به تأمین برق از منابع تجدیدپذیر (مشابه ماده (۱۶) قانون چشم تولید دانش‌بنیان مبنی بر تأمین ۵ درصد برق صنایع از محل انرژی تجدیدپذیر)
- رفع موانع جهت تشویق سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی از طریق تسهیل فرآیندهای مناقصات و امکان ارایه ضمانت معتبر جهت تضمین سرمایه این سرمایه‌گذاران

۸- لغو بخشنامه‌های محل تولید

بر اساس مطالعات اتاق ایران در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ حدود ۱۷۵۸ بخشنامه و دستورالعمل گمرکی ابلاغ شده است البته این وضعیت در سال‌های اخیر نیز ادامه داشته است. این نوع بخشنامه‌ها به‌طور طبیعی قدرت پیش‌بینی فعالان اقتصادی را از بین برده و نظام تولید را نیز درگیر مشکلات مختلف می‌کند. بر اساس همین گزارش ۴۸ درصد از بخشنامه‌های ابلاغی مربوط به صادرات و ۳۶ درصد مربوط به واردات و ۱۶ درصد مرتبط با هر دو حوزه بوده است. ضمن اینکه از میان ۸۴۲ بخشنامه صادر شده در حوزه صادرات، ۶۰۱ مورد ماهیت محدودکنندگی برای صادرکنندگان داشته است. همچنین بررسی این آمار بیانگر آن است که بیشترین بخشنامه‌ها در سال ۹۷ و همزمان با خروج امریکا از برجام

و محصولات حاصل از آن فقط از طریق مکانیسم بازار تعیین شود و موضوع توزیع درآمدی از طریق نهادهای حاکمیتی از جمله سازمان امور مالیاتی انجام شود. در این بسترهاست که قیمت‌ها علامت‌دهنده اصلی سرمایه‌گذاری‌ها خواهد شد و سرمایه‌ها به بهره‌ورترین بخش سوق پیدا خواهد کرد. لذا همانطور که ایشان در مناظره‌ها هم بارها اعلام کردند با اتکا به تجارب موفق جهانی این نوع سیاست‌گذاری را برای یک‌بار به مرحله اجرا در بیاورند که هم باعث حذف رانت، هم باعث تسهیل تجارت و هم باعث افزایش صادرات در کالاهای دارای مزیت و بازگشت به موقع ارز و لغو بخشنامه‌های مکرر فسادزا خواهد شد و هم سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را وارد عرصه شفاف سرمایه‌گذاری خواهد کرد.

۷- حل معضل انرژی با اتکا به روندهای جهانی مبتنی بر انرژی‌های تجدید پذیر



۷۵ درصد از سبد انرژی کشور به گاز طبیعی اختصاص دارد. در حال حاضر میزان تولید گاز طبیعی در کشور ۲۵۷ میلیارد متر مکعب در سال (سهیم ۶/۴ درصدی ایران از کل تولید دنیا) است؛ در حالی که مصرف ۲۴۱ میلیارد متر مکعب گاز در سال، سهیم ۶ درصدی از کل مصرف دنیا را به ایران اختصاص داده است. عدم تحقق ظرفیت‌های پیش‌بینی شده برای تولید گاز طبیعی در کشور، خصوصاً در میدان گازی پارس جنوبی، باعث کمبود تولید گاز در کشور شده است. بر اساس روند مشاهده شده در سال‌های اخیر، پیش‌بینی می‌شود ناترازی برق در سال آینده به ۲۴۰۰۰ مگاوات برسد. جدول زیر نشان‌دهنده سهم انواع نیروگاه‌ها در تولید ۹۳،۰۰۰ مگاوات برق در کشور است.

نوع نیروگاه	حرارتی	برقایی	تولیدبراکنده (DG)	تجدیدپذیر	اتمی	دیزل	مجموع
ظرفیت (مگاوات)	۷۵،۷۶۷	۱۲،۱۴۴	۲،۴۸۵	۱،۱۸۶	۱،۰۲۰	۴۰۸	۹۳،۰۱۰
درصد از کل	۸۱،۵%	۱۳،۱%	۲،۷%	۱،۳%	۱،۱%	۰،۴%	۱۰۰%

عدم تنوع در پرتفوی انرژی کشور به خصوص سهم بسیار ناچیز انرژی‌های تجدیدپذیر (حدود یک درصد!) در این سبد، مشکلات عدیده‌ای را در راستای تأمین انرژی در کشور ایجاد نموده است. باوجود حکم قانونی برنامه ششم توسعه مبنی بر سهم ۵ درصدی توان تولید برق تجدیدپذیر، همان‌گونه که اشاره شد، تنها یک درصد توان اسمی نیروگاه‌های برق کشور مرتبط با انرژی‌های تجدیدپذیر است. مجموع ظرفیت انرژی‌های

- توسعه روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای دیگر و جذب سرمایه‌گذاری خارجی از طریق توافقات تجاری و مالی.
- همکاری با نهادهای بین‌المللی مالی و سرمایه‌گذاری برای جلب اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی.
- تنظیم سیاست‌های ارزی برای جذب سرمایه‌های خارجی و تشویق به سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه.
- عرضه محصولات شرکت‌های دولتی و عمومی و انجام مناقصات در بورس‌های کالایی
- تامین مالی برای پروژه‌های توسعه صنعت و کشاورزی در قالب سهام پروژه، شرکت پروژه، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و...
- ایجاد بازارهای تخصصی برای جذب سرمایه‌گذاری در حوزه فناوری و نوآوری
- معرفی ابزارهای مالی مرتبط با رمز ارزها
- ایجاد بسترهای قانونی و مالی برای پذیرش و رشد فناوری‌های نوین مرتبط با رمز ارزها.
- تقویت نهادهای نظارتی برای جلوگیری از فعالیتهای غیرقانونی و کلاهبرداری در بازار رمز ارزها.
- راه‌اندازی بورس ارز و طلا

۱۰- ارتقا جایگاه سازمان برنامه بودجه و ضرورت استقلال بانک مرکزی



یکی از سازمان‌های اصلی که نقش بسزایی در راهبری توسعه و پیشرفت اقتصادی ایران دارد، سازمان برنامه و بودجه است. سازمان برنامه باید بحران‌های کشور، اعم از بی‌کاری، تورم، فقر، فساد و... را رصد و راه‌حل ارائه کند و بر اجرای برنامه‌های دستگاه‌های اجرایی نظارت

صادر شده است. که این نیز خود بیانگر آثار تخریبی عدم تعاملات درست بین‌المللی است. سیاست‌گذاران نیز برای خروج از این شرایط بحرانی، برنامه‌ها و اقدامات متعددی را در دستور کار خود قرار دادند و در نتیجه بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های متعددی توسط دستگاه‌های اجرایی صادر شد این موضوع هم نشان می‌دهد که عدم حل مساله بین‌المللی در هر صورت می‌تواند به عنوان یک معضل اصلی سایر بخش‌ها را نیز متاثر سازد. اساساً دولت باید با بهبود فضای اقتصاد کلان زمینه صدور بخشنامه‌های پی در پی را از بین ببرد.

۹- شفاف‌سازی فعالیتهای اقتصادی شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی اقتصادی از طریق بورس



در شرایط فعلی نهاد بورس به چند دلیل از جمله انتصابات سیاسی مدیران، عدم بهره‌گیری از تکنولوژی جهانی برای ارتقا فناوری ابزارهای معاملاتی و نظارت بر آنها و به روز نبودن قوانین و مقررات حاکم بر آن نه در بعد شفاف‌سازی و نه در بعد تامین مالی شرکت‌های حاضر در بورس به موفقیتی دست پیدا نکرده است لذا در این باره پیشنهاد می‌شود موارد زیر در دستور کار متولیان این نهاد قرار گیرد:

- انتصاب مدیران سازمان بورس و بورس‌ها براساس معیارهای شایسته‌سالاری
- الزامی کردن گزارش‌های مالی و اطلاعات شرکت‌های دولتی و شرکت‌های وابسته به نهادهای عمومی به صورت شفاف و منظم
- تقویت نظارت بر عملکرد مدیران و اعضای هیات‌مدیره شرکت‌ها به‌ویژه دولتی
- ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی عمومی برای دسترسی آسان به اطلاعات شرکت‌ها
- تقویت زیرساخت‌های فناوری بورس با بهره‌گیری از آخرین معیارهای تکنولوژیک
- بازنگری و به‌روزرسانی قوانین و مقررات بازار سرمایه برای تطابق با استانداردهای بین‌المللی
- ایجاد سیستم‌های پیشرفته نظارتی برای رصد و تحلیل فعالیتهای بازار به‌صورت لحظه‌ای
- افزایش استقلال و توانمندی سازمان بورس و اوراق بهادار در نظارت و کنترل بازار
- ارایه تسهیلات برای ورود سرمایه‌گذاران خارجی به پروژه‌های مشترک با شرکت‌های داخلی

دولت جهت تأمین مالی کسری بودجه خود از جمله مهم‌ترین عوامل موثر در افزایش رشد نقدینگی در سال‌های اخیر بوده است.

در همین راستا بخشی از خلق پول به وجود آمده در بانک‌ها نشأت گرفته از معضلات ساختاری نظام بانکی است که صرفاً با حفظ استقلال بانک مرکزی که در قانون جدید تا حدودی زمینه‌سازی شده است می‌توان آن را مهار کرد.

لذا از جمله خواسته‌های اصلی فعالین اقتصادی عضو این انجمن عمل به مر قانون در راستای حفظ استقلال بانک مرکزی است تا بانک مرکزی بتواند برای اتخاذ تصمیم در حوزه وظایف خود به تمام ابزارها و اختیارات لازم دسترسی داشته باشد و کسری بودجه دولت‌ها منجر به افزایش حجم نقدینگی و رشد تورم نگردد و بانک مرکزی بتواند با اعمال سیاست‌های لازم، به موقع از رشد شاخص‌های موثر بر تورم جلوگیری کرده و اجازه افزایش تورم را ندهد.

۱۱- اصلاح فرآیند ذینفع واحد، یک معضل کلیدی در نظام

بانکی کشور



از نظر بانکی، روابط نزدیک مدیریتی یا سهامداری بین چند شرکت، یا بین یک بانک و شرکت‌های وابسته و تحت مدیریت آن بانک، «ذینفع واحد» را محقق می‌سازد و ریسک عملیاتی بانک‌ها را به شدت افزایش می‌دهد طبیعی است که در صنعت بانکداری، پرداخت تسهیلات کلان یا ارایه تعهدات بانکی نظیر ضمانتنامه و اعتبارات اسنادی، مبتنی بر ارزیابی دقیق ریسک عملیاتی بانکی باید باشد. بانک‌ها بر مبنای این قاعده نبایستی به‌طور بی حساب و کتاب و بدون ارزیابی دقیق میزان ریسک عملیاتی، تسهیلات کلان ارایه دهند یا تعهدات کلان برعهده بگیرند؛ زیرا بی حساب و کتاب تسهیلات پرداختن و تعهدات مشتریان بانک را برعهده گرفتن در نهایت به افزایش حجم مطالبات معوق و بحران مالی بانک منجر خواهد شد. که اصلی‌ترین نکته در همین زمینه، توجه به تسهیلات تکلیفی و دستوری است که ویژگی ارزیابی ریسک را از بانک‌ها می‌گیرد و آنان را عملاً به صندوق پرداخت تبدیل می‌کند؛

اجرای این سیاست درست، ابتدا باید در خصوص خود بانک‌ها به کار برود در صورتی که بر عکس بانک‌ها علیه تولیدکنندگان به کار می‌گیرند. این شیوه اجرا مشکلات زیادی برای تولیدکنندگان ایجاد می‌کنند. یکی از مشکلات اجرای این مقرره این است که در صورتی که یک نفر سهامدار دو شرکت باشد، در یک شرکت چک برگشتی داشته باشد، حساب شرکت دیگر هم بلوکه می‌شود و فعالیت دو مجموعه که با هم ارتباطی غیر از یک سهامدار مشترک دارند؛ متوقف می‌شود که عمده شرکت‌های کشور را با مشکل مواجه کرده و خواهد کرد.

کند. برخی پژوهش‌ها حکایت از کاهش ضریب تحقق اهداف اقتصادی از برنامه‌های اول تا پنجم توسعه کشور دارد که می‌تواند این فرضیه را شکل بدهد که کارآمدی و اثربخشی نهاد متولی برنامه‌ریزی در طول زمان رو به کاهش گذاشته است. به عبارت دیگر میزان تحقق اهداف اقتصادی در برنامه‌های توسعه اول، دوم و سوم بالنسبه بالاتر از برنامه‌های توسعه چهارم و پنجم ارزیابی شده است. از طرف دیگر در زمینه ارزیابی عملکرد نظام برنامه‌ریزی کشور به اهم یافته‌های دیوان محاسبات کشور در ارزیابی برنامه توسعه ششم هم می‌توان اشاره کرد. رییس سابق دیوان محاسبات کشور در مراسم رونمایی از گزارش ارزیابی عملکرد برنامه توسعه ششم اعلام کرد که با بررسی کل ۵۲۰ بند و تبصره احکام برنامه، ۳۰ درصد احکام برنامه ششم محقق شده و انحراف در برخی شاخص‌های تدوین شده در برنامه ششم مشهود است. نتایج این گزارش حکایت از آن دارد که هدفگذاری قانون‌گذار در ۳۰ درصد به‌طور کامل محقق شده، در ۲۲ درصد احکام محقق نشده و در ۴۸ درصد احکام بخشی از آنها محقق شده است. مهم‌ترین دلایل عدم دستیابی حداکثری به اهداف تعیین شده در قانون برنامه ششم توسعه می‌توان به نبود اطلاعات آماری متقن و به روز، عدم برنامه‌ریزی درست، فقدان منابع مالی لازم و متناسب، عدم هماهنگی بین بخشی، عدم تصویب آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، سایر مقررات قانونی مرتبط با احکام یادشده، نگاه سیاست‌گذاری به موضوع به جای تدوین موارد عملگرایانه، وجود نگاه آرمانی به برنامه و در نهایت تحریم‌های بین‌المللی و عدم توجه به ظرفیت‌های مشارکتی مردم و سازمان‌های مردم نهاد اشاره کرد؛ لذا نگاه کارشناسی به ماهیت سازمانی سازمان برنامه بودجه و تاکید بر وظایف تعدیل شده آن براساس الزامات روز در قالب ماده ۵ قانون برنامه و بودجه مصوب سال ۱۳۵۱ ضروری است

۱- انجام مطالعات و بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی به منظور برنامه‌ریزی و تنظیم بودجه و تهیه گزارش‌های اقتصادی و اجتماعی.

۲- تهیه برنامه درازمدت با تبادل نظر با دستگاه‌های اجرایی و تسلیم آن به شورای اقتصاد.

۳- تهیه برنامه توسعه پنجساله طبق فصل چهارم این قانون.

۴- پیشنهاد خط‌مشی‌ها و سیاست‌های مربوط به بودجه کل کشور به شورای اقتصاد.

۵- تهیه و تنظیم بودجه کل کشور.

۶- نظارت مستمر بر اجرای برنامه‌ها و پیشرفت سالانه آنها طبق مفاد فصل نهم این قانون.

۷- هماهنگ نمودن روش‌ها و برنامه‌های آماری کشور.

۸- ارزشیابی دارایی و عملکرد دستگاه‌های اجرایی کشوری و گزارش آن به رییس‌جمهور.

۹- بررسی گزارش‌ها و مسائلی که باید در شورای اقتصاد مطرح شود. از طرف دیگر در طول دو دهه اخیر حجم نقدینگی به‌طور متوسط در حدود ۲۷,۷ درصد رشد داشته که یکی از دلایل افزایش تورم و هزینه‌های طرف تولید محسوب می‌شود. معضل رشد بالای نقدینگی، یک چالش ساختاری برای اقتصاد ایران بوده و رشد بالا و پرنوسان این متغیر در تمام دولت‌های بیست سال گذشته وجود داشته است. به دلیل اینکه اقتصاد ایران در سال‌های اخیر در معرض شدیدترین تحریم‌های مالی و اقتصادی بین‌المللی نبر قرار گرفته است که با کاهش شدید درآمدهای ارزی دولت، بروز نابسامانی در بازار دارایی‌ها و به تبع آن افزایش محدودیت‌های مالی

اساس اصل ۷۹ قانون اساسی، با مسوولیت اداره کشور و تصمیم‌گیری‌ها به قوه مجریه واگذار شود و سایر قوا به نقش‌های اصلی خود بازگردند تا مسوولیت تصمیم‌گیری‌ها و پاسخگویی‌ها در قبال تصمیمات و نیز نظارت بر آنها امکان‌پذیر باشد.

۱۳- تعیین تکلیف جایگاه بنگاه‌های اقتصادی وابسته به نهادهای نظامی و مذهبی

یکی از چالش‌های اصلی که در سال‌های اخیر در حوزه رقابت اقتصادی خود نمایی می‌کند حضور بنگاه‌های اقتصادی وابسته به نهادهای نظامی و عمومی مذهبی است. اگرچه وجود تحریم‌ها و به اقتضای آن شرایط حاکم اقتصادی بسته، خود به خود زمینه اصلی حضور چنین نهادهایی را فراهم می‌کند ولی خود دولت نیز با اعمال تمهیدات مختلف در فرآیندهای کسب و کار از جمله اخذ ضمانت‌های آسان شرکت در مناقصات، جذب نیروی انسانی با بالاترین پرداختی، دسترسی آسان به منابع ارزی به بهانه دور زدن تحریم‌ها، رانت‌های اطلاعاتی و حتی معافیت‌های مالیاتی صرف‌نظر از اعداد و ارقام ضد و نقیض در خصوص میزان حضور شان در اقتصاد این بنگاه‌ها را به فعال مایشا در عرصه اقتصادی تبدیل کرده است. به طوری که اکثر ارجاع کارهای بزرگ صرفاً از طریق این بنگاه‌ها توسط دولت انجام می‌شود و کارآمدترین بنگاه‌های بخش خصوصی تنها به عنوان یک پیمانکار فرعی این بنگاه‌ها با حداقل سود، جهت ادامه بقا فعالیت می‌کنند و قدرت بنگاه‌های اقتصادی استان‌ها تا جایی که پیش رفته است که در اجرای حکم قانونی یک واگذاری قانونی به مدت سه دهه در مقابل قوه قضاییه ایستادگی کرد. لذا اکیدا پیشنهاد می‌شود که دولت محترم چهاردهم ضمن تسهیل فضای کسب و کار بین‌المللی جهت هدایت این نهادها به وظایف اصلی خود به صورت مرحله‌ای طی زمانبندی مشخصی از بودجه سال ۱۴۰۴ نسبت به پیش‌بینی بالاترین رقم بودجه‌ای ممکن برای تقویت بدنه اصلی نیروهای مسلح به عنوان اصلی‌ترین نهاد دفاعی و امنیتی کشور اقدام نماید و همزمان با تفکیک بنگاه‌های اقتصادی صرف از اندک بنگاه‌های تولیدکننده تجهیزات امنیتی برنامه زمان‌بندی مشخصی را جهت واگذاری این نوع بنگاه‌ها و بنگاه‌های وابسته به نهادهای مذهبی تا پایان سال ابلاغ نماید

منابع و ماخذ: منابع و ماخذ در صورت نیاز نزد انجمن می‌باشد.

در صورتی که شرکت‌هایی که یک فرد مشترک در آنها سهامدار است در حوزه‌های متفاوتی فعالیت کنند؛ دیگر لزومی ندارد ریسکشان به یکدیگر تسری داده شود. دلایلش هم این است که، چون این کسب و کارها با یکدیگر متفاوت بوده و کالا و خدمات مختلفی را تولید و ارائه می‌کنند؛ ناتوانی در بازپرداخت تسهیلات توسط یکی ربطی به دیگری نداشته و نباید مانع پرداخت تسهیلات و بلوکه کردن حساب آنها شود.

لذا اکیدا تقاضا می‌شود که ابتدا این موضوع به مدت حداقل چند سال صرفاً در خود شرکت‌های وابسته بانک‌ها و شرکت‌های دولتی و بخش عمومی اعمال شود و پس از ارزیابی‌ها آیین‌نامه اصلاح و به بخش خصوصی تسری داده شود در صورتی که در شرایط فعلی بانک‌ها نه روی شرکت‌های وابسته و دولتی بلکه بیشتر روی بخش خصوصی جاری‌سازی می‌کنند.

۱۲- تعیین تکلیف نهادهای متعدد قانونگذاری (نهادهای شورایی)

فعالیت اقتصادی به هرنوع مکانیسمی که فاقد شفافیت است به شدت واکنش منفی نشان می‌دهد یکی از این مکانیسم استقرار شوراهای مختلف است که اساس تقسیم کار قوا را مختل می‌کنند یعنی نهادهایی که بدون سابقه قانونگذاری تشکیل شده باشند و ساز و کار تصمیم‌گیری و نظارت‌پذیری آنها مبهم باشد. از جمله شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا و ستاد تدابیر ویژه مقابله با تحریم و سایر نهادهای مشابه.

به عنوان نمونه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا برای تصمیم‌گیری درباره معضلات اساسی اقتصاد کشور و در خردادماه ۱۳۹۷ به منظور مقابله با تصمیم خروج از برجام تشکیل شد و اکنون درباره امور اساسی کشور به جای نهادهایی چون دولت، مجلس شورای اسلامی، بانک مرکزی، شورای عالی امنیت ملی تصمیم‌گیری می‌کند. این شورا در حوزه‌های مختلفی تصمیم‌گیری نموده است از جمله اوضاع بانکی، اشتغال و سرمایه‌گذاری، رسیدگی به وضع محرومان و مستضعفان، بودجه و انضباط مالی، حمایت از تولید ملی و کالای ایرانی، چاره‌اندیشی برای هرگونه احتمال در برجام. کلیه این موضوعات می‌تواند در نهادها و دستگاه‌های موجود و با بررسی‌های کارشناسی اقدام و انجام شود که امکان نظارت و پاسخگویی نیز وجود داشته باشد.

اکیدا پیشنهاد می‌شود تشکیل نهادهای اینچنینی در مواقع اضطراری (بر



گفت‌وگو با مشاور رهبر انقلاب در امور بین‌الملل

ایران، روسیه و چین؛ سه قدرت مهم و مستقل در مقابل توسعه‌طلبی آمریکا و غرب

در هفته‌ای که گذشت رؤسای جمهور روسیه و ترکیه با رهبر انقلاب اسلامی دیدار و گفت‌وگو کردند. این دیدارها همزمان با اجلاس سه‌جانبه‌ی موسوم به آستانه برگزار شد و محتوای آن بازتاب مختلفی در رسانه‌های بین‌المللی و افکار عمومی داشت. رسانه KHAMENEI.IR در گفت‌وگویی تفصیلی با آقای دکتر علی‌اکبر ولایتی مشاور رهبر انقلاب اسلامی در امور بین‌الملل، به بررسی محورهای مهم و متنوع که در این دیدارها درباره آن‌ها بحث و تبادل نظر شد، پرداخته است.



*** با توجه به سفر اخیر مقامات دو کشور روسیه و ترکیه به ایران و برگزاری نشست سه‌جانبه، در ابتدا می‌خواهیم منطق ارتباط با شرق و شکل‌گیری نگاه به شرق و به‌طور کلی ارتباط با همسایگان و خصوصاً روسیه را بررسی کنیم. نظر جنابعالی نسبت به این ارتباطات و روابط هم‌پیمانی با چین و روسیه در مقابل ارتباط با غرب و آمریکا چگونه است؟**

نگاه به شرق نگاهی است که هم امام فرمودند هم رهبر انقلاب؛ یعنی اینکه ما نگاهمان به‌سمتی باشد که در حال طلوع است. در حال حاضر، مشخصاً شاهدیم شرق در حوزه‌های مختلف به پا خورده است؛ هند یک‌جور، چین یک‌جور، روسیه یک‌جور و دیگر کشورهای آن منطقه هم جور دیگر. حضرت امام و آقا فرمودند کشف شرق در حال طلوع اهمیت دارد. یک موقع با صدراعظم آلمان، آقای کُهل در بُن ملاقات داشتیم. کنار هم نشسته بودیم که گفت زمانی آقای گورباچف در جای شما کنار من نشسته بود و به ما گفت: همان‌طور که آب رودخانه راین می‌رود و بر نمی‌گردد، کمونیسم هم دیگر به کرملین بر نمی‌گردد. رفتار آقای پوتین و اعتقادداشت که در اعمالش بروز می‌کند، اعتقاد به معنویت است؛ به این ترتیب که در گذشته حاکمان کرملین بی‌خدا و آتئیست بودند و اکنون از رئیس تا پایین‌ترین حد سکنه‌های آن کشور نوعاً یا مسیحی هستند، یا مسلمان و یا به کلیسا می‌روند یا به مسجد. در چین یک زمانی آقای مائو تسه‌تونگ، رهبر چین، کمونیست دوآتشه بود و بعد از انقلاب دوم که توسط گاردای سرخ انجام شد، دوآتشه‌تر شد. بعد از فوت مائو، دنگ شیائوپینگ به رهبری حزب کمونیسم چین رسید و تحول کنونی اقتصاد در چین را آغاز کرد. اکنون، نه اقتصاد چین به کمونیسم می‌ماند و نه نحوه اداره جامعه و تعامل آن‌ها با دنیای خارج، بلکه یک مدل به‌اصطلاح تکامل‌یافته چینی است که موفق هم بوده است و برخلاف سال‌های دهه ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم میلادی، از هیچ حرکت به‌اصطلاح خلقی تحت نام مائوئیسم و غیر آن حمایت نمی‌کنند و اصرار دارند تأکید کنند که به‌هیچ‌وجه قصد مداخله در امور دیگر کشورها را ندارند و واقعاً هم مداخله نمی‌کنند، برعکس زمان مائوئیست‌ها.

حال بعضی می‌گویند درست است که این کشورها مارکسیست نیستند، ولی کشورهای قوی هستند که می‌توانند برای اعمال نظر در مسائل ایران تلاش کنند، ولی توجه ندارند که اکنون، نه ایران، ایران زمان پهلوی و قاجار است، بلکه مقتدرتر از هر زمان دیگری بعد از اسلام است و نه روسیه شوروی سابق و نه چین کشور خشن توسعه‌طلبی است که در اذهان ما بود. هژمونی در زمانی مؤثر واقع می‌شود که طرف مقابل ضعیف باشد؛ ولی ایران یک کشور قوی و مقتدر است. در آنجایی که ما بخواهیم با کشورها مرادوات داشته باشیم و بحث چین و روسیه باشد، با کمال اقتدار این کار را انجام می‌دهیم و نه چین و نه روسیه نمی‌توانند در امور داخلی ما دخالت کنند.

یک زمانی صحبت از حکومت پهلوی به میان می‌آید که درک مردم از نظام پهلوی این بود که انگلیس‌ها آن‌ها را آورده‌اند و چند جای تاریخ، خود انگلیسی‌ها به این موضوع ادعان نموده‌اند که شرح دقیق آن در حوصله بحث نمی‌گنجد. خوب، معلوم است حکومتی آن‌چنینی از موضع ضعف با ابرقدرت‌ها وارد می‌شود، ولی جمهوری اسلامی ایران این‌گونه نیست. ما طی این چهل و چهار سال به بهترین شکل شعار «نه شرقی، نه غربی» را در عمل اجرا و اثبات کردیم. یک زمانی قائم‌مقام وزیر امور خارجه شوروی سابق، در محل وزارت خارجه به

ملاقات من آمد. به او گفتم شما چرا به صدام موشک می‌دهید و به ما نمی‌دهید؛ صدام به چهار نقطه اطراف وزارت خارجه هشت موشک زد. به من می‌گفت که شما دست از حمایت مجاهدین افغانستان بردارید، ما از شما حمایت می‌کنیم و سلاح می‌فروشیم، ولی ما ذره‌ای از اصولمان منحرف نشدیم و بی‌توجه به حمایت‌های غرب ایستادیم و اساسی‌ترین نقش را در کمک به مجاهدین افغانستانی داشتیم و در آخر ایران نقشی اساسی در پیروزی مجاهدین داشت.

محمدرضا شاه خودش در کتاب «پاسخ به تاریخ» - که حالا یا خودش نوشته یا برایش نوشتند - می‌گوید که بله، متأسفانه آمریکایی‌ها با اینکه من این همه به آن‌ها خدمت کردم، ولی از من حمایت نکردند. در آن زمان، شاه برای کمک به آمریکایی‌ها به کنگو، ظفار و ویتنام نیرو فرستاد. می‌گوید این همه خدمت کردم، بعد سالیون کمک نکرد. ببینید! بالاترین مقام کشور نگاه به سفیر یک کشور بیگانه دارد.

در واقع، همواره پشتوانه نظام سیاسی انقلاب اسلامی حضور و حمایت مردم بوده و هست. حکومتی که مردمی باشد مثل ایران، می‌تواند جلوی همه بایستد؛ از آمریکایی‌ها گرفته تا شوروی، و این یعنی «نه شرقی، نه غربی» و تنها جمهوری اسلامی. حال با تمام این تفاسیر اگر چنین نظام مستقلی درصدد تمیق روابط با کشورهای مؤثر در سطح جهان باشد معنایش پذیرش سلطه ابرقدرت‌هاست؟ ما در جهان جزو معدود کشورهایی هستیم که به‌وضوح مقابل آمریکا ایستاده و با اقتدار به حیات سیاسی خود ادامه می‌دهد و با کشورهای دیگر رابطه برقرار می‌کند و برخورد می‌کند. خب، چه اشکال دارد ما با کشورهای مثل روسیه، چین و هند رابطه داشته باشیم؟! این کشورها صاحب فناوری هستند و بارها برخلاف غرب درخواست‌های ما را اجابت کرده‌اند و توانایی‌های خودشان را در اختیار ما گذاشته‌اند. خب، ما از یک کشور هم‌پیمان دیگر چه می‌خواهیم؟

در بحث منافع اقتصادی اگر بخواهید از لحاظ ژئوپلیتیک و منافع اقتصادی یا ترانزیت موضوع را بررسی کنیم، فرصت‌ها و ظرفیت‌های روسیه چیست؟

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های همکاری منطقه‌ای ما با شرق همین موضوع است. بیایید دقیق‌تر با هم بررسی کنیم. ببینید برای شما روی نقشه مثال می‌زنم. هند اگر بخواهد محصولات خود را به حوزه بالتیک ببرد و هزینه کمتری در این ترانزیت پرداخت کند حتماً باید از خاک ما استفاده کند؛ یعنی از بندر چابهار و خطوط ترانزیتی جنوب شرق به شمال غرب ایران بهره ببرد و به این صورت، حداقل چهل درصد در هزینه و چهل درصد در وقت صرفه‌جویی می‌کند، تا اینکه بیاید از مسیر باب‌المندب، کانال سوئز، جبل الطارق و مدیترانه به حوزه بالتیک دسترسی پیدا کند.

در مورد روسیه هم همین موضوع صدق می‌کند. مسیر بندر چابهار و خطوط ارتباطی شمال به جنوب ایران بهترین و باصرفه‌ترین مسیر ترانزیتی برای روسیه محسوب می‌شود. راه ارتباطی چین از مسیر راه ابریشم هم که سببه تاریخی دارد؛ پس، اگر همین نقشه را دقیق بررسی کنیم، می‌بینیم که یکی از موهبت‌های خدادادی به کشور ما همین موضوع است که ما ژئوپلیتیک و مسیر راهبردی اصلی ارتباط شرق با غرب قرار گرفته‌ایم و از این طریق می‌توانیم استعدادهای خوبی برای تعامل با کشورها برای خود فراهم سازیم. به نقشه اگر نگاه کنید، ملاحظه می‌کنید که نزدیک‌ترین راه برای دسترسی جمهوری‌های آسیای مرکزی و افغانستان به دریای آزاد ایران است و همچنین نزدیک‌ترین راه برای دسترسی به شرق دور کشورهای روسیه، جمهوری‌های سابق شوروی، اروپای شرقی و حتی بعضی از کشورهای عربی و ترکیه، ایران و استفاده از



امکانات ترانزیتی ایران است. در حوزه تجارت انرژی هم این موضوع صدق می‌کند. هم‌اکنون، ما با ترکمنستان سوآپ گازی داریم؛ یعنی از ترکمنستان گاز تحویل می‌گیریم و به مصرف خراسان می‌رسانیم و به‌زای آن به همان مقدار به آذربایجان گاز تحویل می‌دهیم و به این طریق هزینه صادرات گاز ترکمنستان را کاهش می‌دهیم. طبیعتاً منافی هم برای ما تأمین می‌گردد. برای روسیه و قزاقستان هم همین کار را می‌کنیم. نفت قزاقستان و روسیه را از طریق دریای خزر دریافت کرده و به مصرف داخلی می‌رسانیم و در جنوب به همان میزان به مشتریان این کشورها تحویل می‌دهیم؛ بنابراین، ژئوپلیتیک ایران بهترین مسیر تجاری منطقه محسوب می‌شود.

این مسئله در مورد سایر همسایگان و کشورهای نزدیک از قبیل چین و هند هم صدق میکند.

بله، در طی سال‌های تحریم بهترین مشتری ما چین بود و ما در بعضی سال‌ها بالغ بر ۵۲ میلیارد دلار معامله تجاری با چین انجام می‌دادیم. این حرکت بین ما و چین نشان می‌دهد که طی سال‌های اخیر بعد از جنگ تحمیلی، رابطه اقتصادی و تجاری ایران و چین علی‌رغم مخالفت آمریکا و متحدین غربی‌اش رشد کرده است. این بهترین پاسخ به کسانی است که رابطه ایران و چین را زیر سؤال می‌برند. صریح‌تر بگویم، از ابتدای انقلاب تاکنون، آمریکایی‌ها ظرف این چهار و چهار سال، کوچک‌ترین نشانی از حسن نیت نسبت به ما نشان ندادند، بلکه هر جا توانستند در حوزه بین‌الملل علیه ایران قطعنامه‌های محدودکننده صادر کردند و هر چقدر توانستند ما را تحریم کردند و به اقرار خودشان صدام حسین را تحریک کردند که به ایران حمله کند و در این جنگ نیز از او پشتیبانی کردند. لابد تصویر آقای رامسفله، وزیر دفاع دولت بوش را دیده‌اید که در زمان ریگان به‌عنوان فرستاده نظامی در عراق از سوی آمریکا در حال گفت‌وگو و ملاقات با صدام است که طی آن بسیاری از کمک‌های نظامی و اطلاعاتی به‌خصوص از طریق ماهواره‌ها را به عراق تدارک و انجام داد.

در قضیه برجام نیز او‌باما برخلاف قول اولیه‌اش - که به‌صورت مکتوب توسط پادشاه عمان به ایران ارسال نمود که اگر ایران صرفاً به‌سوی استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای برود، آمریکا تحریم‌ها را برداشته و در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای مخالفت نخواهد کرد - عمل کرد و زیر قولش زد و ترامپ بدتر از او‌باما و به‌صراحت و بدون هیچ دلیل موجهی، شمشیرها را علیه ایران از رو بست.

متأسفانه کشورهای اروپایی به‌لحاظ تبعیت از سیاست‌های آمریکا و پذیرش بی‌قیدوشرط تحمیل‌های آن‌ها در سیاست خارجی آن قدر تنزل کرده‌اند که در تاریخ اروپا سابقه ندارد. در چنین شرایطی چگونه بعضی از افراد با ساده‌لوحی می‌گویند به‌سمت غرب برویم؟! کدام غرب؟! غربی که تحت فشار آمریکا و تلقینات سراسر دروغ دوره‌گردهای صهیونیست همواره علیه جمهوری اسلامی ایران تبلیغات دروغ می‌کنند، فشار سیاسی می‌آورند و در جهت تضعیف جمهوری اسلامی از هیچ کاری فروگذار نمی‌کنند؛ غربی که در حد یک کمپانی نفتی فرانسوی بعضی از مسئولین گذشته ساده‌دل ما را تشویق می‌کردند که همکاری با چین را در حوزه نفت و گاز متوقف کنید و این توصیه مورد قبول قرار می‌گیرد و خود آن کمپانی در ایرانی می‌آید و یک عکس یادگاری با مسئولین وزارت نفت گرفته و خداحافظی می‌کند و می‌رود، چه نفعی برای جمهوری اسلامی ایران دارد؟ در حالی که بیشترین خرید نفت و انتقال تکنولوژی توسط چین با وجود ناآگاهی و اقدامات ساده‌لوحانه بعضی از مسئولین وزارت نفت در گذشته نادیده گرفته می‌شود. نمونه دیگر در خصوص حوزه فناوری است. آلمان‌ها به‌محض وقوع انقلاب با فشار آمریکا ساخت راکتور هسته‌ای را در بوشهر که پنجاه درصد

آن به اتمام رسیده بود، رها کردند و رفتند و سال‌ها مجموعه نیمه‌ساز معطل ماند تا روس‌ها آمدند و آن را به اتمام رساندند. این‌جانب سال‌ها مذاکره کردم، ولی آن‌ها حاضر نشدند یک‌قدم خلاف نظر آمریکایی‌ها به نفع ایران بردارند؛ یعنی در طول چهار و چهار سال انقلاب اسلامی ایران، یک جنگ تمام‌عیار از سوی آمریکا و متحدینش علیه ایران صورت گرفته است.

روسیه در بسیاری از موارد در فناوری‌های پیشرفته به کمک ایران آمد. عقل چه می‌گوید؟ آیا ما به‌سمتی برویم که همواره با این مردم و کشور دشمنی کرده یا به‌طرفی برویم که تا آنجا که توانسته کمک کرده است؛ البته این را بگویم که چین و روسیه با ما عقد اخوت نخوانده‌اند، بلکه آنان نیز بر اساس مصالح خود عمل می‌کنند، ولی عاقلانه‌تر از غربی‌ها! امروز در آسیا سه قدرت مهم ایران، روسیه و چین وجود دارند که مستقل‌اند و مقابل توسعه‌طلبی آمریکا و غرب ایستاده‌اند. در طی ماه‌های اخیر، آمریکا، استرالیا و انگلیس علیه چین در اقیانوس هند مانور نظامی برگزار کردند و متقابلاً با فاصله کوتاهی جمهوری اسلامی ایران و چین و روسیه در شمال اقیانوس هند مانور برگزار کردند. بعدها متأسفانه هند، ژاپن و امارات نیز به آن جمع اول پیوستند. آنچه مسلم است اینکه علت گرایش جمهوری اسلامی ایران برای همکاری با چین و روسیه تعامل طرفین در همکاری و معاضدت با یکدیگر است. هر سه این کشورها (ایران، روسیه و چین) حول این اهداف مشترک با یکدیگر همکاری می‌کنند:

۱. مقابله با توسعه‌طلبی و هژمونی آمریکا و غرب علیه شرق مستقل
۲. هر سه کشور مستقل‌اند و هیچ‌یک از آن‌ها به هیچ قدرت بیگانه‌ای متصل نیستند و باج نمی‌دهند.

۳. هر سه کشور مورد حمایت ملت‌های خود هستند.

۴. ایران و چین حافظ فرهنگ و تمدن شرق هستند و روسیه هم ذوجنبتین است؛ از کوه‌های اورال به‌سمت غرب اروپایی و از اورال به‌سمت شرق آسیایی. به هر حال، تعارضی با پیشرفت فرهنگ شرقی ندارد، ضمن اینکه دومین قومیت

در قضیه ظفار برعکس بود؛ یعنی با هدایت انگلیس و حمایت آمریکا، نیروهای ایران به دستور شاه علیه مردم جنوب لبنان جنگیدند. اکنون، اگر آمریکا و انگلیس و استرالیا در اقیانوس هند مانور علیه چین انجام می‌دهند، معنای آن به خطر انداختن دریانوری جمهوری اسلامی ایران در اقیانوس هند و خلیج فارس و دریای عمان است، والا نه آمریکا و نه انگلیس و نه استرالیا هیچ کدام اهل این منطقه نیستند. البته ناگفته نماند که ایران می‌تواند به تنهایی از خودش دفاع کند، ولی عقل سلیم حکم می‌کند که با کشورهایایی که با ما هم هدف هستند، در جهت پیشگیری برای آینده تدبیر کنیم؛ مضافاً بر اینکه ایران تنها مدافع خود نیست، چراکه حرکتهای استعماری گذشته مثل پرتغالی‌ها در قرن پانزدهم میلادی، انگلیس و هلند در قرن هجدهم و نوزدهم میلادی و آمریکا در قرن بیستم و دو دهه اول قرن بیست و یکم، بیشترین صدمه را به امنیت کشورهای اسلامی به خصوص در غرب آسیا زده‌اند. ان شاءالله با همت مردم ایران و کمک دوستان واقعی مان نه تنها از تمامیت ارضی ایران، بلکه از جهان اسلام در حد اقتضاء و وسع و مصلحت دفاع می‌کنیم.

برگزاری هفتمین نشست سران روند آستانه در تهران چه پیام‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را دربر دارد؟

برگزاری این اجلاس با حضور ایران، روسیه و ترکیه پس از سفر بی‌خاصیت و شکست‌خورده آقای بایدن به منطقه هم اقدام بسیار مهمی است که نشان می‌دهد رابطه بین سه کشور ایران، روسیه و ترکیه اصالت دارد و روبه‌رشد است. تفاوت این سفر با سفر بایدن این است که آن سفر در همان ابتدا شکست خورد؛ اما یک تفاوت اساسی دارد که رؤسای جمهور آمریکا همواره با عده‌ای قراول و یساول می‌آیند و از موضع بالا با کشورهای مورد دیدار از موضع تکبر و تبختر و طلبکاری سخن می‌گویند. رؤسای جمهور آمریکا و پیرترهای آن‌ها مثل رؤسای انگلیس، یک مطالبه تمام‌نشدنی از بعضی از کشورهای منطقه دارند که باید نفتشان را به ثمن بخش در اختیار آن‌ها بگذارند و بافته‌های آن‌ها را در رابطه با رژیم صهیونیستی عملیاتی کنند و اگر نکردند مورد مؤاخذه قرار می‌گیرند و همواره طرح‌های عجیب‌غریب و من‌درآوردی مثل پیمان مادرید، اسلو، وایبور، کمپ دیوید، واشنگتن و اخیراً اجلاس عقبه را مطرح می‌کنند و به‌جای اینکه دست از حمایت این رژیم سرکش یاغی دست‌نشانده غرب بردارند تا مسلمانان به تکلیف خود در از بین بردن این رژیم عمل کنند، با این طرح‌های بچه‌گانه و سرگرم‌کننده، وقت می‌خرند. این خلاصه سناریوی سفرهای آمریکا و من تبع آن‌هاست. معلوم است از قبل حاصلی ندارد، چراکه در سرکیسه کردن کشورها موفق نبودند؛ اما اجلاس تهران بین کشورهای مؤثر در امنیت منطقه و پیشرو در همکاری‌های مهم و آینده‌نگر است. در این اجلاس هیچ کشوری به کشور دیگر دستور نمی‌دهد، بلکه هر سه کشور در عین عزت و اقتدار با هم مشارکت می‌کنند و مسائل منطقه و بین‌الملل و دو یا چندجانبه را مورد بحث قرار می‌دهند.

رهبر انقلاب در دیدار رئیس‌جمهور روسیه صراحتاً بر ضعف‌ترشدن سیاست‌های آمریکا و غربی‌ها در غرب آسیا تأکید کردند. دلایل و نشانه‌های ضعف آمریکا و غرب و دلایل افول قدرت آن‌ها در منطقه به‌ویژه در سوریه، عراق، لبنان و فلسطین چیست؟

در این چند سال اخیر، ما مدام شاهد نقش‌برآب شدن سیاست‌های مخرب آمریکا در منطقه هستیم؛ سیاست‌هایی که با صرف هزینه‌های زیاد بر منطقه تحمیل شد و با مقاومت مردم منطقه به نتیجه نرسید. حال بیابیم با هم چند نمونه از آن‌ها را مرور کنیم: ۱. خروج آمریکا از افغانستان بعد از بیست سال اشغال این



در روسیه بعد اسلاوهای ارتدکس مسلمانان هستند. دیگر اینکه ما با هر دو کشور رابطه دیرینه فرهنگی و تجاری و اقتصادی داریم. از طریق خوارزم با روسیه تحت عنوان سقلاییه و از سمت ماورالنهر با غرب چین تحت عنوان ختا (سین کیانگ) و ختن (تبت) ارتباط تاریخی، فرهنگی و تجاری طولانی داشتیم. سعدی در این باره می‌فرماید: «در سالی که به مصلحتی محمد خوارزم شاه با ختا صلح کرده بود، در جامع کاشغر جوانی را دیدم که مقدمه (مقدمه‌الادب) نحو زمخشری می‌خواند: ضرب زید عمروا.» در شمال ایران در قفقاز و آسیای مرکزی و دریای خزر ما با روسیه همسایه هستیم و در شرق با یک فاصله (کشور افغانستان)، با چین همسایه هستیم و هر سه عضو اصلی پیمان شانگهای هستیم که پیمانی سریع‌الرشد و جامع است و ان شاءالله عرصه‌ای برای رشد اقتصادی ایران است. عضویت با روسیه در پیمان اوراسیا که اخیراً مزیت‌های خوبی را برای ایران در نظر گرفتند که از جمله آن‌ها حذف تعرفه‌های گمرکی و کاهش قابل‌ملاحظه آن است و ظرف همین مدت کوتاه مبالغ قابل‌ملاحظه‌ای از ایران به این کشورها صادرات شده است. دریای خزر از مهم‌ترین عناصر حیات بیولوژیک ایران است که با روسیه و سه کشور دیگر مشترکیم و اخیراً در آخرین تحرک غرب به رهبری آمریکا قرار بود که علیه ما قطعنامه‌ای صادر شود که روسیه و چین آن را وتو کردند. در گذشته و قبل از انقلاب اسلامی، مانور مشترک تحت امر آمریکا و انگلیس بدون در نظر گرفتن منافع ایران انجام می‌گرفت. ممکن است گفته شود که اگر آمریکا و انگلیس نیستند، الان روسیه و چین هستند؛ این طور نیست. در آن زمان، تعیین محل مانور و هدف‌گیری‌اش از سوی آمریکایی‌ها بود؛ مانند مانور در اقیانوس هند برای تهاجم مشترک ایران و غرب به ظفار در جنوب عمان که به‌هیچ‌وجه منافع ایران در آن رعایت نشد و برعکس در طول تاریخ همواره این دو کشور از یکدیگر حمایت می‌کردند از جمله حمایت نادرشاه از سلطان مسقط زمانی که نجدی‌های بیابان گرد مسقط را اشغال کردند، نادرشاه به آنجا نیرو فرستاد و مسقط را بازپس گرفت و آن را مجدداً به سلطان عمان داد، درحالی‌که



کشور به بهانه حذف طالبان و القاعده و استقرار مجدد طالبان بر امور اجرایی.
۲. طرح اخراج آمریکایی‌ها از عراق که توسط نمایندگان مردم مبارز عراق به‌طور جدی دنبال می‌شود. آمریکا بعد از حمله به صدام خود جانشین جنایات صدام در عراق شد و نیتش اشغال دائمی این کشور است؛ امری که ان‌شاءالله با مجاهدت مردم مبارز عراق نقش بر آب خواهد شد.

۳. شکست و استیصال هم‌پیمانان منطقه‌ای آمریکا در غزه و یمن؛ اسرائیلی که با کمک آمریکا تا دندان مسلح شده است، بالغ بر ۵۱ روز تهاجم شبانه‌روزی به متراکم‌ترین منطقه مسکونی دنیا کاری از پیش نمی‌برد و با مقاومت مردم غزه مجبور به عقب‌نشینی می‌شود؛ علاوه بر آن، پس از مدت‌ها موج اعتراضات به اراضی اشغالی هم می‌رسد. از طرفی، ائتلاف سعودی، عبری، آمریکایی در جنگ یمن با نزدیک به یک دهه خون‌ریزی و تهاجم به این کشور کماکان راه به‌جایی نبرده است. وقتی متحدان آمریکا در این منطقه به این شکل در تنگنا قرار گرفته‌اند، در واقع، این سیاست‌های آمریکاست که با شکست مواجه شده است.
۴. از همه مهم‌تر، در مناقشات سوریه، غرب و اندک کشورهای ناآگاه منطقه با هدف سرنگونی اسد با تمام قوا به میدان آمدند. هدف این بود که با تبدیل کشور سوریه به چیزی شبیه به لیبی یکی از اصلی‌ترین کشورهای محور مقاومت را از مدار خارج کنند و از این طریق ضربه جدی به مقاومت وارد نمایند؛ اما مقاومت و جان‌فشانی‌های دولت و مردم سوریه در کنار جان‌فشانی مدافعان حرم این خواب را برایشان پریشان کرد و الآن دنبال راهی برای نجات هستند.

اخراج آمریکایی‌ها از منطقه شرق فرات موضوع دیگری بود که در این دیدار از سوی رهبر انقلاب مورد تأکید قرار گرفت. دلیل تأکید ایشان چه بود؟

وقتی سخن از نواحی شرق فرات به میان می‌آید، موضوع مربوط به یکی از مهم‌ترین نواحی خاک سوریه می‌شود، زیرا این بخش از خاک سوریه وسیع‌ترین و مهم‌ترین اراضی آن کشور را شامل می‌شود؛ بخشی که محصولات حیاتی و زراعی سوریه در آن کشت می‌شود که گفته می‌شود ۸۰ درصد محصولات سوریه را تأمین می‌کند. از همه مهم‌تر، میادین نفتی این نواحی است که روزانه حدود ۳۰۰ هزار بشکه نفت از آنجا استخراج و صادر می‌گردد. اما همچنان آمریکایی‌ها با وقاحت حضور خود در این نواحی را استمرار داده‌اند و نه تنها امکان بهره‌برداری دولت سوریه از مناطق استراتژیک خود را محدود نموده‌اند، بلکه روزانه با زدنی روشن ذخایر نفتی سوریه را به تاراج می‌برند. تأکید رهبر انقلاب متوجه این موضوع است و از این منظر است که ایشان می‌فرمایند شرق فرات باید آزاد شود تا دیگر شاهد توزیع منافع کشور سوریه نباشیم. البته این را بدانید که نفس حضور دشمن در داخل یک کشور هر جور که باشد، محکوم است و خواهیم دید که با مبارزه ملت و دولت سوریه ان‌شاءالله آمریکا مجبور به ترک این نواحی خواهد شد.

رهبر انقلاب در زمینه قضیه اوکراین تصریح کردند که اگر روس‌ها ابتکار عمل را به‌دست نمی‌گرفتند، طرف مقابل با ابتکار خود موجب وقوع جنگ می‌شد و در این زمینه بر سلطه‌طلبی و زیاده‌خواهی ناتو تأکید کردند. اساساً با توجه به فعل و انفعالات و تحولات بین‌المللی امروز، نشانه‌ها، دلایل و مؤیدات امنیتی و سیاسی این دیدگاه چیست؟ ناتو چه برنامه‌ای برای گسترش حوزه نفوذ و دامنه زیاده‌خواهی‌اش دنبال می‌کند؟

برای بررسی این موضوع باید ابتدا اصل مساله مناقشه اوکراین مورد بررسی قرار بگیرد. یکی از توافقات بین ناتو و روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر

شوروی عدم عضویت کشورهای جداشده از اتحاد جماهیر شوروی در ناتو و حفظ منطقه حائل بین شوروی و ناتو بود؛ امری که ناتو به‌هیچ‌وجه به آن احترام نگذاشت و کار به‌جایی رسید که هر روز خبری از تقابل نیروهای هوایی روسیه و ناتو بر فراز دریای بالتیک و دیگر نواحی همسایه به گوش می‌رسید. علاوه بر آن، مداخلات اروپا و آمریکا در امور داخلی اوکراین منجر به کودتاهای متعدد تا استقرار دولتی وابسته به غرب شد و هم‌زمان درخواست عضویت اوکراین در ناتو با حمایت اتحادیه اروپا و آمریکا مطرح شد؛ امری که در تقابل مستقیم با توافقات مطرح‌شده بین روسیه و ناتو بود. خب، روسیه بارها خط قرمز خود را عدم هم‌جواری ناتو با مرزهای خود عنوان کرده بود؛ دغدغه‌ای که همین الآن آمریکا در مورد مرزهای خود دارد که شاهد فشار بر کشورهای منطقه کارائیب هستیم. البته نیروهای ناتو قبل از نیروهای روسیه آمادگی جنگ داشتند. تدارکات و نشانه‌های موجود اشاره به این داشت که اول ناتو آمادگی جنگ و حمله به کریمه را دارد تا در صورت تعلل دولت روسیه گام اول را با جداسازی کریمه بردارد و بعد با عضویت اوکراین در ناتو پازل تضعیف روسیه در شرق اروپا را کامل نماید. هر جنگی مقدماتی لازم دارد و ناتو قبل از روسیه آماده جنگ بود، ولی ابتکار عمل روسیه در این مورد باعث شد نه تنها گام‌های بعدی ناتو و آمریکا برای روسیه برداشته نشود، بلکه معضل تأمین انرژی برای اروپا و آمریکا مشکل اصلی آن‌ها شد.

در دیدار رئیس‌جمهور ترکیه با رهبر انقلاب نیز، ایشان تأکید کردند که حمله نظامی به شمال سوریه به ضرر منطقه است و اقدام سیاسی مورد انتظار از جانب دولت سوریه را نیز محقق نخواهد کرد. ابعاد این گزاره به صورت مصداقی و جزئی‌تر چگونه قابل تبیین است؟

موضع ترکیه در طی مناقشات اخیر سوریه تجهیز تروریست‌ها در قالب

استراتژیک روابط بین ایران و روسیه تا سطح روابط راهبردی قابل گسترش است و مأموریت هر دو کشور گسترش سطح روابط تا این حد تعریف شده است.

در نظر داشته باشید که اصل اساسی روابط بین کشورها تعریف منافع مشترک است و در مورد ایران و روسیه سطح وسیعی از منافع مشترک قابل ترسیم است. نه تنها هر دو کشور دارای فناوری و دانش هستند، بلکه از منابع خوبی هم برخوردارند؛ علاوه بر آن، هردو از جانب غرب هدف تحریم‌های ظالمانه قرار گرفته‌اند و این امر بستر مناسبی برای همکاری‌های مشترک فراهم می‌سازد و امید است با پیگیری‌های مداوم دستگاه دیپلماسی در راستای استراتژی نگاه به شرق این امر محقق گردد. در سفر اخیر ولادیمیر پوتین به کشور هم این موضوع با عقد قراردادهای همکاری در حوزه‌های مختلف تا حدودی محقق شده است. برای روشن شدن موضوع به یک مثال بسنده می‌کنم. ایران در جنوب از حوزه‌های وسیع گازی بهره‌مند است که تا حال حاضر با توان داخلی موفق به بهره‌برداری شده است، ولی روسیه دارای شرکتی قدیمی و صاحب فناوری در عرصه نفت و گاز به نام گازپروم است. همکاری با این شرکت روسی می‌تواند برداشت ایران از این حوزه‌ها را افزایش دهد؛ امری که بعد از خروج آمریکا از برجام و خلف وعده شرکت‌های غربی معطل مانده است.

برخی تحلیلگران با توجه به پیامدهای سفر بایدن به منطقه و مشخصاً عربستان و مقایسه نتایج آن با سفر پوتین به کشورمان از زوال اعتماد به آمریکا، حتی در میان متحدین دیرینه و قدیمی‌اش سخن گفتند. نظر شما در این رابطه چیست؟

چند دهه است که منطقه زمینه اجرای سیاست‌های غلط آمریکا بوده و کشورهای هم‌پیمان آمریکا هزینه این سیاست‌ها را تأمین نموده‌اند. در این میان، نه تنها عایدی این کشورها چیزی جز شکست و صرف هزینه‌های بیهوده نبوده، بلکه نگاه از بالا به پایین رؤسای جمهور آمریکا غرور ملی این کشورها را نشانه رفته است تا جایی که رئیس‌جمهور آمریکا می‌گوید عربستان بدون حمایت ما چند ساعت هم دوام نمی‌آورد و ترامپ، عربستان را گاو شیرده خطاب می‌کند و همواره هم باید سفارش‌های آمریکا را از جیب ملت خود نقد نماید. اخیراً هم آمریکا در جهت رفع مشکل انرژی حاصل از جنگ اوکراین سفارش افزایش تولید برای کاهش قیمت جهانی نفت را داده است و عربستان چاره‌ای جز قبول کردن ندارد.

این را در مقابل نشست اخیر آستانه قرار دهید که سه کشور مستقل منطقه با در نظر گرفتن منافع ملی خود به منظور تعمیق روابط و حل و فصل مشکلات منطقه‌ای با هم همکاری می‌نمایند و ان‌شاءالله به نتیجه هم خواهند رسید. این امر از اهمیت بالایی برخوردار است. خوشبختانه کم‌کم کشورهای منطقه به خصوص کشورهای حاشیه خلیج فارس هم با درک اتمسفر مخرب همکاری با آمریکا در صدد بازتعریف روابط با جمهوری اسلامی برآمده‌اند و این نقطه تعیین‌کننده‌ای در روابط بین کشورهای منطقه خواهد بود؛ چراکه ما بارها بر این موضوع تأکید کرده‌ایم که راه‌حل مشکلات منطقه‌ای از همکاری بین کشورهای منطقه بدون حضور بیگانگان می‌گذرد.



ارتش آزاد سوریه بود که با عدم تحقق انتظارات ترکیه و شکست سیاست‌های آن کشور در قبال سوریه مواجه شد. از طرفی، حضور کردهای مسلح در شمال سوریه استخوان‌لای‌زخم برای ترکیه ماند، چراکه ترکیه همواره با نگاه معارض با نیروهای کرد برخورد می‌کرد و برای حل این مشکل دو راهکار عملی را برای شمال سوریه در نظر گرفته بود و به‌طور مشخص در رسانه‌های خود نیز طرح می‌کرد؛ راه‌حل نخست، حضور در سی کیلومتری عمق خاک سوریه و ایجاد منطقه عاری از کردها در نوار حائل بین مرز ترکیه بود و راه‌حل دوم، جابه‌جایی بیش از دو میلیون نفر از کردها به اردوگاه‌های پناهنجویان بود تا ظرفیت ضربه به ترکیه از طریق آن‌ها کم شود.

در مورد راه‌حل اول، موضوع تمامیت ارضی کشور سوریه مطرح است که طبیعتاً با مقاومت و مقابله ارتش سوریه مواجه خواهد شد و این امر نه تنها آتش جنگ در منطقه را خاموش نمی‌کند، بلکه شعله‌ورتر می‌سازد. در مورد راه‌حل دوم هم موضوع حقوق بشر و کوچ اجباری در کنار پاکسازی قومی مطرح می‌شود که در تاریخ منطقه مخصوصاً قفقاز مکرر مستندات محکومیت این قبیل اقدامات به‌وضوح مشاهده می‌شود.

با تمام این اوصاف، بهترین مسیر پیگیری این معضل مشترک، یعنی حضور تروریست‌ها در مناطق شمالی سوریه، مذاکره بین کشورهای منطقه با احترام به حق حاکمیت کشور سوریه است و در این مسیر نباید هیچ تمایزی بین تروریست‌ها قائل شد تا منطقه از لوٹ وجود عناصر ناامن ساز پاک گردد.

چشم‌انداز همکاری‌های ایران و روسیه در میان‌مدت و بلندمدت را با توجه به نیاز دو کشور به گسترش روزافزون همکاری‌ها چگونه می‌بینید؟

همان‌طور که در منویات رهبر انقلاب بارها بیان شده است و آقای پوتین، رئیس‌جمهور روسیه نیز بر آن تأکید دارد، عمق

رنگ و بوی ضدغربی سازمان پررنگ تر شد منافع پیمان شانگهای از عضویت ایران



نویسنده: گورگ میرزاییان

گسترش باشگاه‌های بین‌المللی همیشه چیز خوبی نیست. اگر کشوری به سازمانی بپیوندد که آمادگی اقدام جمعی را نداشته باشد، کار سازمان را فلج می‌کند. اگر کشورهایی به سازمان بپیوندند که اهداف آن را نداشته باشند، سازمان نه تنها فلج می‌شود، بلکه از هم می‌پاشد، این همان اتفاقی است که برای اتحادیه اروپا می‌افتد که پس از ورود اروپای شرقی هنوز قادر به بهبودی نیست. کارشناسان می‌گویند که ایران در سازمان همکاری شانگهای چنین نیست. به نظر آنها، تکمیل مجدد سازمان شانگهای نه فقط برای تهران، بلکه برای کشورهای شریک نیز مفید است و این سازمان را به سطح جدید و بسیار سودمندی برای روسیه خواهد رساند.

منافع پیمان شانگهای از عضویت ایران

دیپلماسی ایرانی: بختیار حکیموف، نماینده ویژه رئیس‌جمهوری روسیه در امور سازمان همکاری شانگهای، گفت که کشورهای زیادی مایل به عضویت در سازمان همکاری شانگهای هستند و درخواست‌های آنها پس از تکمیل

نوسازی این ساختار بین‌المللی بررسی می‌شود. گام مهمی در جهت راه‌اندازی مجدد سازمان شانگهای که به نظر می‌رسد، سایر کشورها را به فکر پیوستن به این سازمان تشویق می‌کند، در چهارم ژوئیه در نشست سران سازمان همکاری شانگهای برداشته شد. ایران به روسیه، چین، هند، پاکستان، تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان و قزاقستان اضافه شده است.

جمهوری اسلامی ایران اکنون، به صورت تمام عیار در این سازمان شرکت خواهد کرد. رهبر روسیه خاطر نشان کرد که شرکای ایرانی به سرعت به سازمان همکاری شانگهای پیوستند، کمتر از دو سال از قصد اعلام شده تا تکمیل تمام مراحل لازم گذشته است. ابراهیم ریسی، رئیس‌جمهوری ایران گفت: «عضویت کامل در این سازمان مهم، شرایط را برای امنیت جمعی، فرصت‌های توسعه اقتصادی پایدار و تضمین حاکمیت بیش از پیش فراهم می‌کند.»

گسترش باشگاه‌های بین‌المللی همیشه چیز خوبی نیست. اگر کشوری به سازمانی بپیوندد که آمادگی اقدام جمعی را نداشته باشد، کار سازمان را فلج می‌کند. اگر کشورهایی به سازمان بپیوندند که اهداف آن را نداشته باشند، سازمان نه تنها

کشورهای عضو سازمان نیز به نوبه خود، از جمله، ایران در سازمان همکاری شانگهای از یکی از قوانین اساسی روابط بین الملل پیروی می کنند. یعنی، مهم ترین بازیگر منطقه ای را از ساختارهای امنیتی منطقه حذف نکنیم. در غیر این صورت، موازنه واقعی قدرت که با ساختار مصنوعی امنیت در تضاد قرار می گیرد، دیر یا زود آن را در هم می شکند.

اکنون پس از شمول، ایران با سازمان شانگهای مخالفت نخواهد کرد، بلکه تمام امکانات خود را برای رسیدن به اهداف مشترک معطوف خواهد کرد. البته، عضویت کامل ایران در سازمان همکاری های شانگهای باعث تقویت این سازمان و کمک ملموس به امنیت جمعی خواهد شد. عباس جمعه توضیح می دهد که توانایی های ایران از بسیاری از اعضای سازمان فراتر است. در این مورد، اهداف مشترک، مبارزه با تروریسم، ایجاد روابط دو جانبه میان کشورهای عضو و البته، تشکیل نظم نوین جهانی است.

این تشکیل یک نظم جدید بود و نه، ایجاد یک نظم جایگزین یا ذخیره که برخی از کشورهای عضو سازمان همکاری های شانگهای روی آن حساب می کردند. ورود ایران به این سازمان تا حدودی، به نمدی از تحول جهان بینی اعضای آن تبدیل شده است. گذر از تلاش برای جلوگیری از درگیری آشکار با غرب به درک ناگزیر بودن این درگیری.

ایران مدت هاست که در اتاق انتظار سازمان همکاری شانگهای بوده است. مسکو همیشه، طرفدار حضور کامل در این تیم بوده است، اما کسانی هم بودند که به روند ورود به این تیم شک داشتند. اول از همه، چین. پکن نمی خواست، سازمان همکاری های شانگهای را به یک سازمان ضد ناتو تبدیل کند و ورود ایران به طور خودکار، به سازمان همکاری های شانگهای رنگی ضد غربی می بخشد. این واقعیت که ایران به آن پیوست، نشان می دهد که پکن تصمیم گرفته است، فعالانه، در برابر هژمونی غرب مقاومت کند. در اینجا، ایران از همه، ساده تر به نظر می رسد، در زمینه مبارزه با دلار، شکل گیری یک سیستم اقتصادی جایگزین برای غرب و موارد مشابه. در حقیقت، ایران فعالانه، در حال ادغام در نظم جدید اوراسیاست که توسط چین و روسیه در حال شکل گیری است.

یوگنی ساتانوفسکی، کارشناس علوم سیاسی، گفت: «بر اساس نام، واضح است که سازمان همکاری های شانگهای، ساختاری است که در درجه اول، با منافع استراتژیک بلند مدت چین و برنامه های آن، مانند یک کمر بند، یک جاده مطابقت دارد. آن دسته از کشورهایی که از مشارکت در این گونه پروژه ها سود می برند، به سازمان می پیوندند. اعضای سازمان همکاری های شانگهای این فرصت را دارند که بدون نگاه کردن به امریکا، اتحادیه اروپا و ساختارهای طرفدار غرب مانند G7 تجارت بیشتری داشته باشند. از این نظر، سازمان همکاری های شانگهای برای کشورهای که با غرب مشکل دارند، بهترین کار را انجام می دهد.»

با توجه به این تحول در سازمان همکاری های شانگهای، ایران آخرین خرید آن نخواهد بود. اقتدار و نفوذ انجمن ما همچنان در حال تقویت است. علاقه به فعالیت های آن از سوی سایر کشورها و ساختارهای بین المللی در حال افزایش است. بسیاری از آنها در تلاش برای برقراری گفت و گوی برابر با سازمان همکاری شانگهای هستند و امکان پیوستن به آن را بررسی می کنند. آنها به ما اعتماد دارند، می خواهند با ما دوست باشند و با ما همکاری کنند.

در ردیف اول، بلاروس است که تفاهم نامه ای را امضا کرد. گنجاندن آن در سازمان، سازمان همکاری های شانگهای را به بازیگری تبدیل خواهد کرد که از منافع خود در برابر تجاوزات غرب نه فقط در آسیای مرکزی و خاورمیانه، بلکه در اروپا نیز دفاع می کند.

فلج می شود، بلکه از هم می پاشد، این همان اتفاقی است که برای اتحادیه اروپا می افتد که پس از ورود اروپای شرقی هنوز قادر به بهبودی نیست.

کارشناسان می گویند که ایران در سازمان همکاری شانگهای چنین نیست. به نظر آنها، تکمیل مجدد سازمان شانگهای نه فقط برای تهران، بلکه برای کشورهای شریک نیز مفید است و این سازمان را به سطح جدید و بسیار سودمندی برای روسیه خواهد رساند.

در حقیقت، منافع ایران بسیار ساده است. نخست، امنیت. سازمان همکاری شانگهای در ابتدا، با تمرکز بر تضمین امنیت جمعی در منطقه آسیای مرکزی (آسیای مرکزی و افغانستان) ایجاد شد. ایران نیز به این امنیت علاقه مند است و نه فقط از لحاظ تامین، بلکه مشارکت در روند شکل گیری قواعد بازی.

با توجه به مشکلات افغانستان، روابط دشوار با تاجیکستان و مرز بالقوه بی ثبات با پاکستان، جمهوری اسلامی می خواهد، یک بازیگر باشد، نه تماشاگر در هیات شطرنج آسیای میانه. برای بازی کردن، شرکت در سازمان همکاری شانگهای، ساختاری کلیدی برای تضمین امنیت منطقه ضروری است.

دلیل دوم وضعیت است. عضویت در سازمان برای تهران کاملاً معتبر است. فتودور لوکیانوف، سردبیر مجله روسیه در امور جهانی، گفت: «این نشان می دهد که این کشور، با وجود تمام تلاش های مخالفانش، منزوی نشده است. افزون بر آن، این در مورد به دست آوردن ابزار برای ساختن فضای اطراف خود است.»

ایرانی ها برای مدت طولانی در انزوای بین المللی و در محاصره کشورهای متخاصم (آذربایجان)، شرکای کشورهای متخاصم (پاکستان که متحد عربستان سعودی است) یا کشورهایی که از حضور ایران خسته شده بودند (بعضی ها در عراق) بودند. اکنون، ایرانی ها در حال تبدیل شدن به عضو کامل سازمانی هستند که امنیت منطقه وسیع آسیای مرکزی را تضمین می کند و در آینده (در صورت گسترش بیشتر سازمان همکاری شانگهای) می تواند، امنیت خاورمیانه را نیز تامین کند.

سوم، ایرانی ها روی منافع اقتصادی حساب می کنند. عباس جمعه، دانشمند علوم سیاسی در خاورمیانه، چنین توضیح می دهد: «ایران فرصت های بیشتری برای اقتصاد آسیب دیده از تحریم ها به دست می آورد». از طریق مشارکت در سازمان همکاری شانگهای، ایرانی ها قصد دارند، در پروژه های زیرساختی مختلفی که پکن در جهت اوراسیا ترویج می کند، مشارکت فعال تری داشته باشند. محسن بختیار، سفیر جمهوری اسلامی ایران در چین، گفت: «ایران با مشارکت فعال در طرح های سازمان همکاری شانگهای می تواند، از مزیت جغرافیایی خود برای تبدیل شدن به قطب ترانزیت حیاتی و تسهیل تجارت شرق و غرب استفاده کند». افزون بر آن، ایرانی ها فرصت مشارکت در خلاصی اقتصاد جهانی از سلطه دلار را دارند. هژمونی جهان غرب به هژمونی دلار کمک می کند. رئیس گفت: «برای ایجاد نظم اقتصادی جدید باید این ابزار هژمونی در عمل جهانی حذف شود و از ارزهای ملی در تسویه حساب بین کشورها استفاده شود.»

در حقیقت، شرکت کنندگان در اجلاس سازمان همکاری شانگهای درباره دلارزدایی از تجارت جهانی نیز صحبت کردند. به ویژه، پوتین که گفت ۸۰ درصد از کل معاملات تجاری میان روسیه و چین به روبل و یوان است و همچنین، شی جین پینگ، رئیس جمهوری چین که از همه کشورهای عضو خواست تا حجم مبادلات تجاری را با ارزهای ملی افزایش دهند. و این فقط در مورد تغییر نظم تجارت نیست، بلکه در مورد باز نویسی قوانین روابط اقتصادی جهانی است. جمعه می گوید: «تهران معتقد است، نظم جدید اقتصادی در جهان توسط سران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای تنظیم خواهد شد. بنابراین، شرکت در سازمان همکاری شانگهای ضروری است.»

چشم‌انداز و پیامدهای شکل‌گیری آسیای مرکزی بزرگ بر اساس ایده «کامکا»



در این طرح‌ها بوده و بعضاً درصدد جانمایی ایده‌های خود در این گفتمان‌های جدید ژئوپلیتیکی هستند. در واقعیت آنچه سرانجام این ایده‌ها و گفتمان‌های ژئوپلیتیکی را مشخص می‌کند نخست، سیاست قدرت بوده و دوم برآیند تعارض و تعامل منافع بازیگران مختلف در خلال این مناظرات گفتمانی است که به تخصیص منابع منجر می‌شود. یکی از این ایده‌ها «کامکا» است که شکل‌دهی به آسیای مرکزی بزرگ‌تر را با محوریت شرق-غرب مدنظر قرار می‌دهد. در این گزارش تلاش می‌شود تا با بررسی مجمع کامکا این گفتمان ژئوپلیتیکی مورد بررسی قرار گرفته و اهداف و رویکردهای آن ارزیابی شود.

مجمع کامکا

کامکا که مخفف انگلیسی چهار منطقه/کشور آسیای مرکزی-مغولستان-قفقاز-افغانستان است، در برخی برداشت‌ها به عنوان «آسیای مرکزی بزرگ» شناخته می‌شود. در حال حاضر کامکا به عنوان یک مجمع متشکل از نمایندگان ۱۰ کشور، یک پلتفرم سیاسی برای گفت‌وگو در زمینه‌های رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی بین کشورهای این حوزه است و درعین‌حال در راستای گفتمان‌سازی ژئوپلیتیک این مناطق عمل می‌کند. البته کامکا در ادبیات رسمی، خود را یک سازوکار غیرسیاسی و صرفاً توسعه‌ای معرفی می‌کند که این گفته در عمل به‌سختی قابل پذیرش است. ایالات‌متحده آمریکا در چارچوب سازمان‌های غیردولتی از این مجمع حمایت کرده و آن را توسعه می‌دهد. آخرین نشست‌های مجمع کامکا در سال‌های ۲۰۱۹، ۲۰۲۲، ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ به ترتیب در

نویسنده: امید رحیمی؛ پژوهشگر موسسه مطالعات راهبردی شرق کامکا به صورت کلی در قالب دو هويت کارکردی قابل بررسی است. نخست، به عنوان یک مجمع سیاسی-اقتصادی که با حمایت ایالات‌متحده آمریکا در منطقه فعالیتی بالغ بر ۱۰ سال را تجربه کرده است و دوم به عنوان یک ایده یا گفتمان ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و ژئوکالچری که مجدداً توسط آمریکا توسعه یافته است. هر کدام از این وجوه کارکردی می‌تواند اهداف، رویکردها و دلالت‌های مختلفی را دنبال کند.

مقدمه

از آغاز جنگ اوکراین ژئوپلیتیک، ژئواکونومی و حتی ژئوکالچر آسیای مرکزی مدام در طرح‌ها و ایده‌های مختلفی در غرب بازتعریف شده است. محوریت این طراحی و ایده‌پردازی، انفکاک تدریجی از روسیه است به نحوی که وابستگی‌های جغرافیایی این منطقه به مسکو، به حداقل رسیده و بازیگران دیگر، قابلیت برقراری توازن در مقابل روسیه و البته چین را داشته باشند. هدف‌گذاری این ایده‌پردازی‌ها و گفتمان‌سازی‌ها بازنمایی جایگاه آسیای مرکزی در شرایط جدید اوراسیا و فضای گذار در نظم بین‌المللی است. درعین‌حال این طرح‌ها با نگاه به رویکردهای منطقه‌ای غرب با توجه به تعاملات جهانی در منابع خاص همچون انرژی هیدروکربنی، اورانیوم یا فلزات خاص یا تحولات افغانستان یا قفقاز جنوبی نیز توسعه یافته‌اند. درحالی که روسیه در مقابل این گفتمان‌های عمدتاً ژئوپلیتیکی مقاومت و مخالفت نشان داده است، کشورهای آسیای مرکزی با رویکردی عمل‌گرایانه در حال بررسی موقعیت و منافع خود

بر مجمع سیاسی به‌عنوان پلتفرم گفت‌وگو ساز و پیش‌برنده بخش‌هایی از وجوه اجرایی این گفت‌وگو، می‌تواند اهداف و رویکردهای تجمعی را نیز در بر داشته باشد که مهم‌ترین آن‌ها به شرح ذیل است:

● در شرایطی که روسیه طی سه دهه اخیر تلاش‌های نظام‌مندی برای یکپارچگی اوراسیایی با اتصال حداکثری مناطق مختلف، ذیل نظم اوراسیایی پسا شوروی داشته است، گفت‌وگو غرب خروج زیرسیستم‌های اوراسیایی همچون آسیای مرکزی از نظم اوراسیایی مدنظر مسکو و تعریف آنها به‌عنوان یک منطقه مستقل بوده است. هدف‌گذاری این رویکرد از سوی غرب تبدیل اوراسیا از یک ابرمنطقه‌هارمونیک به یک منطقه، با زیرسیستم‌های متمایز و حتی متعارض است؛ نظیر آنچه در جنوب غرب آسیا شکل گرفته است. بنابراین کامکا در عین نگاه به اتصال بیشتر بین چند زیرسیستم منطقه‌ای در اوراسیا، شرق آسیا و جنوب آسیا، نگاه انفکاک‌ی قدرتمندتری در عمق گفت‌وگو ژئوپلیتیکی خود دارد. این اتصال را کامکا در قالب «آسیای مرکزی بزرگ» تعریف می‌کند، اما واقعیت آن است که در عمل یک آسیای مرکزی مستقل از اوراسیا با رویکردهای میان منطقه‌گرایانه شرقی و غربی مدنظر آن است.

● اتصال ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی در چارچوب اهداف ژئواکونومیک یکی از ایده‌های غرب پس از فروپاشی شوروی بوده و در عین حال اتصال آسیای مرکزی و جنوبی با محوریت افغانستان نیز از سال ۲۰۱۱ به طور جدی از سوی آمریکا دنبال شده است. آنچه در کامکا، جدید و مبتکرانه است، اتصال مغولستان به‌عنوان یک بازیگر نوظهور اوراسیایی است. در سال ۲۰۱۹ آمریکا و مغولستان موافقت‌نامه مشارکت راهبردی را با حضور رؤسای جمهور دو کشور در واشنگتن به امضا رساندند که در آن به‌وضوح همکاری در حوزه‌های امنیتی و دفاعی با رویکردهای ژئوپلیتیکی مورد توجه قرار گرفته بود. به نظر می‌رسد موقعیت منحصر به فرد مغولستان بین چین و روسیه و در عین حال پیوستگی‌های تاریخی، فرهنگی و تمدنی با آسیای مرکزی، ایده همگرایی سیاسی در شرایط عدم وجود پیوستگی جغرافیایی را توسعه داده است. تأثیرگذاری بر کانون‌های مجاور ژئوپلیتیکی در مناطق شمالی سین‌کیانگ و نیز مناطق جنوبی روسیه در جمهوری آلتای (که عموماً ترک‌نشین است) از جمله اهداف کلیدی این اتصال در نظر گرفته می‌شود. میزبانی اولان باتور در مجمع کامکا در سال ۲۰۲۵ می‌تواند نقطه عطفی در رویکردهای ژئوپلیتیکی فوق‌الذکر در قبال مغولستان باشد.

● آمریکا رویکردهای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک جدید خود را در قبال آسیای مرکزی پس از جنگ اوکراین در قالب «تکثر گفت‌وگویی» پیگیری می‌کند. این مدل مبتنی بر ارائه یک رویکرد ژئوپلیتیکی در قالب گفت‌وگوهای مختلف، از طرف بازیگران مختلف (عموماً قدرت‌های میانی و منطقه‌ای) و در خلال فرصت‌های متعدد است. این تکثر گفت‌وگویی با تخصیص منابع قابل توجه تنها روشی است که تغییر نگاه دولت‌های منطقه و هدایت منابع آن‌ها به سمت رویکردهای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک مورد نظر غرب را در کوتاه و میان‌مدت میسر می‌سازد. واقعیت آن است که غرب علی‌رغم علاقه شدید به گفت‌وگوهای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک فوق‌الذکر، تمایل و توان زیادی برای سرمایه‌گذاری چند ده میلیارد دلاری در آنها نداشته و از این حیث با صرف هزینه‌ای کمتر از یک صدم آن (چند صد میلیون دلار) در حوزه‌های نرم و گفت‌وگویی، در تلاش است تا منابع و اراده‌های داخلی کشورهای آسیای مرکزی را به سمت این

شهرهای تاشکند، واشنگتن، آلماتی و بیشکک برگزار شده است. آخرین نشست این مجمع به میزبانی قرقیزستان با حضور بیش از ۳۰۰ نفر از نمایندگان بخش خصوصی و دولتی کشورهای عضو و مشارکت ۶۰ سخنران از ۲۵ کشور در ماه ژوئن در هتل شرایتون بیشکک برگزار شد. اگرچه تقریباً از تمام کشورهای این حوزه، نمایندگانی در این نشست حاضر بودند، با این حال از ترکمنستان تنها یک نماینده در این نشست حاضر شده بود و به دلیل اختلاف‌های تاجیکستان و قرقیزستان و همچنین ارمنستان و آذربایجان، نمایندگان تاجیکستان و ارمنستان نیز مجال کمتری برای ارائه دیدگاه‌ها یافتند. سخنرانان اصلی این مجمع «فردریک استار»، رییس موسسه آسیای مرکزی و قفقاز (مستقر در واشنگتن)، عادل بایسالوف (معاون نخست‌وزیر قرقیزستان)، تری‌هاکالا (نماینده ویژه اتحادیه اروپا در آسیای مرکزی)، نوریه کونتایوا (وزیر توسعه دیجیتال قرقیزستان)، آپسولو ماماشوا (نماینده جورجیو کنش قرقیزستان)، لیرا سامیکباوا (معاون وزیر آموزش و علوم قرقیزستان) و سنجر بولوتوف (معاون وزیر اقتصاد قرقیزستان) بودند. این سطح از سخنرانان اصلی و مهمانان عالی‌رتبه به‌وضوح سطح بالای نشست مذکور و اهمیت گفت‌وگوهای ارایه شده را نشان می‌دهد. اسپانسرهای اصلی مجمع بیشکک نیز مجموعه‌ها و نهادهایی همچون پارک فناوری‌های پیشرفته بیشکک، بنیاد استرلینگ، مرکز کارآفرینی بین‌المللی بخش خصوصی (CIPE) و بانک آسیا (مستقر در قرقیزستان) بودند.

تمرکز کلیدی مجمع کامکا در بیشکک بر روی اتصال میان منطقه‌ای بود که به طور ویژه بر کریدور میانی تأکید داشت. در این نشست در چارچوب جلسات مختلف این جمع‌بندی مطرح شد که اقتصاد کشورهای آسیای مرکزی علی‌رغم رشد پایدار ۷۰ درصدی در طول ۷ سال گذشته و عبور تولید ناخالص ملی این کشورها از مرز ۴۵۰ میلیارد دلار، کامکان به دلیل عدم اتصال ژئواکونومیک و بحران ترانزیتی، با محدودیت‌های زیادی مواجه است. در عین حال محور دیگر این نشست روند فزاینده علائق بازیگران مختلف در سطح جهانی به آسیای مرکزی با توسعه پلتفرم‌های «آسیای مرکزی+» بود. این موقعیت، نتیجه تحولات ژئوپلیتیکی جهان ارزیابی شد و متناظر با آن گفت‌وگوهای ژئوپلیتیکی جدید نیز مورد بررسی قرار گرفت. در همین راستا، برخی پل‌ها و نشست‌های ویژه در خلال مجمع کامکا به ارزیابی‌های جدید ژئوپلیتیکی می‌پرداخت. حوزه‌های دیگری همچون اولویت‌های امنیتی در آسیای مرکزی، نوآوری و دیجیتال‌سازی در تجارت و اقتصاد، همکاری با افغانستان و پروژه‌های زیرساختی در حوزه دریای خزر نیز از دیگر محورهای مطرح شده در این نشست بود.

اهداف و رویکردها

کامکا به صورت کلی در قالب دو هویت کارکردی قابل بررسی است. نخست، به‌عنوان یک مجمع سیاسی-اقتصادی که با حمایت ایالات متحده آمریکا در منطقه فعالیتی بالغ بر ۱۰ سال را تجربه کرده است. و دوم به‌عنوان یک ایده یا گفت‌وگو ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و ژئوکالچری که مجدداً توسط آمریکا توسعه یافته است. هر کدام از این وجوه کارکردی می‌تواند اهداف، رویکردها و دلالت‌های مختلفی را دنبال کند. تجمیع و پیوند این دو هویت کارکردی با یکدیگر و انطباق رویکرد ژئواستراتژیکی

جذب برخی نیروهای خود در دولت آمریکا ارتباط خوبی را نیز با شبکه دیپلمات‌ها و کارکنان دولتی آمریکا در منطقه دارند که مقوم این طرح‌های نفوذ خواهد بود.

جمع‌بندی

به‌عنوان یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر باید پذیرفت که در نتیجه تحولات جنگ اوکراین و تنش‌های بی‌سابقه غرب و روسیه، آسیای مرکزی در آستانه یک گذار استراتژیک قرار گرفته است. این گذار در یک رقابت شدید بین گفتمان‌های روسی و چینی و نیز گفتمان‌های غربی در حال شکل‌گیری است. شایان ذکر است که گفتمان‌های روسی و چینی در این میان، لزوماً هم‌گرا نبوده و به طریق مشابه روند واگرایانه‌ای را با گفتمان غربی دنبال نمی‌کنند. بلکه هر سه گفتمان نگاه عمل‌گرایانه‌ای را له یا علیه گفتمان‌های دیگر در رویکردهایی چندلایه دنبال می‌کنند. در چنین فضایی قدرت‌های منطقه‌ای همچون ترکیه، هند، پاکستان، برخی کشورهای اروپایی و حتی برخی کشورهای عربی نیز گفتمان‌های بدیل خود را در این دوره گذار مطرح کرده‌اند. این رفتار نه صرفاً در نتیجه یک راهبرد جاه‌طلبانه، بلکه در پاسخ به یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر و در رویکردی عمل‌گرایانه در تداوم گفتمان‌های اصلی و قدرتمند منطقه تعریف شده و با اتصال به آنها منافع بلندمدت را تعریف می‌کند. در چنین شرایطی، تعریف گفتمان استراتژیک ایران در آسیای مرکزی به نحوی که وجوه اشتراک و افتراق آن در رویکردی عمل‌گرایانه با گفتمان‌های روسی، چینی و غربی قابل شناسایی باشد، یکی از ضروریات رفتار استراتژیک ایران در قبال آسیای مرکزی است. طبیعتاً صرف تعریف گفتمان نمی‌تواند منافع ایران را تأمین کند و پیگیری عملی روندهای اجرایی مرتبط با آن، از ضروریات است. طبیعی است که ایران از قابلیت‌های غرب برای رویکردهای تکثرگرایانه گفتمانی در حوزه ژئوپلیتیکی برخوردار نیست و تخصیص منابع تنها راه پیشبرد این گفتمان محسوب می‌شود. در عین حال باید توجه داشت که پیشبرد این گفتمان نه در کوتاه و میان‌مدت، بلکه در بلندمدت منافع ایران را در نظم جدید ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی تضمین خواهد کرد.

طرح‌های ژئوپلیتیکی هدایت کند. کامکا نیز یک بخش از این طرح بزرگ غرب در قبال آسیای مرکزی است که ایده‌هایی همچون کریدور میانی و در سطحی بالاتر جریان ژئواکونومیکی شرق به غرب را به‌عنوان بدیل جریان قدرتمند کنونی شمال به جنوب، دنبال می‌کند.

● کامکا به‌عنوان یک مجمع همچون بسیاری از دیگر سازوکارهای آمریکایی شکل‌دهی به یک شبکه ارتباطی و نخبگانی را مدنظر قرار می‌دهد. نقطه آغاز مجمع سیاسی کامکا یک فلوشیپ/دوره تکمیلی مشترک بین بنیاد رامسفلد (تأسیس شده توسط وزیر دفاع سابق آمریکا) و مؤسسه آسیای مرکزی و قفقاز (مستقر در واشنگتن) در سال ۲۰۱۳ بود. این فلوشیپ‌ها و دوره‌های آموزشی محور بحث و تبادل نظر درباره گفتمان‌های ژئوپلیتیکی جدید را فراهم آورده و زمینه انتقال آنها را نیز مهیا می‌کند. مجمع کامکا در نشست آلمانی در سال ۲۰۲۳ یک تفاهم‌نامه همکاری با جامعه مطالعات اوراسیایی نیز به امضا رسانده است. این مجمع همچنین یک شبکه ارتباطی رسانه‌ای شامل شبکه تلویزیونی، رادیویی و خبرگزاری را برای پوشش ایده‌های خود در آسیای مرکزی در تعامل با بیش از ۴۰ رسانه تشکیل داده است.

● در کنار رویکردهای گفتمانی، کامکا می‌تواند بستری برای بسط شبکه نفوذ از طریق دوره‌های آموزشی و طرح‌های گفتمانی نیز در نظر گرفته شود. مخاطبین طرح‌های آموزشی کوتاه‌مدت این مؤسسات صرفاً دانشجویان و فعالان اجتماعی نیستند، بلکه دایره وسیعی از کارکنان دولت، نخبگان سیاسی، پرسنل نظامی و حتی فرزندان رهبران بالقوه را نیز شامل می‌شود. این رویکرد در کنار مأموریت‌های احتمالی کامکا در حوزه اطلاعاتی و عملیاتی می‌تواند بسترساز نفوذ عملیاتی در آسیای مرکزی شود. این برداشت به دلیل آن است که بنیاد رامسفلد و مؤسسه آسیای مرکزی و قفقاز هر دو پیمانکاران برخی از طرح‌های امنیتی و اطلاعاتی دولت آمریکا محسوب می‌شوند. وجود نهادهایی همچون سیا، کالج نظامی آمریکا، اف بی آی، دانشکده جنگ دریایی، نیروی هوایی آمریکا، وزارت دفاع ایالات متحده، ناسا و دانشگاه دفاع ملی در میان حامیان این بنیادها به‌وضوح این امر را به اثبات می‌رساند. این نهادها همچنین به‌واسطه



بریکس و تله بدهی صندوق بین‌المللی پول



یک صندوق پولی «جایگزین» برای صندوق بین‌المللی پول ایجاد شده است، اما از قضا، برای استفاده از آن به نعمت صندوق بین‌المللی پول نیاز دارد. این در شرایطی متفاوت از امروز ایجاد شد، که در آن ما هنوز چنین تشدید تناقضات بین قدرت‌های امپریالیستی و اکثریت جهانی را تجربه نکرده بودیم. مارکو فرناندز، می‌نویسد، اما تاریخ نیازمند تغییر است.

در دو سال گذشته، BRICS محبوبیتی را تجربه کرده است که تاکنون تجربه نکرده بود. علاوه بر گسترش در سال ۲۰۲۳، لیست کشورهایی که مایل به پیوستن به این گروه هستند به‌طور مداوم در حال افزایش است. با این حال، گسترش عضویت کامل به‌طور موقت به حالت تعلیق درآمده است، زیرا در حال حاضر ظرفیت برای الحاق کشورهای بیشتری وجود ندارد. در عوض، ایجاد مقوله «کشورهای شریک» مورد بحث است، راه‌حلی شبیه به «ناظران» در سازمان همکاری شانگهای. از یک سو، محبوبیت بریکس، شکاف‌هایی در هژمونی قدرت‌های غربی را نشان می‌دهد، هژمونی که با جنگ اوکراین، هزاران تحریم اعمال شده بر کشورهای جنوب جهانی و حمایت بی‌قید و شرط از کشتار مردم فلسطین از بین رفته است. از سوی دیگر، این محبوبیت جدید، فشار بر بریکس را در سال‌های آینده افزایش می‌دهد تا جایگزین‌های مشخصی برای فوری‌ترین خواسته‌های جنوب جهانی مانند توسعه اقتصادی، مقابله با بحران‌های اقلیمی و زیست‌محیطی، و مبارزه با فقر و نابرابری ارائه کند.

در فرآیند مقابله و حل و فصل برخی از خواسته‌های ضروری جنوب جهانی، من معتقدم که در ترتیبات ذخیره احتمالی [CRA] (i) ایجاد شده توسط بریکس، پتانسیل استفاده نشده‌ای وجود دارد. با حمایت سران کشورهای عضو، می‌توان تصمیمات سیاسی در مورد CRA اتخاذ کرد که ممکن است راه‌حلی کوتاه‌مدت برای یک موضوع اقتصادی فعلی در بسیاری از کشورها فراهم کند.

اهمیت و تناقضات CRA

در سال ۲۰۱۴، اعضای بریکس در اجلاس فورتلزا (برزیل) تأسیس بانک توسعه جدید و فرمان ایجاد CRA تصویب کردند. در حالی که به اصطلاح «بانک BRICS» به عنوان جایگزینی برای بانک جهانی در نظر گرفته شد، CRA قصد داشت جایگزینی برای صندوق بین‌المللی پول شود. CRA تلاش می‌کند کمک‌های اضطراری

ذخایر بین‌المللی قابل توجهی هستند و تردید وجود دارد که در کوتاه‌مدت یا میان‌مدت به این صندوق نیاز داشته باشند. به این ترتیب، این صندوق ۹ سال است که وجود داشته و هرگز مورد استفاده قرار نگرفته است. از سوی دیگر - و مثل همیشه - بسیاری از کشورهای جنوب جهانی در حال حاضر به وام‌های صندوق بین‌المللی پول وابسته هستند، از جمله غنا، سریلانکا، پاکستان، آرژانتین و کنیا، که جمعیت آنها هفته‌ها است که اعتراضات گسترده‌ای را علیه افزایش مالیات درخواست شده توسط صندوق بین‌المللی پول انجام داده است.

شرایط این وام‌ها ادامه همان خط نئولیبرالی ریاضت مالی دهه‌های اخیر است: کاهش هزینه‌های اجتماعی و باز کردن بیشتر بازارهایشان به روی سرمایه خصوصی بین‌المللی (از شمال جهانی)، دستورالعملی که قبلاً اقتصادهای ملی بی‌شماری را ویران کرده است. حتی دو عضو جدید BRICS در این وضعیت وجود دارد: اتیوپی و مصر، که این دومی علاوه بر عضویت در BRICS. همچنین یکی از اعضای NDB است که عضو دیگری به نام بنگلادش نیز در همین وضعیت دارد. اتیوپی در دسامبر ۲۰۲۳ (۳۱ میلیون دلار آمریکا) خدمات بدهی خود را نکول کرد و باشگاه پاریس برای تضمین وام ۳۰۵ میلیارد دلاری از صندوق بین‌المللی پول به عنوان شرط تعلیق پرداخت بدهی در سال ۲۰۲۵ تحت فشار است.

را به کشورهای بریکس در صورت بروز مشکلات نقدینگی در ذخایر بین‌المللی آنها تضمین کند. به عبارت دیگر، اگر کشوری خود را با سطح پایینی از ذخایر ارز خارجی (در واقع دلار) بیابد که خطری کوتاه‌مدت برای عملیات تجارت بین‌المللی یا پرداخت خدمات بدهی‌اش ایجاد می‌کند، CRA پرداخت منابع لازم برای جلوگیری از تعلیق تجارت بین‌المللی یا حتی عدم پرداخت بدهی خارجی را فراهم می‌کند.

این یک صندوق ۱۰۰ میلیارد دلاری است که سهم آن به شرح زیر تقسیم می‌شود: ۴۱ درصد از چین، روسیه، برزیل و هند هر کدام ۱۸ درصد و ۵ درصد از آفریقای جنوبی. قدرت رای هر کشور با وزن کمک مالی آن مطابقت دارد، بنابراین یک کشور به تنهایی دارای حق وتو نیست - همانطور که در مورد ایالات متحده در صندوق بین‌المللی پول وجود دارد. بر اساس این قرارداد، پول در بانک‌های مرکزی مربوطه باقی می‌ماند و در صورت درخواست از طریق سوآپ ارز بین دلار موجود در ذخایر کشورهای ارایه‌دهنده و ارز محلی کشور درخواست‌کننده برداشت می‌شود.

این یک توافق اساسی است، زیرا کمبود ذخایر بین‌المللی مبنای مادی اقدامات انحرافی صندوق بین‌المللی پول در اقتصادهای جنوب جهانی در دهه‌های اخیر بوده است. اما یک تناقض وجود دارد: پنج کشور بریکس که آن را ایجاد کرده‌اند دارای



مجمع اقتصادی شرق و هدف گذاری روسیه برای توسعه خاور دور

در سطح جهانی تقویت کند و مخاطرات مرتبط با تحریم‌های شدید غربی را کاهش دهد؛ تحریم‌هایی که در سال ۲۰۲۲، اقتصاد آن را به نسبت سال قبل، ۲.۱ درصد کوچک‌تر کرده بود (Norfleet, et al., 2023: 97).

روسیه به منظور بهبود شاخص‌های توسعه در منطقه خاور دور، سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی انجام داده است. مسکو در دهه گذشته برنامه‌هایی برای یکپارچه‌سازی منطقه خاور دور روسیه با منطقه آسیا - اقیانوسیه اجرا کرده است که بر زمینه‌های اجتماعی، زیرساختی، آموزشی و تحقیقاتی متمرکز شده‌اند و درصدد تقویت صادرات و دستیابی به فناوری‌های جدید در خاور دور بوده‌اند. این اقدامات، فرصت‌هایی برای ایجاد ائتلاف، انجام تجارت، سرمایه‌گذاری‌های پایدار و بهره‌برداری از رویکردهای مدرن و کارآمد در همکاری‌های تجاری فراهم می‌کنند. هدف اصلی مجمع اقتصادی شرقی، نه فقط تقویت گفت‌وگو با شرکای بین‌المللی روسیه، بلکه ترویج ایده توسعه منطقه خاور دور و هماهنگی سیاست‌های دولت در این زمینه نیز می‌باشد (Bordachev, 2024).

تشکیل مجمع اقتصادی شرق

با دستور اجرایی شماره ۲۵۰ رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه در ۱۹ مه ۲۰۱۵ در خصوص مجمع اقتصادی شرق که قرار شد به‌طور سالانه در شهر ولادیواستوک برگزار شود، به ضرورت وجود بستری جهت همگرا کردن سیاست‌های توسعه‌ای در خاور دور پاسخ داده شد. اکنون مجمع اقتصادی شرق از یک رویداد منطقه‌ای به مجمعی بین‌المللی ارتقا یافته که شرکت‌کنندگانی از رهبران جهان و نمایندگان تجاری را به خود جلب کرده است. هدف مجمع اقتصادی شرقی، فراهم کردن بستری بین‌المللی با هدف تقویت و توسعه ارتباطات در میان سرمایه‌گذاران روسی و بین‌المللی برای خاور دور است. همچنین، این مجمع،

نویسنده سعید خاوری نژاد، دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه دولتی تحقیقات ملی تومسک، فدراسیون روسیه

فشار مضاعف تحریم‌های بین‌المللی از ۲۰۱۴ که انگیزه‌ای برای تأسیس مجمع اقتصادی شرق شد پس از ۲۰۲۲ و تشدید تحریم‌های اقتصادی بر کرملین، اولویت توسعه خاور دور را بیشتر مورد توجه قرار داد.

در این یادداشت، فعالیت‌های روسیه با هدف گسترش روابط تجاری با دولت‌های منطقه آسیا - اقیانوسیه مورد بررسی قرار می‌گیرد که نقطه اوج آن، تأسیس مجمع اقتصاد شرق در سال ۲۰۱۵ به منظور توسعه خاور دور است. همچنین سیر تحول و تکامل دستور کار و فعالیت‌های صورت پذیرفته در نشست‌های سالانه این فوروم از طریق بررسی اهداف سالانه و انتظارات و دیدگاه‌های رئیس‌جمهور روسیه در حمایت از این مجمع تبیین می‌شود.

قرار است نهمین دوره از مجمع اقتصادی شرق از ۳ تا ۶ سپتامبر ۲۰۲۴ در ولادیواستوک در روسیه، برگزار شود. این مجمع که در ۲۰۱۵ با فرمان رئیس‌جمهور روسیه تأسیس شد، به عنوان بستری مهم به منظور توسعه اقتصادی و همکاری بین‌المللی در خاور دور روسیه شناخته می‌شود (Boykova, 2021). دولت روسیه با برگزاری مجمع اقتصادی شرق درصدد است با سرمایه‌گذاران بین‌المللی تعامل کند و بر پایه اصل برد - برد، توافقی‌هایی تجاری با آنها منعقد کند و ضمن توسعه منطقه خاور دور، همکاری‌های اقتصادی در منطقه آسیا - اقیانوسیه را نیز افزایش دهد. ابعاد مختلف این سیاست دولت روسیه با توجه به فرصت‌ها و چالش‌هایی که در منطقه خاور دور و ظرفیتی که در شرکای تجاری مسکو وجود دارد، زمینه مباحث مختلفی میان تحلیلگران فراهم کرده است. در سال‌های اخیر، روسیه جهت ایجاد ارتباطات میان بخش‌های اقتصادی خود و دولت‌ها، شرکت‌ها و کسب و کارهای خارجی فعالیت‌هایی کرده است تا موقعیت اقتصادی خود را



جهان تبدیل شد و روسیه آن را به عنوان مرکزی به منظور سرمایه‌گذاری، توسعه زیرساخت‌ها و گسترش روابط تجاری در نظر گرفت. با تمرکز راهبردی مسکو بر خاور دور و افزایش علاقه بین‌المللی به این منطقه، مجمع اقتصادی شرق به عرصه‌ای چندوجهی تبدیل شد که مشارکت سرمایه‌گذاران منطقه‌ای و جهانی را به خود جلب کرده است. مجمع اقتصادی شرق، تصویر سیاسی فدراسیون روسیه و همچنین قابلیت‌های اقتصادی آن را بهبود داده است (Lezhenina & Nguyen, 2016). تأثیر اصلی این مجمع را می‌توان شامل وجهه‌سازی و نشان دادن ابزارهای جذب سرمایه‌گذاران برای نوسازی و توسعه زیرساخت‌های خاور دور دانست که به طور عمده عبارت بوده‌اند از احداث یک بندر آزاد، ۹ منطقه ویژه اقتصادی پیشرفته، رژیم‌های ویژه مالیاتی، گمرکی و غیره (Golobokov, 2015).

سیر تحول دستور کار مجمع اقتصادی شرق

اولین مجمع که در ۳ سپتامبر ۲۰۱۵ برگزار شد، شرایط و ابزارهای اصلی به منظور تضمین توسعه اجتماعی - اقتصادی مناطق شرقی فدراسیون روسیه، جذب سرمایه‌گذار به منطقه خاور دور از طریق همکاری‌های مرزی فعال‌تر، گسترش آزادی اقتصادی، فراهم کردن شرایط بهتر برای سرمایه‌گذاران داخلی جهت تجارت و جذب شرکای خارجی و تحقق بومی سازی تولید در خاور دور را مطرح کرد (Golobokov, 2015). پوتین در سخنرانی خود در این اجلاس، اولویت‌های کرملین برای توسعه خاور دور روسیه را تشریح کرد: «اولویت‌های اصلی ما در خاور دور شامل سیاست توسعه اجتماعی فعال، ساخت زیرساخت‌های حمل و نقل و آموزشی مدرن، مسکن مقرون به صرفه و نظام بهداشتی است که خدمات باکیفیت ارائه بدهند. طبیعی است که در حال گسترش آزادی اقتصادی و فراهم کردن شرایطی بهتر برای سرمایه‌گذاران روسی و خارجی به منظور انجام کسب و کار باشیم» (President of Russia, 2015).

دومین مجمع که در ۳ سپتامبر ۲۰۱۶ برگزار شد، با حضور هیات‌هایی از ۵۶ کشور مختلف و با امضای بیش از ۲۱۴ توافقنامه به ارزش کل ۱۸۵ میلیارد روبل برگزار شد که نشان داد نه فقط روسیه، بلکه کشورهای شرق آسیا نیز به مناطق خاور دور توجه کرده‌اند (Lezhenina & Nguyen, 2016). در طول این مجمع که با حضور ۳ هزار شرکت کننده برگزار شد،

ارزیابی کاملی از قدرت اقتصادی خاور دور روسیه، چشم‌اندازهای سرمایه‌گذاری و محیط کسب و کار در مناطق اقتصادی ویژه پیشرفته انجام داده است و فرصت‌های سرمایه‌گذاری را در اختیار علاقه‌مندان قرار داده است.

نقش این مجمع در تقویت پایداری، رفاه و شکل‌گیری نظم جهانی چندقطبی در اوراسیا، که در هفتمین مجمع در ۲۹ اگوست ۲۰۲۲ مورد تأکید رییس‌جمهور روسیه نیز قرار گرفت، اهمیت آن را نشان می‌دهد (Abramova et al., 2022). ولادیمیر پوتین در نشست آن سال تأکید کرد که روسیه در پاسخ به تحریم‌های غربی، به سمت کشورهای دوست، به ویژه اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا و بریکس حرکت می‌کند (Turmanidze, 2024): «مدل تک قطبی منسوخ در حال جایگزینی با نظم جهانی جدیدی است که بر اساس اصول اساسی عدالت و برابری و همچنین به رسمیت‌شناسی حق کشورها و مردم برای مسیر مستقل توسعه خود است» (President of Russia, 2022).

تلاش‌های روسیه به منظور گسترش روابط با اقتصادهای جهان در چارچوب جهانی چندقطبی، با مشارکت فعال آن در نشست‌های بین‌المللی و همچنین برگزاری مجامع بین‌دولتی همراه شده است.

تلاش‌های روسیه به منظور گسترش روابط با اقتصادهای جهان در چارچوب جهانی چندقطبی، با مشارکت فعال آن در نشست‌های بین‌المللی و همچنین برگزاری مجامع بین‌دولتی همراه شده است. در حالی که روسیه میزبان بیست و هفتمین مجمع بین‌المللی اقتصادی سن پترزبورگ (۵ تا ۸ ژوئن ۲۰۲۴)، پانزدهمین مجمع اقتصادی جهان اسلام - روسیه در کازان (۱۴ تا ۱۹ مه ۲۰۲۴) و همچنین دو مجمع در سال ۲۰۲۳ یعنی دومین مجمع اقتصادی و انسانی روسیه - آفریقا (۲۷ تا ۲۸ ژوئیه ۲۰۲۳) و مجمع بین‌المللی نظامی - فنی آرمی - ۲۰۲۳ (۱۴ تا ۲۰ اگوست ۲۰۲۳) بود، قصد دارد نهمین مجمع اقتصادی شرق را در تاریخ ۳ تا ۶ سپتامبر ۲۰۲۴ و هفتمین هفته انرژی روسیه را در ۲۶ تا ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۴ برگزار کند.

مجمع اقتصادی شرق به عنوان ابتکاری دولتی با مشارکت بین‌المللی، روسیه را قادر کرده است تا در تعیین دستور کار توسعه خاور دور تأثیرگذار باشد، همکاری اقتصادی را گسترش و تصویر بین‌المللی خود را بهبود دهد (Yang, 2021). این مجمع به سرعت به پلتفرمی پویا به منظور تعامل اقتصادی بین کشورهای

به طور کلی، به عنوان نتیجه اقدامات حمایتی اجرا شده، سرمایه‌گذاران از سال ۲۰۱۵ به اقتصاد منطقه ۶۱۲ میلیارد روبل کمک کرده‌اند و ۲۴۲ کارخانه جدید تأسیس شده است که بیش از ۳۹ هزار فرصت شغلی فراهم کرده است (TASS, 2019).

در ششمین اجلاس مجمع اقتصادی شرق در ۲۶ آگوست ۲۰۲۱، رئیس جمهور روسیه تأکید کرد که «در طول سالیان، این مجمع به عنوان بستری به منظور تقویت همکاری‌های چندجانبه و تقویت روابط تجاری بین جوامع تجاری روسیه و آسیا - اقیانوسیه، شهرتی بین‌المللی کسب کرده است (President of Russia, 2021). ششمین مجمع که با شعار «فرصت‌های خاور دور در جهانی در حال تحول» برگزار شد، به عنوان بستری تأثیرگذار برای بازیگران اقتصادی برجسته روسی و بین‌المللی عمل کرد. اهمیت پایدار این مجمع در توانایی آن در متحد کردن طیف گسترده‌ای از شرکت کنندگان، از جمله کارآفرینان باتجربه، سیاست‌گذاران متنفذ، رهبران رسانه و سازمان‌های غیردولتی بود و به منظور تعامل، بحث و بررسی درباره مهم‌ترین مسائل موجود در دستور کار منطقه‌ای و جهانی، تبادل تجربیات و اجرای پروژه‌ها و ابتکارات مشترک مهم، فرصت‌سازی کرد. شرکت کنندگان، درباره کارآمدترین روش‌ها برای بهبود محیط سرمایه‌گذاری محلی و تسریع پیشرفت زیرساخت‌های حمل و نقل، انرژی، صنعتی و گردشگری منطقه گفتگو و تبادل نظر کردند (President of Russia, 2021).

در هفتمین مجمع در ۲۹ آگوست ۲۰۲۲، تأکید شد که مجمع اقتصادی شرق نقش مهمی در جذب سرمایه‌گذاری و توسعه فناوری ایفا کرده است، در حالی که ظرفیت بالقوه اقتصادی و اجتماعی نهفته خاور دور روسیه را نیز شکوفا کرده است. ولادیمیر پوتین اهمیت ویژه‌ای به موضوع نشست ۲۰۲۳ داد که با شعار «در مسیر جهانی چندقطبی» برگزار شد و گفت: «مراکز سیاسی و اقتصادی قدرتمندی درست در این جا در منطقه آسیا - اقیانوسیه شکل می‌گیرند که به عنوان نیروی محرکه در این فرآیند غیرقابل برگشت عمل می‌کنند» (President of Russia, 2022).

روابط دوجانبه بین روسیه و کشورهای منطقه آسیا - اقیانوسیه در حال تقویت است. به همین اندازه، همکاری چندجانبه در سازمان‌هایی تأثیرگذار و بین‌المللی، برای روسیه حائز اهمیت است: اتحادیه اقتصادی اوراسیا (Eurasian Economic Union) که به عنوان بستری به منظور یکپارچگی اقتصادی و توسعه مشترک عمل می‌کند؛ سازمان همکاری شانگهای (SCO) که نقش مهمی در تقویت امنیت، ثبات و همکاری اقتصادی ایفا می‌کند؛ بریکس (BRICS) که شامل برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی، ایران، مصر، اتیوپی و امارات متحده عربی است و گروهی از اقتصادهای نوظهور را نمایندگی می‌کند؛ سازمان همکاری اقتصادی آسیا - اقیانوسیه (APEC) که تجارت، سرمایه‌گذاری و هماهنگی سیاست‌ها را تسهیل می‌کند و در نهایت، انجمن کشورهای جنوب شرق آسیا (ASEAN) که به عنوان مجمعی منطقه‌ای، گفتگو و همکاری را ترویج می‌کند.

هشتمین و آخرین اجلاس مجمع اقتصادی شرق در ۴ سپتامبر ۲۰۲۳ در ولادی‌واستوک، روسیه با موضوع برجسته «مسیر به سوی همکاری، صلح و رفاه» برگزار شد. انتخاب عمدی این موضوع توسط روسیه نشان دهنده هدف راهبردی آن برای تقویت روابط مثبت با طیف گسترده‌ای از شرکای بین‌المللی بود. در طول هشتمین مجمع، در مجموع، ۳۷۳ توافقنامه به ارزش ۳۸۱۸ هزار میلیارد روبل امضا شد (از این مقدار، ۹۷۸.۳ میلیارد روبل به صورت محرمانه بود) و به طور قابل توجهی، ۴۱ توافقنامه با شرکت‌های خارجی، از جمله ۲۶ توافقنامه با شرکت‌های چینی امضا شد (Eastern Economic Forum, 2023b).

رئیس جمهور روسیه به تلاش‌های مسکو برای توسعه خاور دور پرداخت و گزارش داد که این فعالیت‌ها منجر به جذب بیش از ۱ هزار میلیارد روبل سرمایه‌گذاری و بیش از ۳۰۰ پروژه شده است. وی از اهداف سیاست‌های توسعه‌ای روسیه برای این منطقه خبر داد و افزود: «ما برای خود هدف بزرگی تعیین کرده‌ایم، هدفی بلندپروازانه به هر معنا؛ وظیفه‌ای عظیم؛ تبدیل خاور دور به یکی از مراکز توسعه اجتماعی و اقتصادی روسیه؛ منطقه‌ای قدرتمند، پویا و پیشرفته. همان طور که گفتیم، این یکی از مهم‌ترین اولویت‌های ملی ماست» (President of Russia, 2016).

نزدیکی خاور دور روسیه به بازار در حال گسترش آسیا - اقیانوسیه، منابع فراوان و محیط طبیعی بکر آن و قابلیت‌های ترانزیتی، لجستیک و صنعتی آن، علاقه بین‌المللی فزاینده‌ای به خود جلب کرده است. این موضوع با افزایش تعداد شرکت‌کنندگان در سومین مجمع در ۳ سپتامبر ۲۰۱۷ تأیید شد. رئیس جمهور روسیه اشاره کرد که بیش از ۷۰۰ شرکت روسی و بین‌المللی از مزایای لحاظ شده برای این منطقه بهره‌برداری می‌کنند: «روسیه... بهترین شرایط ممکن را برای انجام کسب و کار در خاور دور فراهم، قابلیت‌های تولیدی جدید را راه‌اندازی و شغل‌های بیشتری ایجاد می‌کند. با این هدف، مناطق ویژه اقتصادی پیشرفته‌ای ایجاد شده است که مشوق‌های مالیاتی، مقررات و نظارت دولتی تسهیل شده و زیرساخت‌های گسترده‌ای ارائه می‌کنند (President of Russia, 2017). چهارمین مجمع در ۳ سپتامبر ۲۰۱۸ در ولادی‌واستوک برگزار شد و حول شعار «خاور دور: گسترش دامنه امکانات» متمرکز شد. تمایل روسیه به ادغام بیشتر با شبکه اقتصادی گسترده منطقه آسیا - اقیانوسیه در این موضوع منعکس شد. این مجمع بر ابتکارات تجاری به ویژه در خاور دور روسیه تمرکز داشت. در مورد ایجاد مناطق اقتصادی، رئیس جمهور روسیه اظهار کرد که: «به منظور حمایت از ابتکارات تجاری در خاور دور روسیه، ما مناطق ویژه اقتصادی پیشرفته‌ای ایجاد کرده‌ایم که به شرکت‌هایی که مایل به راه‌اندازی تأسیسات تولیدی جدید هستند مشوق‌های قابل توجهی ارائه می‌دهند» (President of Russia, 2018).

علاوه بر این، تأکید زیادی بر تلاش به منظور ایجاد بندر آزاد ولادی‌واستوک شد که منطقه‌ای با چارچوب قانونی متمایز است که قوانین گمرکی، مالیاتی و اداری مطلوبی به سرمایه‌گذاران ارائه می‌دهد. سیستم بندر آزاد در پنج منطقه در داخل منطقه فدرال خاور دور فعال است: قلمرو پریموریه، کرای خاباروفسکی، منطقه کامچاتکا، منطقه ساخالین و منطقه خودمختار چوکوتکا (Eastern Economic Forum, 2023a).

مجمع اقتصادی شرق در پنجمین نشست سالانه خود در ۲۰ آگوست ۲۰۱۹ قصد داشت اهمیت روسیه به عنوان عضوی مهم در اوراسیا و تعهد آن به رشد منطقه آسیا - اقیانوسیه را مورد توجه قرار دهد. طبق گزارش‌ها، در این مجمع، ۲۷۰ قرارداد با سرمایه‌گذاران خارجی امضا شد و ۸۵۰۰ مهمان از ۶۵ کشور در آن شرکت کردند (Sukhankin, 2019). پنجمین مجمع، شعار انگیزشی «خاور دور - افق‌های توسعه» را انتخاب کرده بود که نشان دهنده اعتقاد روسیه به تقویت همکاری‌ها بین شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران روسیه و منطقه آسیا - اقیانوسیه است. رئیس جمهور روسیه دیدگاه‌های خود را در این اجلاس چنین بیان کرد: «طمینان دارم که بحث‌ها... به پروژه‌های جدیدی منجر خواهد شد که به گسترش همکاری‌های متقابل سودمند کمک می‌کند. معتقدم که... این مجمع، به منظور بررسی و توافق بر سر نقشه راه اجرای برنامه توسعه ملی خاور دور به نفع ساکنان خاور دور و کل کشور، فرصتی فراهم خواهد کرد» (President of Russia, 2019).

ذخایر انرژی، به ویژه نفت و گاز در این منطقه به عنوان قطب تولید هیدروکربن در روسیه باعث می‌شود مسکو نسبت به سرعت دادن به آهنگ توسعه در این منطقه اقدام کند. فشار مضاعف تحریم‌های بین‌المللی از ۲۰۱۴ که انگیزه‌ای برای تأسیس مجمع اقتصادی شرق شد پس از ۲۰۲۲ و تشدید تحریم‌های اقتصادی بر کرملین، اولویت توسعه خاور دور را بیشتر مورد توجه قرار داد.

این مجمع با تلاش به منظور جذب سرمایه‌گذاران بین‌المللی، به ویژه از چین، ژاپن، کره جنوبی و هند که شرکای اصلی تجارت خارجی روسیه هستند، در صدد است به‌عنوان بستری اساسی به منظور ایجاد روابط تجاری با کشورهای مهم منطقه و تقویت مناسبات اقتصادی با سرمایه‌گذاران برجسته، اقتصاد خاور دور در روسیه را تقویت کند و همچنین این روند توسعه‌ای را با آهنگ سریع رشد اقتصادهای آسیا - اقیانوسیه همسو کند.

در حالی که انتظار می‌رود تلاش‌های روسیه در این منطقه شرایط زندگی افراد، سطح درآمدها و ایجاد مشاغل را به طور قابل توجهی بهبود دهد، همکاری‌ها و مشارکت‌های بین‌المللی روسیه با مراکز اقتصاد جهانی نیز از اهداف فعالیت این مجمع بوده است که با آگاهی از اهمیت راهبردی منطقه خاور دور و ظرفیت‌های تجاری مراکز آن نظیر بندر ولادی و استوک، نقش خاور دور را در پویایی‌های اقتصادی جهانی برجسته‌تر می‌کند.

مجمع اقتصادی شرق طی هشت نشست سالانه، با هدف‌گذاری برای تقویت روابط خارجی مسکو، به همکاری بین‌المللی آن نیروی جدیدی داده و به طور خاص، به بهبود روابط بین روسیه و کشورهای منطقه آسیا - اقیانوسیه سرعت داده است. مجمع، پروژه‌های زیرساختی را مورد توجه قرار می‌دهد و بخش اعظم تأکید آن بر توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل، انرژی، صنعتی و گردشگری در خاور دور بوده است. این برنامه‌ها در راستای اهداف بلندپروازانه روسیه برای تبدیل خاور دور به یکی از مراکز توسعه اجتماعی و اقتصادی روسیه انجام می‌شود.

این مجمع در صدد بود تا ابتکاری فراتر از معاملات اقتصادی ساده باشد و بر رشد پایدار و منافع متقابل تمرکز کند. مجمع اقتصادی شرق به طور مداوم به مسائل حیاتی مربوط به پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و زیرساختی در خاور دور روسیه پرداخته است (President of Russia, 2023) و در عین حال، همکاری متنوع و وحدت در منطقه آسیا - اقیانوسیه را ترویج کرده است. روسیه قصد دارد تا از مرزهای جغرافیایی خود فراتر رود و با اولویت دادن به گفتگو، همکاری و منافع متقابل، به شکل‌گیری نظم جهانی عادلانه‌تری کمک کند.

در طول هشتمین مجمع اقتصادی شرق در ولادی و استوک، روسیه نشان داد که آماده است تا در بحث‌ها درباره مسائل مهم اقتصادی منطقه‌ای شرکت کند. این مجمع بیش از ۱۰۰ جلسه در برنامه‌های اصلی تجاری خود داشت که در آن‌ها به مسائل مبرم جهانی و منطقه‌ای پرداخته شد و بیش از ۷ هزار شرکت‌کننده از ۶۲ کشور شرکت کردند، از جمله حدود ۲۴۰۰ نماینده تجاری از بیش از ۱۰۰۰ شرکت روسی و خارجی (Eastern Economic Forum, 2023b).

جلسات عمومی، بحث در پنل‌ها و میزگردهای موضوعی که توسط مجمع اقتصادی شرق سازماندهی شدند، موضوعات حیاتی تجارت، سرمایه‌گذاری، تحقیق و فناوری را بررسی کردند. رئیس‌جمهور روسیه بر ضرورت دستیابی به اهداف مجمع تأکید کرد و گفت: «شناسایی راه‌هایی به منظور ایجاد زنجیره‌های تولید و لجستیک جدید و بسیار کارآمد، نوسازی سامانه‌های حمل و نقل و انرژی و تضمین امنیت غذایی و محیط زیست در منطقه، حائز اهمیت است» (President of Russia, 2023).

جمع‌بندی

در حالی که روسیه در خاور دور با چالش فزاینده کاهش مستمر جمعیت و افزایش مهاجرت به خارج از منطقه مواجه است، حجم عظیمی از منابع طبیعی و



نوع فعالیت: طراحی ، ساخت و تامین انواع کمپرسورهای سانتریفیوژ و رفت و برگشتی جهت استفاده در صنایع نفت ، گاز و پتروشیمی ، فولاد ، دارویی ، شیشه سازی و خودرو
نشانی: تهران: میدان ونک ، خیابان ونک غربی ، پلاک ۶۱
تلفن: ۸۸۶۰۴۷۳۶-۸۸۶۰۴۷۳۵
فاکس: ۸۸۶۰۴۷۳۹
پست الکترونیک: office@otce-co.com



نچریزات نوروبو کمپرسور نفت
مدیر عامل: مر تقی کاظمی

نوع تولید: تولید ریترنگ سواری، سنگین و رام خودرو
نشانی: مشهد، کیلومتر ۸ بزرگراه آسیایی، تپش پیامبر اعظم ۱۰۱، کد پستی: ۹۱۹۷۱۷۴۹۲۹
تلفن: ۰۵۱۳۶۵۱۶۰۰۱-۴
فاکس: ۰۵۱۳۶۵۱۶۰۲۱
پست الکترونیک: info@mwmco.com
وب سایت: www.Mwmco.com



ریترنگ سازی مشهد
مدیر عامل: سهیل یزدانبخش

نوع تولید: سیستمهای آببندی ، انواع نوارهای لاستیکی آببندی (فلزدار و بدون فلز) صنعت خودرو و سایر صنایع
نشانی: شهرک صنعتی توس، فاز ۲، اندیشه ۵، دانش ۴، پلاک ۶۶۶
کد پستی: ۹۱۸۵۱۸۳۷۶۱
تلفن: ۰۵۱۳۵۴۱۳۲۰۰ ۳
فاکس: ۰۵۱۳۵۴۱۳۲۰۷
پست الکترونیک: salesoffice@pouya-gostar.com
وب سایت: <https://pouyagostar.com>



پویا گستر خراسان
مدیر عامل: سعید بخشعلی

نشانی (دفتر تهران): خیابان آزادی، روبروی وزارت تعاون و کار، کوی آشیان، پلاک ۲، طبقه اول واحد ۲
کد پستی: ۱۳۴۵۶۹۷۶۷۱
تلفن: دفتر تبریز: ۰۳-۳۴۷۵۱۴۰۱ (۰۴۱) دفتر تهران: ۶۶۳۵۱۷۸۹
فاکس: ۳۴۷۵۱۴۰۴-۰۴۱
پست الکترونیک: info@pouyapartow.com
وب سایت: www.pouyapartow.com



بازرسی فنی پویا پرتو
مدیر عامل: احمد محمدنژاد

نوع فعالیت: برگزاری تورهای تجاری، آموزشی و توریستی کشورهای حوزه تنگن، چین، کره جنوبی، ژاپن
خدمات ویزای تنگن، کانادا، انگلیس و آمریکا
نشانی: تهران، خ مطهری، خ سرافراز، وی خبرنگار یا دوم، پ ۱، ط ۳
کد پستی: ۱۵۸۶۸۳۴۹۱۵
تلفن: ۰۲۱۸۸۵۲۷۶۲۵-۰۱۷۶۱-۸۸۵۰۱۷۶۱-۸۸۵۲۷۶۲۵
پست الکترونیک: Parsa.mobin.parvaz@gmail.com



خدمات مسافرتی پارسا موبین پرواز
مدیر عامل:
سیده فاطمه مهربخش بندری



لیزینگ بانک اقتصاد نوین
مدیرعامل: ایمان فرجام نیا

نوع خدمت: تأمین منابع مالی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در صنایع مختلف جهت خرید تجهیزات و ماشین‌آلات صنعتی، خودروهای کار و سنگین، خودروهای سواری، ماشین‌آلات راهسازی، دفاتر اداری و تجهیزات پزشکی

نشانی: تهران، خیابان قائم مقام فراهانی، جنب تهران کلبینگ، کوچه ازادگان، پلاک ۱۵۲
تلفاکس: ۸۸۷۰۰۷۷۶

پست الکترونیک: info@enleasing.com

وب سایت: www.enleasing.com



بهره‌وری انرژی باغ اورنگ
مدیرعامل: روشنگر عباسی نینایوری

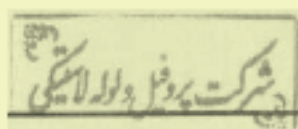
نوع فعالیت: کشاورزی و دامداری

نشانی: مشهد، بلوار شهید منتظری، نبش منتظری ۷، طبقه ۳، واحد ۷

کد پستی: ۹۱۷۶۸۷۵۴-۹

تلفن: ۰۵۱۳۸۴۵۰۹۸۶

فاکس: ۰۵۱۳۸۴۵۰۹۸۵



پروپیل و نوئده های لاستیکی
مدیرعامل: نرجس خاتون یزدانبختن

نوع تولید: تولید پروپیل و لوله های لاستیکی

نشانی دفتر مرکزی: تهران، شهرداری، اول جاده فیم، سه راه بهشتی، خیابان اول

پالایشگاه، خیابان اتیار نفت، پلاک ۱۱۰۱

کد پستی: ۱۸۷۹۹۴۴۴۱۱



بانک کارآفرین
KARAFARIN BANK

بانک کارآفرین
مدیرعامل: احمد بهاروندی

نوع فعالیت: بانکداری

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر روبروی پارک ملت خیابان ناهید غربی پلاک ۹۷

تلفن: ۲۶۲۱۵۰۰۰

فاکس: ۲۶۲۱۵۱۵۸

پست الکترونیک: Info@karafarinbank.ir

وب سایت: www.karafarinbank.ir



مؤسسه معیار آزمون پارت
مدیرعامل: عبدالعزیز دارابی

نوع فعالیت: ارائه خدمات فنی مهندسی ماشین سازی، تجهیزات و کالیبراسیون -

طراحی انواع گریج و فیکسچرهای کنترلی و اندازه گیری

نشانی: شهرک صنعتی طوس، فاز ۲، اندیشه ۵، دانش ۴، قطعه ۶۶۶

کد پستی: ۹۱۸۵۱۸۴۵۹۶

تلفن: ۰۵۱ ۳۵۴۱۳۲۰۰

فاکس: ۰۵۱-۳۵۴۱۰۵۲۲

پست الکترونیک: Alizadeh8014@yahoo.com

وب سایت: partlasticgroup.com

بانک خاورمیانه
Middle East Bank



سازمان توسعه و عمران



شرکت صنایع فلزات گیتی



شرکت صنایع فلزات گیتی



پایه تولید

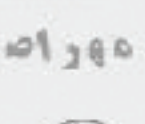
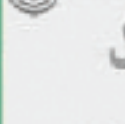
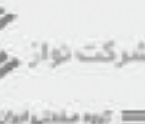
رنگ آفرین

بیعه زندگی خاورمیانه

انجمن مدیران صنایع به عنوان شکل کارفرمایی غیردولتی با نقش میانجیگری بین دولت و بخش خصوصی و جلب مشارکت فعالان بخش خصوصی به عضویت در انجمن و ارائه خدمات به اعضا در راستای تأثیرگذاری بر سیاستها از طریق طرح مشکلات، ضرورتها، موانع و وضعیت بنگاه ها در شاخه های مختلف کسب و کار در عرصه عمومی تلاش میکند.

بر این باوریم مادامی که نیازها و خواسته های ما در حوزه های مختلف در گستره عمومی در منظر سیاست گذاران قرار نگیرد و اهمیت آنها مورد پذیرش واقع نشود در دستور کار نیز نخواهد بود. انجمن تلاش میکند با تغییر قوانین، سیاستها و تصمیمات اتخاذ شده در راستای بهبود محیط کسب و کار و پیگیری حقوق اعضای خود قدم بردارد.

گروه صنایع فولاد ایران



به جمع ما بپیوندید

۸۸۸۱۳۰۴۷ - ۸۸۳۰۴۰۷۰

۰۹۱۲۰۷۰۲۰۳۶

www.amsiran.com